

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر امین امیریان فارسانی

مدیر داخلی: مهدی عبدی ابیانه

مدیر اجرایی: مصطفی اکبری

دبیر علمی: احمد امیریان فارسانی

اعضای هیئت تحریریه:

دکتر محمود المامیر (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان)

دکتر مسعود حیدری (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان)

دکتر کریم صالحی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد)

دکتر رشید قدیری (استادیار دانشگاه شهرکرد)

دکتر محمد رضا شادمان فر (استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی)

دکتر امین امیریان فارسانی (استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی)

دکتر راضیه قاسمی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تیران)

دکتر علی زلفی (دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان)

دکتر الهام حیدری (استادیار دانشگاه شهرکرد)

فصلنامه سراسری دادگران کیفری (حقوق تخصصی)

به شماره ثبت ۸۸۴۶۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.chaponashr.ir/dr-amirian

www.chaponashr.ir

وب سایت اختصاصی دکتر امین امیریان فارسانی

سازمان چاپ و نشر ایران

آماده سازی، تهیه و تنظیم و ویراستاری: سازمان چاپ و نشر ایران (www.chaponashr.ir)

نشانی: اصفهان، سپاهان شهر، دانشگاه شهید اشرفی

اصفهانی، گروه حقوق

صفحه آرا: پروانه مهاجر

☐ نقل مطالب مندرج در فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

☐ مسئولیت صحت اطلاعات مندرج در مقالات به عهده نویسندگان است.

فهرست مطالب

مصونیت و مسئولیت مدنی دولت در ممانعت از دسترسی‌پذیری ۳

الهام کشوری

تحلیل فقهی جنایت نظامی و پزشکی بر علیه بشریت ۳۲

سیمین آزادیان ، زینب پورخاقان شهرضایی

بررسی مقایسه ای عزت نفس جوانان عادی و بزهکار ۱۸ تا ۲۷ سال پسر شهرستان
اصفهان ۶۲

سید محمد موسویان

علت شناسی قتل های سریالی ۸۲

میثم طهماسبی سرفلی نوترکی

مبانی فقهی حاکم بر جرم شهود در حقوق کیفری ایران ۱۰۹

مریم میرزایی سئین، مصطفی اکبری

مصونیت و مسئولیت مدنی دولت در ممانعت از دسترسی پذیری

الهام کشوری *

نوع مقاله : پژوهشی	تاریخ دریافت : ۱۴۰۳/۱۰/۲	تاریخ پذیرش : ۱۴۰۳/۱۰/۱۲	شماره صفحه : ۳۱-۳
--------------------	--------------------------	--------------------------	-------------------

در سیستم‌های رایانه‌ای داده‌ها و اطلاعات مهم‌ترین و پرارزش‌ترین عنصر هستند چه بسا در گاهی مواقع پرارزش‌ترین محصول یک شرکت می‌باشند از آنجا که در عصر نوین داده‌ها و سامانه‌ها دارای ارزشی بالاتر از گندم و حتی فن‌آوری هستند لذا ضرورت دارد که تمام انسان‌ها در هر زمان و مکان، امکان دسترسی به داده‌ها و سامانه‌هایشان را داشته باشند. ذکر این نکته ضروری است که حتی با حکم قانون نمی‌توان افراد را از این حق منع کرد. از آنجا که با عدم دسترسی افراد به داده و سامانه خسارت مادی و معنوی به آنها وارد می‌شود، باید بررسی کرد که مباشر جرم کیست؟ اگر شخص حقیقی باشد؛ به مجازات اشخاص حقیقی محکوم می‌گردد؛ و اگر از اشخاص حقوقی وابسته به دولت باشد، به مجازات اشخاص حقوقی محکوم می‌شود. اگر دولت مرتکب جرم ممانعت از دسترسی به داده و سامانه و متحمل خسارت شود، باید به پرداخت و جبران ضرر محکوم گردد مگر اینکه در راستای اعمال حاکمیتی باشد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت مدنی، مسئولیت مدنی دولت، داده، سامانه، جبران خسارت.

۱. درآمد

زندگی امروز جوامع انسانی به گونه ای شگفت انگیز با داده‌ها پیوند خورده است، زیرا عملکرد صحیح سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی که نقش بسیار موثر و تعیین کننده‌ای را در سبک و شیوه زندگی شهروندان ایفا می‌کنند، بدون آن ممکن نیست. این مهم موجب می‌شود تا افراد

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران و مدرس دانشگاه

با دقت بیشتری به امنیت رایانه‌ای توجه کرده و از داده‌ها و سامانه‌هایشان حفاظت کنند (خرم آبادی، ۱۳۸۳: ۲۱).

امنیت رایانه‌ای شاخه‌ای از فن‌آوری اطلاعات می‌باشد که بحث امنیت و نگهداری امن داده‌ها و اطلاعات را بر عهده دارد. حفاظت، پشتیبانی و نگهداری از داده‌های رایانه‌ای، اطلاعات مهم، برنامه‌های حساس، نرم‌افزارهای مورد نیاز و یا هر آنچه که در حافظه جانبی رایانه مورد توجه بوده و با اهمیت است، امنیت رایانه‌ای نامیده می‌شود. امنیت در حالت کلی می‌بایست سه بخش: محرمانگی، یکپارچگی و دسترس پذیری را شامل شود. بدین معنی که تعیین و تضمین یک شبکه یا سیستم امن می‌بایست منجر به سه هدف بالا گردد. (آندوراس، ۱۹۹۸، ۴۵)

دسترسی‌پذیری یکی از این سه اصل مهم و بنیادین امنیت رایانه‌ای است که در واقع، پس از اصول محرمانگی و یکپارچگی، از درجه سوم اهمیت برخوردار است (Brain Bridge, 2007: 45). از آنجا که سالیانه کاربران و سازمان‌ها مبالغ گزافی را برای در امان ماندن داده‌ها و سامانه‌هایشان برای جلوگیری از مختل کردن و استفاده‌ناپذیر کردن داده‌ها - که قابلیت دسترسی به آنها را به مخاطره می‌افکند - خرج می‌کنند پس ضرورت دارد کشورها از این افراد و سازمان‌ها حمایت کرده و با جرم‌انگاری و اعمال کیفر در صدد حمایت از بزه‌دیدگان برآیند.

در این مقاله طی پنج فصل به دنبال حمایت کیفری از داده و سامانه‌ها و مبانی عدم مسئولیت مدنی دولت هستیم. در این فصل‌ها، به ترتیب: حق دسترسی به داده و سامانه، مفاهیم و پیشینه مسئولیت مدنی دولت، مبانی مسئولیت مدنی، مبانی مصونیت و مسئولیت مدنی دولت با توجه به مبانی مسئولیت مدنی و نهایتاً، مسئولیت مدنی دولت در اینترنت و محیط سایبری بررسی می‌شود.

۲. حق دسترسی^۱ به داده و سامانه

یکی از حقوق مهم افراد دسترسی به داده و سامانه‌هایشان در هر زمان و مکان است. لذا باید گفت که این حق به هیچ وجه حتی با حکم قانون از بین نمی‌رود. چون افراد بخش وسیعی از اطلاعات خود را در سامانه‌های شخصی و یا پست الکترونیک خود ذخیره می‌کنند لذا ضرورت

دارد که در هر لحظه که نیاز به دارند، به آن دسترسی پیدا کرده و استفاده نمایند. (Banisar, 2000: 32).

بر اساس اصل حداقل حق دسترسی، هر برنامه و هر کاربری که به سیستم دسترسی دارد باید از حداقل دسترسی‌هایی که برای کامل کردن وظیفه‌اش ضروری است، استفاده نماید. به طور معمول، هر سیستم دارای اجزای مختلفی است که اکثر آنها نیازمند مجموعه‌ای از دسترسی‌های پایه است. اما تعداد کمی از اجزا نیازمند حق دسترسی بالاتری نسبت به دیگران است که اصطلاحاً گفته می‌شود این اجزا با حق دسترسی ارتقایافته اجرا می‌شوند. فقط برنامه‌های مربوط به این اجزا امضا یا علامت‌گذاری می‌شوند و دیگر برنامه‌هایی که نیازمند حق دسترسی ارتقایافته نیستند، نباید امضا شوند (بر اساس قانون ENV00-J).

بند ۱ ماده ۸ از دستور العمل شماره EC/95/46 اتحادیه اروپایی مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو پردازش داده‌های شخصی مربوط به ریشه‌های قومی و نژادی، اعتقادات سیاسی، عقاید دینی و فلسفی، عضویت در اتحادیه‌های تجاری و پردازش داده‌های مربوط به سلامتی و زندگی جنسی را ممنوع خواهد نمود» (اصلانی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

داده‌های موضوع این ماده که به داده‌های شخصی حساس معروفند، تقریباً در اغلب قوانین و متون قانونی مشابه مشمول حمایت قرار گرفته‌اند که به شرح زیر هستند:

- داده‌های مربوط به سلامتی خصوصیات وراثتی
- داده‌های تجاری و اقتصادی
- داده‌های اعتقادی
- داده‌های جنسی
- داده‌های مربوط به محکومیت‌های کیفری
- داده‌های عمومی

چون داده‌های مذکور مورد حمایت قانونگذار هستند، افراد باید در هر زمان که می‌خواهند به آنها دسترسی داشته باشند و از آنها استفاده نمایند. پس می‌توان گفت که حق دسترسی بدان معناست که فرد باید امکان دسترسی به داده‌های خود یا حداقل اطلاعات راجع به آن از قبیل نوع و حجم و ماهیت داده‌ها، هدف پردازش و مدت ذخیره آنها را داشته باشد (اصلانی، ۱۳۸۴: ۱۶۵).

۱,۲. محدودیت‌های حق دسترسی به داده و سامانه

- وقتی که دسترسی موجب ایجاد نا امنی یا خطر برای سلامتی یا حیات دیگری شود.
- وقتی که دسترسی موجب ایجاد خطر یا تهدید جدی برای حریم خصوصی سایرین باشد.
- وقتی که منع دسترسی به حکم قانون باشد.
- وقتی که دسترسی موجب اخلاص در تعقیب و کشف یک جرم مهم باشد.^۱
- وقتی که دسترسی به موجب حکم مقام صلاحیت‌دار (قضایی - امنیتی) باشد.

در خصوص محدودیت‌های حق دسترسی در کشورهای مخلف نظراتی ارائه شده است که ما به ذکر نظر قانونگذار ایران و حقوق داخلی بسنده می‌کنیم. بند د ماده ۵۹ قانون تجارت الکترونیکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲ مقرر می‌دارد: «شخص موضوع «داده پیام» باید به پرونده‌های رایانه ای حاوی «داده پیام»‌های شخصی مربوط به خود دسترسی داشته و بتواند «داده پیام»‌های ناقص و یا نادرست را محو یا اصلاح کند» (جاویدنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

می‌توان گفت که اصل حق دسترسی در باب مطلق داده‌ها و همچنین در جمیع موارد - بدون آنکه استثنائات و یا محدودیت‌هایی از قبیل آنچه در بالا بدانها اشاره شد، داشته باشد- باید گفت که چنین رویکرد افراطی در حمایت از داده که با سایر احکام قانونگذار در همین قانون نیز تناقض و تنافر جدی دارد، ناشی از غفلت و مسامحه بوده و پر واضح است که چنین رویکرد افراطی در عمل، نمی‌تواند به نحو کامل رعایت شود. از آنجا که قانون اطلاق دارد و افاده عموم می‌کند بر تمام اشخاص حقیقی و حقوقی و به طریق اولی، دستگاه‌های دولتی ملزم به رعایت هستند لذا مطابق این قانون و قانون جرایم رایانه‌ای، همه اشخاص و هر کس که بخواهد می‌تواند به داده‌های خود دسترسی داشته باشد. نیز قادر است به فایل‌های موجود در وزارت اطلاعات که در خصوص او گرد آوری شده است، دسترسی داشته باشد (اصلانی، ۱۳۸۴: ۱۶۸).

با این وجود می‌توان گفت که اکثر حقوقدانان معتقدند که قانون اجازه محدود کردن دسترسی به داده‌های شخصی حتی با حکم قضایی را هم نمی‌دهد. باید دید که تبصره‌ای در

1. <http://www.privacy.gov.au/publications/npps01>

قانون گنجانده شده که دولت یا مسئولان امر در برخی از شرایط می‌توانند دسترسی افراد را منع کنند یا خیر؟

با توجه به اینکه این موضوع جزو حقوق افراد محسوب می‌شود، در هیچ شرایطی این امکان وجود ندارد. البته در شرایطی با مجوز قضایی صرفاً می‌شود به اطلاعات افراد سرکشی نمود یا داده‌های برخی را نگهداری کرد اما اینکه کسی اقدام به محدودیت یا ممانعت از دسترسی افراد به اطلاعاتشان کند، حتی با مجوز قضایی هم امکان‌پذیر نیست.

در مورد دسترسی به سامانه هم مقررات دسترسی به داده حکمفرماست. بدین علت ماده ۷۳۸ قانون مجازات اسلامی آن دو را در کنار هم آورده که بر خلاف کنوانسیون بزه‌های محیط سایبر است که فقط از داده حمایت کرده است (عالی پور، ۱۳۹۰: ۲۲۹).

آیا دولت می‌تواند با راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات اقدام به محدود کردن شبکه اینترنت کند؟ در صورت راه‌اندازی این شبکه، حق افراد نسبت به دسترسی آزاد به داده‌های آنها در فضای مجازی نفی نمی‌شود زیرا قانون جرایم رایانه‌ای اشاره‌ای به این موضوع نکرده که آیا فضایی که در اختیار کاربران ایرانی قرار می‌گیرد توسط سرویس‌دهندگان خارجی تامین می‌شود یا داخلی و این موضوع هیچ ربطی به داده‌های کاربران ایرانی ندارد. آنچه که ما می‌گوییم باید مورد حمایت قرار بگیرد، دسترسی به داده‌های ایرانیان است نه حمایت از یاهو و جی‌میل. در ماده ۱۰ قانون جرایم رایانه‌ای - که به قانون مجازات اسلامی هم اضافه شده است - صریحاً به این موضوع تاکید می‌شود که اگر کسی با اقداماتی از قبیل مخفی کردن داده‌ها یا هر طریق دیگری، مانع دسترسی افراد مجاز به داده‌هایشان شوند، به حبس محکوم می‌شود. قانون جرایم رایانه‌ای اصلاً در صدد حمایت از سایت‌ها یا امکانات خارجی نیست بلکه در پی حمایت از داده‌های ایرانیان است؛ این قانون در صدد حمایت از حق دسترسی افراد به اطلاعاتشان است (محمدی، ۱۳۸۸: ۸۷).

۳. مفاهیم و پیشینه

۱،۳. مسئولیت مدنی و مسئولیت اخلاقی

مسئول {۱} از آن‌جا که اسم مفعول است، به معنی پرسیده‌شده، درخواست‌شده و بازخواست شده می‌باشد. لفظ مسئول ۵ بار در قرآن کریم، در آیاتی چون آیه شریفه ۲۴ از سوره مبارکه صافات آمده است، که خداوند متعال به فرشتگان درباره مجرمین می‌فرماید: «وَقَفُّوهُمْ

إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» {۲}. در روایات نیز واژه مسئول دیده می‌شود. به عنوان نمونه، پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیة» که مبین مسئولیت اجتماعی است و نزدیک به مفهومی است که امروزه از مسئول به ذهن می‌آید.

لفظ مسئولیت نیز مانند الفاظ مالکیت، الوهیت و معلولیت ساخته شده و معادل respon-sibility انگلیسی است و به تعبیر نویسندگان عبارت است از ضرورت پاسخ‌گویی توسط شخصی که از تعهدات و وظایف خود تخلف نموده است، چه این تعهدات حقوقی باشند و چه جنبه اخلاقی و معنوی داشته باشند (صفار، ۱۳۷۳: ۴۴۹).

در قانون مدنی به جای مسئول و مسئولیت از ضامن و ضمان استفاده شده است. {۳} زیرا در اسلام از مسئولیت جبران خسارت به ضمان تعبیر شده است و منظور از ضمان، ثبوت اعتباری چیزی در ذمه کسی به حکم شارع است (گرجی، ۱۳۸۰: ۲۵۷). بنابراین، با کمی تأمل می‌توان گفت که بحث معافیت از مسئولیت یا مصونیت که در ادبیات حقوقی امروزی متداول است و در این پژوهش به کار رفته، با مسقطات ضمان رایج در کلام فقها می‌تواند نزدیک و همسان‌سازی شود.

مسئولیت مدنی مسئولیتی است که در برابر ایجاد خسارت به وجود می‌آید و به وجودآورنده خسارت را ناگزیر از جبران خسارت می‌نماید. مسئولیت مدنی به معنی مسئولیت پرداخت خسارت است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۴۵). پس هر جا که شخص در برابر دیگری مسئول جبران خسارتی باشد، در آنجا مسئولیت مدنی وجود دارد.

بر مبنای مسئولیت مدنی بین زیان‌زننده و زیان‌دیده رابطه‌ای خاص به وجود می‌آید که همان جبران خسارت است. بنابراین، مسئولیت مدنی در معنی عام و وسیعش هم مسئولیت قراردادی و هم مسئولیت خارج از قرارداد را در بر می‌گیرد زیرا در هر دو مسئله مهم، بحث جبران خسارت مطرح است. اما تفاوت اساسی این دو با هم در وجود یا عدم وجود قرارداد بین طرفین می‌باشد. قلمرو مسئولیت مدنی از جایی آغاز می‌شود که بین طرفین قراردادی برای انجام تعهد وجود نداشته باشد. مسئولیت مدنی ناشی از نقض قرارداد نیست در حالی که مسئولیت قراردادی مسئولیتی است که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی پدید می‌آید. به عبارت دیگر، مسئولیت قراردادی به این معنی است که کسی که به عهد خود وفا نکرده و باعث ضرر طرف قرارداد خود شده باشد، باید زیان وارده را جبران نماید.

منظور از مسئولیت اخلاقی این است که انسان در مقابل خداوند یا وجدان خویش جوابگوی خطای ارتكابی باشد. این مسئولیت در فعل یا ترك فعلی که به شکل مخالفت با تعالیم دینی یا قواعد اخلاقی و وجدان باشد، ظاهر می‌گردد. ولی اگر منشأ الزام به پاسخگویی، معیارهای خارجی و بر پایه رفتار متداول افراد جامعه و در برابر حقوق موضوعه باشد، آن مسئولیت را مسئولیت حقوقی گویند.

مسئولیت اخلاقی جنبه درونی و شخصی دارد و برای مسئول شناختن فاعل زیان، باید شرایط و اوضاع و احوال شخصی و اندیشه و وجدان وی را بازرسی کرد. در حالی که مسئولیت مدنی به طور عینی (نوعی) در مقایسه با یک رفتار عادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. لذا یک اندیشه ساده ممکن است موجب مسئولیت اخلاقی شود؛ ولو اینکه موجب ضرر قابل لمسی به دیگری نشود. اما مسئولیت مدنی مستلزم ظهور خارجی اندیشه به صورت فعل یا ترك فعل، که همراه با ضرر و زیانی باشد، بوده و ورود ضرر شرط تحقق مسئولیت است (خرم‌آبادی، ۱۳۹۱: ۷۲).
بر خلاف مسئولیت اخلاقی که ضمانت اجرای آن شرمساری وجدان و احساس گناه است، ضمانت اجرایی مسئولیت مدنی و کیفری، جبر و الزام دستگاه‌های قانونی و قضائی کشور می‌باشد.

۲،۳. مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری و مسئولیت انتظامی

در مسئولیت مدنی و کیفری، فرد مسئول باید مرتکب فعل یا ترك فعلی شود که به دیگری ضرر می‌رساند. در مسئولیت مدنی، ضرر متوجه شخص خصوصی و در کیفری، متوجه جامعه است. لذا هدف از مسئولیت کیفری مجازات مجرم است. مجازات باید متناسب با اهمیت تقصیر ارتكابی باشد. اما هدف از مسئولیت مدنی جبران ضرر و زیان وارده به زیان‌دیده است و با میزان این زیان سنجیده می‌شود (آقایانی، ۱۳۸۷: ۴).

در مسئولیت کیفری، قصد و نیت یکی از ارکان اساسی مسئولیت است. در حقوق کیفری جرم غیر عمد جنبه استثنایی داشته و موردی وجود ندارد که قانون کسی را بدون تقصیر مجرم شناسد. ولی در مسئولیت مدنی «کسی که بر خلاف حق و در اثر بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی به دیگری خسارتی وارد می‌آورد، باید آن را جبران کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۵).

مسئولیت کیفری با اجتماع سه عنصر تحقق می‌یابد. اولین پایه مسئولیت کیفری، عنصر

قانونی است که عبارت از وجود متنی قانونی است که یک عمل را مجرمانه قلمداد می کند. دومین پایه آن، عنصر معنوی است که به واسطه قصد ارتکاب عمل زیان آور و مجرمانه تحقق می یابد. سومین، عنصر مادی است که انجام عملیات مجرمانه است و می تواند جنحه، جنایت یا خلاف باشد (باهر، ۱۳۸۴: ۲۹۶). با این وجود بین مسئولیت مدنی و کیفری گاهی ارتباطاتی وجود دارد. مثلاً، عمل واحد می تواند هر دو مسئولیت را در پی داشته باشد.

در مورد مسئولیت انتظامی به این مطلب اکتفا می شود که نقض مقررات صنفی به وسیله یک نفر از افراد آن صنف تخلف انتظامی محسوب می شود. مثلاً، قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ که قواعد اساسی لازم الراعیه بر وکلا را بیان می دارد. همچنین، آئین نامه انتظامی پزشکی مصوب کمیسیون های مشترک بهداری و دادگستری مجلسین به سال ۱۳۴۸، در ۶۵ ماده تخلفات انتظامی پزشکان و مجازات های آن را بیان داشته است. کیفر تخلف انتظامی تناسب و ارتباط با شغل مرتکب تخلف دارد؛ از قبیل توبیخ، تعلیق موقت، انفصال موقت یا دائم از شغل و... در این حالات خطا نوع خاصی است که اساس آن انضباط شغلی و مسلکی است و از چارچوب مسئولیت مدنی خارج بوده و مرتکب تخلف انتظامی فقط مسئولیت انتظامی دارد.

۳.۳. مفهوم خطای کارمند

شناخت مسئولیت مدنی کارمند نسبت به اشخاص منوط به حل مسئله مقدماتی مهم است و آن تمییز تقصیر شخصی از تقصیر اداری (خطای شغلی) است تا تقصیر شخصی بر عهده کارمند و تقصیر اداری بر عهده دولت به معنای اعم یا بیت المال باشد.

در تعریف خطای شغلی آمده است خطایی که در هنگام انجام حرفه معین به وجود می آید مانند خطای وکیل در دفاع و دادرس در صدور حکم و پزشک در معالجه یا عمل جراحی و مهندس در ترسیم نقشه مهندسی و... خطای شغلی از نقض اصول و قواعد موضوعی و متعارف هر شغل به وجود می آید، مانند اینکه حرفه را به شکل نامشروع انجام دهد. یعنی از روش فنی متعارف مطابق اصول مسلم آن شغل تجاوز نماید.

برخی از حقوقدانان بر این عقیده اند که خطای اداری عبارت است، از تقصیرهای متعارف یک سازمان دولتی. «هر اداره و مؤسسه عمومی در انجام وظایف خود باید در حدود متعارف مراقبت داشته باشد، که از اعمال او زیانی به کسی وارد نشود. در این حدود البته اشتباهات و

تقصیرات برای دستگاه غیرقابل اجتناب است و مسئول آن باید دولت باشد، ولی اگر اشتباهات و تقصیرات از این حدود که تشخیص آن بر عهده قاضی است خارج شود، تقصیرات مزبور خطای شخصی مستخدم بوده و او باید از عهده خسارت برآید» (مؤتمنی طباطبایی، ۱۳۷۹: ۴۰۱). نویسندگان تصریح کرده‌اند که «مهم‌ترین ویژگی خطای اداری این است که تقصیر ایشان در حین انجام وظیفه یک تقصیر حرفه‌ای به شمار می‌رود» (غمامی، ۱۳۷۶: ۳۳).

درباره مسئولیت پیشه‌وران گفته شده است که این مسئولیت در اکثر اوقات مسئولیت قراردادی است نه قهری. زیرا آنها برای ارائه و تقدیم خدمات به مشتریان به وسیله قرارداد با آنها مرتبط می‌باشند (السنه‌وری، ۱۹۹۸: ۵۴۸). حقوقدانان نیز در این باره معتقدند در جایی که مسئولیت قراردادی باشد نمی‌توان به مسئولیت خارج از قرارداد استناد کرد (بهرامی‌احمدی، ۳۸۲: ۱۲-۱۳).

اما پاسخ به این سؤال که کدام یک از اعمال کارمند خطا محسوب می‌شود و از بین خطاها کدام شخصی و کدام اداری است، مستلزم این است که در این باره به معیارهایی که نویسندگان برای خطای شغلی ارائه نموده‌اند، به‌طور مختصر اشاره شود. همانطوری که رفتار شخص عادی معیار وجود خطای عادی است، در خطای فنی نیز رفتار شخص متعارف از آن صنف که از لحاظ آگاهی و صلاحیت علمی در حد معمول باشد، ملاک خطای شغلی است (السنه‌وری، ۱۹۹۸، ۸۲۴/۱). منظور از اصول ثابت و مستقر اصولی است، که در بین رجال فن، در آنها مناقشه‌ای وجود ندارد و اکثریت به آن تسلیم بوده و در آن مجادله‌ای ندارند.

البته باید اوضاع و احوال خارجی که او را احاطه کرده است نیز در نظر گرفته شود. زیرا در مشاغل فنی سطوح و درجاتی وجود دارد، به نحوی که ممکن است یک شغل معین دارای چندین درجه و سطح باشد. لذا باید برای هر یک از آنها معیار فنی خاصی وجود داشته باشد. مثلاً، پزشک عمومی در رفتار و انجام عمل فنی خویش با یک پزشک متخصص تفاوت‌هایی دارد و بالتبع، ارزیابی خطای او با خطای پزشک متخصص تفاوت دارد. بنابراین، بایستی برای هر گروه از مشاغل معیاری در نظر گرفته شود که رفتار فنی شخص متوسطی از همان گروه است. مثلاً در حرفه وکالت، معیار خطای شغلی برای کارآموز وکالت غیر از معیار خطای وکیل درجه یک می‌باشد (باریکلو، ۱۳۸۹: ۶۶).

بعضی از حقوقدانان فرانسه بین خطای عادی و خطای شغلی در هنگام انجام شغل تفاوت

قائل شده‌اند. خطای عادی خطایی است که شخص در هنگام انجام دادن کاری که حرفه وی است، مرتکب می‌شود؛ بدون اینکه خطا ارتباطی به اصول فنی آن شغل داشته باشد. مانند اینکه پزشک در هنگام عمل جراحی مست باشد و معیار خطای عادی معیار مشهور خطا، یعنی انحراف از رفتار معمولی شخص عادی است. اما خطای شغلی خطایی است که شخص در هنگام انجام حرفه مرتکب آن می‌شود و با اصول فنی آن حرفه مرتبط و متصل می‌باشد. نظیر آنکه پزشک در تشخیص بیماری دچار اشتباه شود. به نظر این حقوقدانان پیشه‌ور در خطای شغلی مسئول نیست مگر اینکه خطای او سنگین باشد. زیرا هراس از مسئولیت موجب سلب آزادی عمل و اطمینان و اعتماد در شغل می‌گردد و باعث انسداد باب علم و دانش خواهد شد (السنه‌وری، ۱۹۹۸: ۵۴۸/۱).

اما در جواب باید گفت که این تقسیم‌بندی از حیث لزوم سنگین بودن خطا پایه منطقی ندارد. زیرا اگر پزشک یا اشخاص فنی دیگر احتیاج به اطمینان و امنیت شغلی دارند، در مقابل نیز بیماران و مشتریان مشاغل احتیاج به حمایت بیشتری در برابر خطای شغلی که تعداد آن روزافزون است، دارند و لازم است که شخص فنی در مقابل خطای فنی خویش به مانند خطای عادی مسئول باشد، خواه خطا سبک یا سنگین باشد (السنه‌وری، ۱۹۹۸: ۵۴۸/۱).

هرگاه کارمند عمل اداری را به منظور اجرای وظیفه و دستیابی به هدفی که اداره از او خواسته است، انجام دهد و در این راه مرتکب خطای سبک و غیر عمدی گردد، تقصیر او اداری محسوب شده و دولت مسئول جبران خسارت است. ولی اگر رفتار زیانبار او برای انجام وظیفه نباشد و عمداً صورت پذیرد، یک تقصیر شخصی به شمار می‌رود. همچنین، هرگاه رفتار او خطای فاحش باشد، در حکم عمد تلقی می‌شود و ضمان آور است (غمامی، ۱۳۷۶: ۳۲).

۴. مبانی مسئولیت مدنی

به شهادت تاریخ، در روزگاران اولیه قانون به معنای کنونی بر روابط اجتماعی حاکم نبود و افراد تا حدودی حقوق یکدیگر را رعایت می‌کردند (فضلی، ۱۳۸۹: ۱۰۵). ولی پس از ظهور مکاتبی که بر نقش قانون تاکید داشتند، حقوق و تکالیف افراد به صورت قانون مدون تنظیم گردید. لذا هر تکلیف مبنای نظری و قانونی پیدا کرد و در نتیجه، مطالعه مبانی نظری نهادهای حقوقی مورد توجه قرار گرفت.

در این فصل لازم است به مبانی مسئولیت مدنی در حقوق نوین اشاره شود. مبانی

مسئولیت مدنی در حقوق اروپایی تقصیر عامل زیان یا خطری که ایجاد نموده یا تضمین قانونگذار در حمایت از حقوق اشخاص است. هر یک از این سه نظریه، اگرچه بخشی از حقیقت را با خود به همراه دارد، ولی نتوانسته است به تنهایی به عنوان مبنای منحصر مسئولیت پذیرفته شود. بدین علت، پس از اشاره به فهرستی از نظریات موجود در مسئولیت مدنی یعنی: نظریه رفاه و شر، نظریه تقصیر و نظریه خطر در برابر انتفاع و...، به توضیح آنها می پردازیم.

۱,۴. نظریه تقصیر

این نظریه که خاستگاه غربی دارد، مبتنی بر این باور است که مسئولیت انسان در جایی است که خطایی مرتکب شده است. حتی ادعا شده است که بدیهی ترین و عقلانی ترین مبنای مسئولیت خطای عامل ورود زیان است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۹). پیدایش نظریه تقصیر تحت تأثیر دو جریان بوده است:

۱,۱,۴. وحدت مسئولیت کیفری و مدنی

یعنی همانطور که از نظر جزایی انسان تنها در جایی مسئول به شمار می رود، که مرتکب خطا و تقصیری شده باشد، در مسئولیت مدنی نیز فقط در صورت ارتکاب تقصیر، مسئول محسوب خواهد شد. در حقوق رم نیز این دو مسئولیت مشترک بوده اند.

۲,۱,۴. اخلاق گرایی

نظریه تقصیر تحت تأثیر تعلیمات مذهبی کلیسا بوده است. بر مبنای تعالیم کلیسا، مسئولیت در جایی است که وجدان از عمل انجام شده شرمسار است. به همین دلیل، طرفداران نظریه تقصیر بر این باورند که پابندی به این نظریه راه مناسبی برای رسیدن به آرمان اخلاق گرایی در حقوق است.

درباره مفهوم تقصیر نیز در میان حقوقدانان اتفاق نظر وجود ندارد. مثلاً، کولن و کاپیتان در تعریف تقصیر آورده اند: «تقصیر عبارت است، از خروج از رفتار یک انسان آگاه یا رفتاری که لازم بوده است» (عامر، ۱۹۵۶: ۱۷۵). امانوئل از جمله نویسندگانی است که بر مفهوم اجتماعی تقصیر تأکید داشته و می نویسد افراد جامعه باید به گونه ای رفتار نمایند که موجب جلب اعتماد دیگران شود و در صورت تجاوز به این اعتماد عمومی مرتکب تقصیر شده اند (عامر، ۱۹۵۶: ۱۷۵).

البته این تعریف ضابطه روشنی برای تقصیر بیان نمی‌دارد.

نویسندگان داخلی با توجه به مواد ۹۵۱ به بعد قانون مدنی بر این باورند که تقصیر عبارت است از تعدی و تفریط (صفایی، ۱۳۵۱: ۵۵۳؛ درودیان، ۱۳۷۰: ۱۲۰). در آثار فقها، هر چند تقصیر تعریف نشده است، ولی با تعبیری چون تعدی، تفریط، اهمال و عدم تحفظ از آن یاد شده است. به عنوان نمونه، میرعبدالفتاح مراغی در تعریف تعدی و تفریط آورده است: «انجام آنچه که ترک آن واجب است، مانند سواری گرفتن از حیوان بیش از مسافت مورد توافق یا سرعت غیرمتعارف. تفریط نیز عبارت از ترک آن چیزی است، که انجام آن لازم است. مانند آب و علف ندادن به حیوان یا حفاظت کافی از او نداشتن» (الحسینی المراغی، ۱۴۱۸ق: ۴۴۸).

نظریه تقصیر تا اواخر قرن نوزدهم به عنوان قاعده کلی مبنای مسئولیت در برخی کشورها همانند فرانسه شناخته می‌شد اما از اوایل قرن بیستم دچار تزلزل شد و مورد تهاجم قرار گرفت.

۲.۴. نظریه تضمین حق

این نظریه بر این باور استوار است که نظریه تقصیر و ایجاد خطر به ارزیابی رفتار عامل زیان پرداخته و از هدف اصلی مسئولیت مدنی که جبران خسارت زیان دیده می‌باشد، غافل مانده است. بر طبق نظریه تضمین حق هر کس از افراد جامعه حق دارد که در جامعه‌ای سالم و در امنیت کامل زندگی کند و از اموالش استفاده نماید. دیگران نیز باید به این حقوق احترام بگذارند. قانون نیز از آن حمایت خواهد کرد و در نتیجه، اگر حقی از بین رود باید به وسیله عامل از بین برنده حق جبران شود.

بنیانگذار این نظریه فردی است به نام بوریس استارک (بهرامی احمدی، ۱۳۸۲: ۳۷). وی در صدد است که تمام موارد مسئولیت مدنی را بر مبنای تضمین قانونگذار، مبنی بر حفظ و حمایت از حقوق اشخاص در جامعه، توجیه نموده و بدون توجه به اینکه عامل زیان به صرف ایجاد خطر یا داشتن تقصیر مسئولیت دارد یا خیر، این مسئولیت را لازمه اراده قانونگذار در حمایت از حقوق افراد اجتماع بداند.

البته این نظریه در مواردی مثل غصب و سلطه غیرقانونی بر مال غیر و اتلاف مطابق با واقع است. ولی اشکال اساسی زمانی است که شخص در مقام اجرای متعارف حق خویش موجب زیان دیگری می‌شود. به بیان دیگر، مشکل آن است که دو حق با یکدیگر تزاخم داشته و دلیلی

بر ترجیح هیچ‌یک وجود نداشته باشد. استارک، برای رهایی از این اشکال، حقوق را به دو گروه تقسیم می‌کند. گروه اول که شامل حق فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی و... است، جز در صورت تقصیر در اعمال حق، عامل زیان را مسئول نمی‌شناسد. ولی در گروه دوم که شامل حق حیات و تمامیت جسمی و مالکیت است، در هر حال، عامل زیان مسئول است و این بدان معنی است که اجرای حق ضمان‌آور است.

نکته اخیر از جهتی با یکی از مبانی مسئولیت مدنی در حقوق اسلام یعنی قاعده لاضرر شباهت دارد. به این ترتیب که، در حقوق اسلامی بدون تردید ضرر امری نفی شده اما در برخی شرایط حقوقی نیز برای بعضی افراد پیش‌بینی گشته است که در آن می‌توان به گونه‌ای ریشه‌هایی از ضرر مانند حق طلاق برای مرد، را جستجو نمود. اعمال این حقوق زمانی می‌تواند ضمان‌آور باشد که به قصد «اضرار» اعمال شود.

در منابع اسلامی از جمله آیات و روایات، علاوه بر «ضرر» به «اضرار» نیز توجه شده و فقها بحث‌های مبسوطی در زمینه مفهوم «اضرار» داشته‌اند. شاید بتوان گفت در این قبیل حقوق، اصل بر عدم ضمان است مگر آنکه قصد اضرار باشد. البته باید توجه داشت که قصد اضرار باید توسط مدعی آن ثابت شود. این حقوق واجد بعضی مصالح اجتماعی است و ذی‌حق در اعمال آن نیازمند توجیه عمل خود نخواهد بود (بهرامی‌احمدی، ۱۳۸۵: ۲۵).

۳،۴. نظریه خطر

بر اساس این نظریه - که جزء نظریه مسئولیت‌های بدون تقصیر به حساب می‌آید و از لحاظ تاریخی بر نظریه تقصیر تقدم زمانی دارد- هر کس که به فعالیتی بپردازد و محیط خطرناکی را برای دیگران به وجود می‌آورد، باید زیان‌های ناشی از آن را جبران نماید. شعار طرفداران نظریه خطر این بود که «هر کس سود کاری را می‌برد باید زیان‌های آن را نیز تحمل کند». در این دیدگاه آنچه اهمیت دارد، درست یا نادرست بودن فعل باعث ضرر نیست بلکه انتساب ضرر به فعل خوانده است. مهم‌ترین فایده نظریه خطر این است که با حذف تقصیر از زمره ارکان مسئولیت مدنی، دعاوی جبران خسارت آسان‌تر به مقصود می‌رسد و زیان‌دیده از اثبات تقصیر خوانده معاف می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۹).

یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث انتقاد از نظریه تقصیر و تمایل به نظریه خطر گردید،

تاثیر مکتب تحقیقی ایتالیا درباره مسئولیت کیفری بود. این مکتب در زمینه حقوق جزا توسط آنریکوفری، استاد حقوق جزا در دانشگاه رم، پایه‌گذاری شد. وی مدعی بود که مسئولیت اخلاقی مجرم نباید معیار معین مجازات باشد بلکه میزان زیان وارده باید اساس تعیین مجازات قرار گیرد، زیرا هدف از مجازات، حمایت از اجتماع و عبرت دیگران است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۱: ۲).

نکته جالب در مورد این نظریه، شباهت آن به نظریه «نفی ضرر» است که مبنای مسئولیت مدنی در حقوق اسلام است. حتی بعضی از اساتید حقوق ایران شعار ذکر شده از سوی طرفداران نظریه خطر را مترادف یکی از قواعد فقهی با عنوان «من له الغنم فعلیه الغرم» می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۰۱). البته باید به این نکته توجه شود که علی‌رغم شباهت ظاهری این دو جمله که می‌توانند ترجمه یکدیگر در زبان‌های مختلف باشند، تفاوت‌هایی یافت می‌شود. در حقوق اسلام این ضابطه مدلول روایت «الخراج بالضمن» است و منظور از آن تلازم ملک و نمآت و منافع است. همچنین نباید از تفاوت نظریه ایجاد خطر با مسئولیت عینی «نفی ضرر» در حقوق اسلام غافل بود. در حقوق اسلام هر زانی که به دیگری وارد شود، ضمان آور است؛ حتی اگر فاعل آن در خواب باشد. ولی در نظریه ایجاد خطر زیان ناشی از فعلی مسئولیت آور است که برای فاعل آن سودمند باشد (بهرامی احمدی، ۱۳۸۵: ۳۷).

این نظریه نیز مورد انتقاد فراوان واقع شده است. مثلاً در مورد اثبات رابطه سببیت در مواردی که چند عامل در بروز خسارت دخالت داشته‌اند، انتخاب موثرترین آنها اگر از اثبات تقصیر مشکل‌تر نباشد، آسان‌تر نیست. ضمن اینکه مسئولیت بدون تقصیر خود نوعی بی‌عدالتی است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۰۰). بنابراین، هواداران این نظریه دست به تعدیل آن پرداختند. به عنوان نمونه، برخی نظریه خطر در برابر انتفاع را مطرح نمودند.

آنچه که باید در این گفتار بیان شود و به موضوع تحقیق که مسئولیت مدنی نمایندگان است، مرتبط می‌باشد، این است که نظریه فوق درباره اشخاص عمومی کاربرد بیشتری دارد. مثلاً، درباره دولت و سازمان‌های دولتی که قبول نظریه تقصیر مشکل است، بسیاری از نویسندگان مبنای مسئولیت مدنی دولت را خطر ایجاد شده از اعمال او معرفی می‌نمایند (غمامی، ۱۳۷۶: ۴۴). بر این اساس در دعوی مسئولیت کافی است که زیان‌دیده ارتباط خسارت وارده را با عمل ارادی اثبات نماید. به‌طور مثال، اگر کسی در اثر تفتیش بی‌نتیجه مأمورین گمرک متوقف شده یا مجبور به تغییر مسیر گردد، می‌تواند تقاضای جبران خسارت وارده به خود را از این بابت بنماید.

یا هرگاه در اثر مجاورت با یک میدان تیراندازی، شخصی آسیب ببیند، یا عبور لوله‌های نفت یک پالایشگاه موجب ورود خسارت به زمین‌های زراعی گردد یا در اثر آزمایشات هسته‌ای خسارتی وارد آید، دولت به علت ایجاد خطرِ نامتعارف مسئول است.

از دیگر نظریات در این باره، نظریه رفاه و خیر است. این نظریه توسط حقوقدانان امریکایی مطرح شده است و به موجب آن، مواردی که شخص کار مفیدی برای اجتماع انجام می‌دهد و در اثنای آن به دیگری زانی وارد می‌آید، که جبران آن بر اساس نظریه تقصیر میسر نیست، دولت به نمایندگی از جامعه خسارت وارده را جبران می‌نماید. {۴}

۴.۴. قاعدة علی‌الید (ضمان قهری)

قاعده علی‌الید یا ضمان‌ید از دیگر قواعد فقهی در باب ضمان قهری می‌باشد. ید به معنای دست است. انسان بیشتر چیزها را به وسیله دست مورد استفاده قرار داده، اختصاص می‌دهد و بعد مالک می‌شود. دست غالباً در معنای مجازی به معنی استیلا و تسلط به کار می‌رود (محمدی، بی‌تا: ۱۸۰). مطابق این قاعده، هر کس بدون اجازه بر مال دیگری تسلط پیدا کند، ضامن آن مال محسوب می‌شود؛ هرچند آن مال تلف نشود. به عنوان مثال، اگر کسی اتومبیل متعلق به دیگری را برداشته و سوار شود، ضامن است که آن را در همان وضعیت به صاحبش برگرداند. بر مبنای این قاعده، هر کس بر مال دیگری استیلا یابد، ضامن نقص و تلف آن است و این مسئولیت هم شامل حکم تکلیفی و هم دربرگیرنده حکم وضعی است. پس اگر کسی بر مال دیگری ید پیدا کند، باید زمانی که عین مال موجود است، آن را به صاحبش برگرداند و در صورت تلف شدن مال مزبور باید مثل یا قیمت آن را بدهد. (جلی‌العاملی، ۱۴۱۳ق: ۱۸۹/۲؛ یزدی، ۱۴۱۷ق: ۲۸۵).

مهم‌ترین مدرک این قاعده، روایت نبوی شریف است که فرمود: «علی‌الید ما اخذت حتی تؤدی». علمای شیعه این حدیث را در کتب روایی خود مطرح نکرده‌اند و فقط اهل سنت آن را از طریق «حسن بصری» و او از «سمره بن جندب» و او از پیامبر (ص) روایت کرده است.

۴.۵. استیفاء

استیفاء یکی دیگر از اسباب و موجبات قهری است. استیفاء از ریشه «وفی» به معنی گرفتن و اخذ کامل چیزی است. در اصطلاح، گاهی واژه استیفاء به معنی به کار بردن و اجرا کردن استعمال می‌شود. به عنوان مثال، اهلیت استیفاء در برابر «اهلیت تمتع» به همین معنا به کار

رفته است. اما معنای اصطلاحی متداول آن عبارتست از بهره‌مند شدن کسی از عمل یا منفعت مال دیگری بر حسب اذنی که قبلاً داده شده است (امامی، ۱۳۷۸: ۴۰۴/۱).

۵. مبانی مصونیت مدنی و مسئولیت دولت با توجه به مبانی مسئولیت مدنی

اگر به پیروی از اندیشمندان حقوق، هدف اصلی قواعد مسئولیت مدنی را جبران خسارت زیان‌دیده و ترمیم زیان وارده بدانیم، دولت نیز از این قاعده مستثنی نخواهد ماند؛ بویژه با توجه به نقشی که دولت‌های امروزی در جامعه ایفا می‌کنند، و به مقتضای آن در تمامی شئون اجتماعی به‌طور همه‌جانبه مداخله می‌ورزند و احتمال انجام اعمال ضمان‌آور برای آن‌ها بسیار است. به عنوان نمونه، «باید خسارت مادی ناشی از بازماندن از فعالیت اقتصادی اشخاص و یا خسارات معنوی ناشی از کسر حیثیت و اعتبار اجتماعی اشخاص را جبران نمایند» (زرگوش، ۱۳۹۰: ۲۶۶).

۱,۵. مسئولیت حکومت به جای کارمند

به گفته نویسندگان مسئولیت دولت نسبت به اعمال کارکنان خود مسئولیتی مستقیم است. به این ترتیب که هرگاه کارمند دولت مرتکب عمل زیانبار شود، دولت نه به سبب خطا یا مسئولیت کارمند که به دلیل خطای خود مستقیماً عهده‌دار مسئولیت خواهد بود. در این معنا مسئولیت دولت تابع مسئولیت کارمند نیست، بلکه به صرف صدور خطای زیانبار از کارمند، اداره مسئول جبران خسارت است. به عبارت دیگر، عمل به دولت منسوب می‌گردد بدون آنکه ابتدا آن را به کارمند عامل ورود زیان نسبت دهیم (غمامی، ۱۳۷۶: ۴۰).

نظریه مسئولیت حکومت یا به تعبیری دولت به معنی اعم یا به تعبیری بیت‌المال به جای مستخدم دولت، نظریه‌ای است که در آثار نویسندگان درباره کارمندان دولت و قضات دیده می‌شود.

به عقیده نویسندگان ضابطه مسئولیت حکومت به جای کارکنان را در حقوق ما می‌توان در مسئولیت مدنی قضات که به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی پیش‌بینی گردیده است و یکی از بارزترین جلوه‌های مسئولیت مدنی دولت (به معنی اعم) نسبت به اعمال کارکنان خود به شمار می‌رود، مشاهده نمود. (غمامی، ۱۳۷۶: ۴۰). اصل ۱۷۱ مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر

این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود؛ البته حقوقدانان تصریح کرده‌اند که اگر تقصیر در حکم عمد باشد. یعنی برای مثال، قاضی بدون خواندن کتاب‌ها و رویه قضایی و بدون مشورت با همکاران، شتابزده تصمیم ناروایی بگیرد و یا آنکه حقیقت را فدای انگیزه‌ها و آمال سیاسی و اخلاقی خود گرداند، اینگونه اعمال را که عرف قضایی نمی‌پسندد، نیز باید در حکم عمد دانست (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۵۹/۱).

مطالعه آثار فقه‌های امامیه نیز به خوبی موید این معناست که مسئولیت جبران خسارات ناشی از خطای قاضی به عقیده مشهور از بیت‌المال است (ابن‌بابویه، ۱۳۹: ق: ۶۹). بنابراین، قاضی مسئول خطاهای عمدی و یا در حکم عمد خود است که در قانون اساسی به تقصیر تعبیر شده است. این نکته را نیز باید افزود، که ملاک و ضابطه سنجش تقصیر قاضی و شیوه رفتار یک قاضی متعارف است که خطای حرفه‌ای نامیده می‌شود. به گفته نویسندگان، تعبیر تقصیر دادرس بر مبنای خطای حرفه‌ای وسیله‌ای است برای تعدیل مسئولیت او و سازگار کردن آن با خطرهای احترازناپذیر شغل قضاوت (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۵۹/۱).

با توجه به اینکه شغل نمایندگی مجلس نیز شغلی پرمسئولیت است، شاید بتوان با تنقیح مناط و الغاء خصوصیت از اصل ۱۷۱ این مطلب را در خصوص کارمندان نیز بیان داشت. یعنی اگر خطای حرفه‌ای کارمند در چارچوب وظایف باشد و عمدی یا در حکم عمد نباشد، دولت (به معنی اعم) مسئول جبران خسارت است. چنانکه مقتضای قاعده «صاحب غنیمت صاحب غرامت است» این است که خسارات وارد باید از مال دولت و نه از مال کارمند پرداخت شود (هاشمی، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

مقتضای قاعده «مال هیچ فردی بی‌ارزش نیست» نیز این است که چون حکومت به منظور رعایت جامعه و نظام اسلامی تخلف و اضرار کارمند به دیگران را تجویز نموده و برخی از مشاغل دولت را که مستلزم وقوع تخلف است، پذیرفته که بایستی خساراتی را که به واسطه عمل آنها به افراد وارد می‌شود، جبران کند. اگر تجویز ارتکاب برخی تخلفات برای نماینده و اعطای حق مصونیت به او یک نوع قانونگذاری در جهت مصالح نماینده - و نه عنوان نمایندگی - باشد، در این صورت، نماینده ضامن ضرر و زیان ناشی از استفاده از حق مزبور است و دولت هیچ‌گونه ضمانتی نخواهد داشت. بدون شک، تجویز ارتکاب برخی افعال ضرری برای دیگران توسط کارمندان در صورتی است که آن افعال از لوازم شغل آنها باشد (خواجه پیری، ۱۳۸۹: ۸۹).

در حقوق موضوعه، مبنایی که برخی از نویسندگان و بویژه پیروان نظریه تقصیر برای انتساب مستقیم مسئولیت عمل زیانبار کارمند به سازمان یا مؤسسه دولتی برگزیده‌اند، نظریه مسئولیت اشخاص حقوقی است. گفته می‌شود که هر اداره یا ارگان یا نهادی چون مجلس، یک شخص حقوقی عمومی است و مانند هر شخص حقوقی مسئول اعمال زیانبار خود است. اعمالی که کارمندان اداره به نام شخص حقوقی انجام می‌دهند، اعمال منسوب به این شخص به شمار می‌آید زیرا کارمندان به مثابه اندام‌های این شخص به شمار می‌روند، پس خطای کارمند در هنگام انجام وظیفه خطای شخص حقوقی است. این قاعده از مفهوم شخصیت حقوقی نشأت گرفته است (عالی‌پور، ۱۳۹۲: ۸).

البته منطق حقوقی ایجاب می‌کند که برای تامین هرچه بهتر عدالت در مورد خطاهای شخصی، نماینده در حین انجام وظیفه. یعنی تقصیرهای عمدی و سنگین او به جای آنکه تنها حکومت مسئول باشد، نماینده و حکومت به صورت جمعی مسئول خواهند بود. برخی دیگر با تاکید بر اینکه شخص حقوقی نباید از نتایج اعمال کارکنان خود برکنار بماند، معتقدند که مسئولیت شخص حقوقی نسبت به اعمال کارمندان به مواردی اختصاص دارد که کارمندی در اجرای عملی که به نمایندگی از شخص حقوقی انجام می‌داده، خسارت را در نتیجه خطای خود به بار آورده باشد. بنابراین، در خصوص اعمالی که نیابت‌بردار نیست، اگر عمل کارمند منتهی به خسارت شود، هرچند که در حین انجام وظیفه‌اش باشد، مسئولیت شخصی او را در پی خواهد داشت (زراعت، ۱۳۹۲: ۸۶). چنین عملی به شخص حقوقی منسوب نمی‌گردد زیرا اگر قانونگذار شخصی را مسئول دیگران قرار دهد، این تضمین باعث از بین رفتن مسئولیت خطاکار در چنین مواردی نمی‌شود. به‌طور مثال، در اتلاف و تسبیب، نمایندگی راه ندارد. پس اگر کارمندی در هنگام کار مال متعلق به دیگری را تلف کند، شخصاً مسئول خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۱۸/۲).

عده‌ای دیگر - فارغ از این مباحث - مسئولیت مستقیم دولت را بیشتر متکی بر نظریه تضمین حق می‌دانند، حمایت از حقوق شهروندی که از عمل کارمند یک سازمان عمومی زیان‌دیده است، اقتضا می‌کند که آسان‌ترین طریق برای جبران خسارت او برگزیده شود. اعتقاد و التزام به مسئولیت مستقیم دولت بهترین راه‌حل برای حصول این نتیجه است (به نقل از: غمامی، ۱۳۷۶: ۴۳). البته به عقیده ریرواستاد فرانسوی، مبنای عمومی مسئولیت مدنی دولت نه بر تقصیر که تنها بر خطر ایجادشده از اعمال او قرار دارد.

در قوانین داخلی رگه‌های از مسئولیت حکومت یا بیت‌المال دیده می‌شود. مثلاً، ماده ۳۲۳

قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی نموده و هیچ‌گونه تخلف از مقررات نکرده است، ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جز مواردی که مقتول و یا مصدوم مهدورالدم نبوده، دیه بر عهده بیت‌المال خواهد بود. نظر به اینکه دیه علاوه بر جنبه کیفری ماهیتی مدنی نیز دارد، خاصه آنجا که از سوی دولت پرداخت می‌شود، به منظور جبران خسارت است. بنابراین این ماده یک مسئولیت بدون تقصیر برای دولت مقرر داشته که مبتنی بر نظریه خطر است. یعنی عمل تیراندازی مأمور دولت خطری نامتعارف ایجاد نموده که در نتیجه آن به دیگران خسارت وارد شده است. لذا دولت باید تاوان ایجاد این خطر را بپردازد. زیرا به وجود آوردن این محیط خطرناک منسوب به او است. البته لازم به ذکر است که به گفته حقوقدانان با توجه به ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی برای کارفرمایان فرض تقصیر نموده است. در این باره نیز می‌توان گفت: که نظام حقوقی ما از نظریه تقصیر پیروی کرده است و نظریه ایجاد خطر در نظام حقوقی ایران مورد استعمال نیست. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۸: ۳۵۵).

۶. اینترنت و مسئولیت مدنی دولت

اینترنت و رایانه مشکلات خاص خود را ایجاد کرده است. نقض حریم زندگی خصوصی افراد و دستبرد به محتوای رایانه‌ها و همچنین ارسال نامه‌های الکترونیکی ناخواسته و تبلیغاتی، از جمله این مشکلات است. در روزگاران گذشته آگهی‌های تبلیغاتی از طریق پست معمولی ارسال می‌شد و نامه‌های اداری نیز دست به دست می‌گشت. کاربران اینترنت هنگام استفاده از این فن‌آوری جدید، خواه ناخواه، اطلاعات وسیعی را در اختیار شکارچیان می‌گذارند؛ اطلاعاتی همچون شماره کارت اعتباری، شماره حساب بانکی و فهرست اسامی دوستان و همچنین اطلاعات پزشکی و البته محصولات مصرفی مورد علاقه افراد. امکان دستیابی حکومت‌ها، کارفرمایان و بویژه تبهکاران به این اطلاعات باعث نگرانی کاربران شده است. {۵}. این احساس که دیگران به این آسانی می‌توانند از اعتقادات، احساسات، سلامت جسمی و همچنین میزان موجودی حساب بانکی دیگران مطلع شوند، برای هیچ کس خوشیند نیست (هل‌فروش، ۱۳۸۲: ۴۰).

نباید حقوق اینترنت را در زمره شاخه‌های علم حقوق آورد. حقوق اینترنت اصطلاحی غیررسمی است که به تطبیق قواعد شاخه‌های سنتی علم حقوق همچون حقوق مدنی و حقوق جزا با فعالیت‌هایی که از طریق اینترنت صورت می‌گیرد، اطلاق می‌شود. حقوق اینترنت شاخه‌ای

خاص از حقوق نیست؛ قواعد مطرح در آن، در حقیقت، همان قواعد سنتی است که برای تطابق با وضعیت خاص اینترنت به لباسی نو در آمده است. با این حال، قوانین متعددی برای حل معضل‌های از اینترنت وضع گردیده است (Desbois, 1966: 234).

فعالیت در زمینه اقتصاد بدون آگاهی از نحوه اعمال قواعد قوانین و مقررات قدیم و جدید فعالیت‌های اینترنتی امکان‌پذیر نیست؛ فعالیت‌هایی همچون تبلیغات، عقد قرارداد، بانکداری، ارسال مکاتبات به محاکم و ادارات دولتی، استخدام و معاملات گوناگون. این گفته که حقوق اینترنت و رایانه پدیده‌ای جدید است بدان معنی نیست که باید همه چیز را از نو فرا گرفت بلکه بسیاری از اصول و قواعد عمومی برای حل مسائل این شاخه از حقوق نیز.

۱.۶. اینترنت و مسئولیت مدنی دولت

نقض حریم زندگی خصوصی افراد و بویژه دست‌اندازی به اطلاعات موجود در نامه‌های الکترونیکی اولین مسئله‌ای است که در زمینه مسئولیت مدنی باید مورد بررسی قرار گیرد. هر کارگر یا کارمند آمریکایی، روزانه به طور متوسط ۱۹۰ نامه الکترونیکی ارسال می‌کند. این عدد بدون محاسبه نامه‌های خصوصی است. آمار فوق بیانگر اهمیت مسئله است. از سویی، هنگامی که در عالم اینترنت به گشت و گذار می‌پردازید، شکارچیان با دنبال کردن مسیرتان به علائق شخصی شما پی می‌برند و ممکن است حتی اطلاعات مربوط، به فروش نیز برسند (Samuelson, 1989: 666). استفاده از تصویر و اسامی افراد برای کسب منافع تجاری نیز از لحاظ مسئولیت مدنی در محیط اینترنت قابل بررسی است. افترا، صرف‌نظر از جنبه جزایی، از لحاظ مسئولیت مدنی نیز می‌تواند مسئولیت به بار آورد. با توجه به شیوع پدیده اینترنت و سهولت دستیابی به اطلاعات از طریق آن، افترا به این شیوه حتی می‌تواند خطرناک‌تر از شیوه‌های معمول باشد. نامه‌های الکترونیکی ناخواسته یا تبلیغاتی نیز از لحاظ مسئولیت مدنی، آثار حقوقی عدیده‌ای را به بار می‌آورند (زورن، ۱۳۸۲: ۷۴) مطالعه قواعد مسئولیت مدنی در رابطه با اینترنت گسترده‌تر و با اهمیت‌تر از قواعد دیگر زمینه‌های حقوقی است.

۲.۶. پست الکترونیکی

در نگاه نخست، نامه‌های الکترونیکی پدیده‌ای گذرا به نظر می‌آیند. اما باید دانست که این نامه‌ها حتی تا مدت‌ها پس از پاک شدن در رایانه شخصی و شرکت‌های خدمت‌رسان اینترنتی

باقی می‌مانند و می‌توانند خسارات درازمدت به بار آورند {۶}. ممکن است نامه‌ای الکترونیکی‌ای که مدت‌ها قبل ارسال شده است از روی میز دادگاه سر در آورد. شاید نتوان باور کرد ولی حتی اظهار نظر در تالارهای گپ نیز تا سال‌ها ذخیره می‌شوند.

قانون حریم خصوصی ارتباطات الکترونیکی، مصوب ۱۹۸۶ از قوانین فدرال، راجع به نامه‌های الکترونیکی در ایالات متحده آمریکا است (هوسمن، ۱۳۸۵: ۴۳). مطابق این قانون، دولت، شرکت‌های خدمت‌رسانی اینترنتی و کارفرمایان و... از افشا و باز کردن غیرمجاز مراسلات و مخابرات الکترونیکی افراد منع شده‌اند. مخابرات الکترونیکی شامل نامه‌های الکترونیکی، ارتباطات از طریق پی‌جو و تلفن همراه می‌شود. نقض مقررات مربوطه دارای ضمانت اجرای حقوقی و کیفری است. به موجب قانون فوق:

- دریافت‌کنندگان نامه‌های الکترونیکی حق باز کردن آن را دارند.
- شرکت‌های خدمت‌رسانی اینترنتی حق افشای پیام‌های الکترونیکی را جز برای مخاطب آن ندارند.
- کارفرمایان هنگامی حق کنترل نامه‌های الکترونیکی کارمندان را دارند که کارمندان راضی بوده، این کنترل نیز در جریان معمول کار صورت گرفته و سامانه پست الکترونیکی متعلق به کارفرما باشد.
- دولت تنها در صورتی حق دست‌اندازی به نامه‌های الکترونیکی افراد را خواهد داشت که قبلاً مجوز این کار را از دادگاه دریافت کرده باشد.

پاره‌ای از محاکم برای محکوم‌کردن کارفرمایانی که نامه‌های الکترونیکی کارمندان خود را کنترل کرده‌اند، به قواعد حقوق عرفی در خصوص حمایت از حریم خصوصی افراد استناد کرده‌اند. فن‌آوری جدید، اگرچه گاهی حریم خصوصی زندگی افراد را تهدید می‌کند، در برابر، وسایلی را نیز برای مقابله با این تهدید در اختیار انسان گذاشته است. نرم افزارهای رمزگذاری از جمله این وسایل است (انصاری و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۲).

۳.۶. ردیابی اینترنتی

فرض کنیم که برای خرید کتاب مورد علاقه خود از وبگاه معروف آمازون دیدار کرده اید. روز بعد که رایانه خود را روشن می‌نمایید، با تعجب پیامی را بر صفحه آن مشاهده می‌کنید که

همراه نام شما به تبلیغ کتاب و موسیقی می‌پردازد و اعلام می‌کند که چون پیشتر فلان کتاب را خریده‌اید لذا خرید کتب مشابه توصیه می‌شود {۷}. پایگاه اینترنتی آمازون این اطلاعات را چگونه به دست آورده است؟

باید بدانید که بسیاری از پایگاه‌های اینترنتی، به طور خودکار اقدام به نصب ردنما بر روی رایانه شما می‌کنند. ردنما عبارتست از یک فایل کوچک، حاوی شماره شناسنامه، اطلاعات شخصی (همچون نشانی پست الکترونیکی و منزل، شماره تلفن، شماره کارت اعتباری و البته پایگاه‌های اینترنتی که بیشتر از آن دیدار کرده‌اید). (Koenig, 2003: 6)

پاره‌ای از ردنماها صرفاً جهت ردیابی کاربران در یک پایگاه معین طراحی شده‌اند ولی بعضی دیگر تمام فعالیت‌ها را در کل شبکه جهانی اینترنت و تمام پایگاه‌های اینترنتی ردیابی می‌کنند. حتی شرکت‌هایی را می‌توان یافت که اطلاعات کسب‌شده را از این طریق به فروش می‌رسانند. کافی است فهرست افرادی که دارای نام خانوادگی شرقی‌اند یا فهرست طرفداران حزب خاصی را درخواست کنید {۸}.

صرف‌نظر از ردنماها و مزایا و معایب آن، رایانه شخصی به طریق دیگری نیز پرونده‌سازی می‌کند. هنگامی که از صفحات مختلف یک پایگاه اینترنتی دیدار می‌کنید، رایانه نسخه‌ای از آن صفحات را ذخیره می‌کند. به این ترتیب، بازرسی رایانه شخصی افراد به روشنی پایگاه‌های مورد علاقه آنان را مشخص خواهد کرد. فرض کنیم کارفرمای شما از این طریق متوجه شود که در اینترنت به دنبال شغل جدید می‌گردید یا اینکه حکومت به تمایلات راست‌گرایانه یا چپ‌گرایانه شما پی ببرد. آنگاه چه اتفاقی می‌افتد؟

۴.۶. نامه‌های الکترونیکی ناخواسته

نامه‌های الکترونیکی ناخواسته مشکلات عدیده‌ای به دنبال می‌آورند. این نامه‌ها، از یک سو، برای شرکت‌های خدمت‌رسان اینترنتی مشکل ایجاد می‌کنند و از سوی دیگر، با حجم خود باعث کاهش ظرفیت پذیرش پیام‌های الکترونیکی مشتریان می‌شوند. طبق آمارهای موجود، حدود ۳۰ درصد کل نامه‌های الکترونیکی چنین حالتی دارند که از این میزان حدود نیمی متقلبانده‌اند {۹}. بیشتر این نامه‌های الکترونیکی یا راجع به ثروتمند شدن سریع هستند یا درمان‌های معجزه آسا و یا محصولات صنعت هرزه‌نگاری را تبلیغ می‌کنند. افزایش اینگونه

نامه‌های الکترونیکی رشد اینترنت را تهدید می‌کند.

نامه‌های الکترونیکی ناخواسته، از یک سو، هزینه اتصال به شبکه اینترنت را افزایش داده و وقت زیادی صرف خواندن آنها می‌شود و از سوی دیگر، باعث شلوغی شبکه نیز می‌گردند. خدمت‌رسانان اینترنتی بویژه از این پدیده زیان می‌بینند زیرا ممکن است کاربران اینترنت آنها را مقصر قلمداد کنند. فرستندگان این نامه‌ها برای اجتناب از پاسخ‌های خشمگینانه کاربران، نشانی خود را اشتباه درج می‌کنند. کارشناسان معتقدند این نامه‌ها، به طور متوسط، ۲ دلار به هر کاربر اینترنتی خسارت وارد می‌کند. {۱۰}

۷. نتیجه و پیشنهادها

مطالعه در نظام حقوق مسئولیت مدنی دولت در جمهوری اسلامی ایران مبین آنست که دولت در قوانین و مقررات پراکنده‌ای، مسئولیت برخی از کارکنان و افراد نظیر قضات، کارکنان نیروهای مسلح، اعضای هیئت واگذاری سهام شرکت‌ها و افراد فراری را بر عهده گرفته است. همچنین، دولت در خصوص سایر کارمندان صرفاً طبق شرایط ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی (یعنی در صورت ورود خسارت توسط کارمندان ناشی از نقص وسایل اداره) اقدام به پذیرش مسئولیت نموده است.

از این حیث در نظام حقوقی ما خلأ قانونی وجود دارد. به عنوان مثال، سال‌هاست که بر اثر فعالیت‌های دولت و کارکنان آن خسارت زیادی به اشخاص وارد می‌آید و یا افراد بی‌گناهی به زندان و بازداشت محکوم می‌شوند و... و هیچ مرجعی مسئولیت اینگونه خسارات را بر عهده نمی‌گیرد. بنابراین، لازم است در یک قانون عام و کلی، موضوع مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آن به صورت مشخص و معین پیش‌بینی گردد (حسینی‌نژاد، ۱۳۷۰: ۴۷).

در قانون جرایم رایانه‌ای هم این خلأ به خوبی مشاهده می‌شود که بعضاً با اشتباه دولت و یا کارمندان او خسارتی وارد می‌شود. به عنوان نمونه، بستن سایت‌های خاصی از جمله فیس بوک، که هیچ مبنای قانونی و شرعی ندارد و لذا اگر در راستای اعمال حاکمیتی نباشد که در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ است، دولت و کارمندان آن مسئولیت ندارند. در غیر این موارد، علاوه بر مسئولیت کیفری که شخصی است، خسارت وارده هم باید جبران گردد و دولت یا مسئولیت مستقیم دارد یا غیرمستقیم مسئول پرداخت خسارات است.

با توجه به اینکه سرویس ایمیل اساساً این روزها به ابزار ضروری و کاربردی افراد در بخش‌های مختلف فردی، اقتصادی، اجتماعی تبدیل شده است و بخش اعظمی از اطلاعات افراد در این ایمیل‌ها ذخیره می‌شود، جلوگیری از دسترسی به آن قطعاً می‌تواند خسارات مادی و معنوی فراوانی به بار آورد. لذا در این خصوص هم اگر خسارت مادی یا معنوی وارد گردد، اگر طرف دولت باشد، مسئول پرداخت خسارت است و باید از افراد در برابر خسارت حمایت کند.

پیشنهادهای

- تبیین ماده قانونی و نص صریح قانون مبنی بر مسئولیت مدنی دولت در جرایم رایانه‌ای
- نظارت بیشتر دولت بر کارمندان تحت امر برای جلوگیری از خسارت
- پذیرش نظریه مختلط در مبانی مسئولیت مدنی دولت
- جایگاه مسئولیت مدنی در ممانعت از دسترسی به داده و سامانه به طور خاص
- نقش مجلس و نهادهای نظارتی بر کارکرد دولت و کارمندان تحت نظر او

یادداشت‌ها

[1]- liable or responsible

[۲]- لفظ مسئول چهار بار به صورت مفرد و یک بار به صورت جمع در قرآن کریم به کار رفته است. آیه ۳۶ سوره بنی اسرائیل که بیان می‌دارد: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» و آیه ۳۸ همین سوره: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا». در آیه ۱۷ سوره فرقان نیز آمده است: «لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا». در آیه ۲۳ سوره انبیاء نیز آمده است: «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ»

[۳]- برای مطالعه علت این تفاوت تعبیر رجوع کنید به: خزائلی، محمد (۱۳۳۹)، مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از عمل کارگر، تهران: موسوی، ص ۳.

[4]- Prosser; William, Law of Torts P 15

[5]- Daniel A. Tysver; American Civil Liberties Union, et al. V Janet. Reno) Attorney General of the United States-American Liberty Association, Inc., et V United States Dep't of Justice, et al., p.5 of 67, at: www.bit Law.Aclu v.Ren.Decision.htm

[6]- Durga Das Basu;Law of the press,p.415,New Delhi,Prentice Hall of India,1986

[7]- ISP Liability;Copyright liability concerns for internet service providers,at: www.Bitlaw.com.

[8]- Religious Technology Center V.Netcom Inc.Klemesrud)21 Novembre 1995,United State

[9]- Peter Carey;Media Law,p.123,Sweet and Maxwell,London,1996.

[10]- Privacy and Human Rights 2002;an International Survey of Privacy Laws and Developments)London,Privacy International,2002(.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، شیخ صدوق (۱۳۹ق)، من لایحضره الفقیه، تهران: انتشارات اسلامیہ.
۳. الحسینی المراغی، السید میرعبدالفتاح (۱۴۱۸ق)، العناوین الفقہیہ، قم: مؤسسہ النشر الاسلامی.
۴. السنهوری، عبدالرزاق احمد الوسیط (۱۳۷۷)، فی شرح القانون المدنی، جلد اول.
۵. اصلانی، حمید رضا، (۱۳۸۴)، حقوق فناوری اطلاعات، تهران: میزان، چاپ اول.
۶. امامی، سیدحسن، (۱۳۷۸)، حقوق مدنی، جلد اول، تهران: اسلامی، چاپ ششم.
۷. انصاری، باقر و دیگران (۱۳۸۱)، مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات،
۸. آقایی‌نیا، حسین، (۱۳۸۷)، جرایم علیه اشخاص، تهران: میزان، چاپ چهارم.
۹. آندرواس، تانن بام (۱۳۷۶)، شبکه‌های کامپیوتری، ترجمه محمد قدسی، تهران: شورای عالی انفورماتیک.
۱۰. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی، تهران: میزان، چاپ سوم.
۱۱. باهری، محمد (۱۳۸۴)، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: چاپ دوم.
۱۲. بای، حسینعلی و بابک پورقهرمانی (۱۳۸۸)، بررسی فقهی حقوقی جرایم رایانه‌ای، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۱۳. بهرامی‌احمدی، حمید (۱۳۸۵)، جزوه درسی مسئولیت مدنی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع).
۱۴. بهرامی‌احمدی، حمید (۱۳۸۲)، جزوه درسی سوء استفاده از حق مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق.
۱۵. حسینی‌نژاد، حسینعلی (۱۳۷۰)، مسئولیت مدنی، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.

۱۶. جاویدنیا، جواد (۱۳۸۸)، *جرایم تجارت الکترونیکی*، تهران: خرسندی، چاپ دوم.
۱۷. جبلی‌العاملی، علی بن احمد (شهیدثانی) (۱۴۱۳ق)، *مسالك الافهام*، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۱۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، *مبسوط*، تهران: گنج دانش.
۱۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
۲۰. خرم‌آبادی، احمد (۱۳۹۱)، *مسئولیت کیفری ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی*، اصفهان: دادیار، چاپ اول.
۲۱. خرم‌آبادی، عبدالصمد (۱۳۸۳)، «تاریخچه، تعریف و طبقه‌بندی جرمهای رایانه‌ای»، چاپ‌شده در: مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی فناوری اطلاعات، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه.
۲۲. خزائلی، محمد (۱۳۳۹)، *مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از عمل کارگر*، تهران: موسوی.
۲۳. درودیان، حسنعلی (۱۳۷۰)، *جزوه مسئولیت مدنی*، دانشگاه تهران.
۲۴. زراعت، عباس (۱۳۹۲)، *شرح مختصر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*، تهران: ققنوس، چاپ اول.
۲۵. زرگوش، مشتاق (۱۳۹۰)، *مطالعه تحلیلی- تطبیقی مسئولیت مدنی دولت*، تهران: میزان، چاپ اول.
۲۶. زورتن، پاتریس (۱۳۸۲)، *اصول مسئولیت مدنی*، ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان، چاپ دوم.
۲۷. صفار، محمدجواد (۱۳۷۳)، *شخصیت حقوقی*، تهران: دانا.
۲۸. صفایی، حسین (۱۳)، «مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان»، *نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره‌های ۶ و ۷، ۱۳۵۱؛ مجموعه مقالات حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، نشر میزان، ۱۳۷۵.
۲۹. عالی‌پور، حسن (۱۳۹۰)، *حقوق کیفری فناوری اطلاعات*، تهران: خرسندی، چاپ اول.

۳۰. عالی‌پور، حسن (۱۳۹۲)، *جزوه درسی جزای عمومی*، دانشگاه شهرکرد.
۳۱. فضلی، مهدی (۱۳۹۱)، *مسئولیت کیفری در فضای سایبر*، تهران: خرسندی، چاپ اول.
۳۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، *قواعد عمومی قراردادها*، جلد چهارم، تهران: برنا.
۳۳. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۰)، *مفاهیم بنیادین حقوق مدنی و جزایی*، ابوالفضل احمدزاده (مصحح)، تهران: مجد.
۳۴. مومنی طباطبایی، منوچهر (۱۳۷۹)، *حقوق اداری*، تهران: سمت،
۳۵. محمدی، محمدرضا، «مسئولیت مدنی در فضای سایبر حقوق فناوری اطلاعات و ارتباطات» (مجموعه مقالات) به کوشش امیر حسین جلالی فراهانی، تهران: روزنامه رسمی کشور، چاپ اول.
۳۶. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۸)، *جرایم علیه اشخاص و تمامیت جسمانی*، جلد اول، تهران: میزان، چاپ دوم.
۳۷. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۹۱)، *تقریرات جامه شناسی جنایی*، تنظیم مهدی صبوری‌پور در سال ۱۳۹۱، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۳.
۳۸. هاشمی، محمد (۱۳۸۶)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*: جلد دوم، تهران: میزان، چاپ هجدهم.
۳۹. هل‌فروش، فاطمه (۱۳۸۲)، *جرایم کامپیوتری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۴۰. هوسمن، کارل (۱۳۸۵)، «حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از رویدادها»، ترجمه داود حیدری، رسانه، سال ۷، شماره ۳.
۴۱. یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۴۱۷ق)، *عروه الوثقی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۴۲. Banisar, David (2000), *privacy and Human rights*, Washington D.C: Electronic Information center.

۴۳. Brain Bridge, David (2007), *Introduction to Computer Law*, England: Longman-4th edition.

۴۴. Daniel A. Tysver (....), American Civil Liberties Union, et al. V Janet. Reno) Attorney General of the United States-American Liberty Association, Inc., et V United States Dep't of Justice, et al., p.5 of 67, at: [www.bit Law.Aclu v.Ren. Decision.htm](http://www.bitlaw.com/aclu_v_reno_decision.htm)
۴۵. Desbois, Henry (1966), *Le Droit dauteur en France*, Paris, Dalloz, 2nd edition.
۴۶. Koenig,
۴۷. Chirtian, Ernst Roder and Sascha Loetz (2003), »The Liability of Access Providers a proposal for regulation based on the rules concerning access providers in Germany, *International Journal of Communications Law and Policy*, Issue 3, pp
۴۸. Mantin, Wasik (1991), *crime and computer*, Oxford Publications.
۴۹. Samuelson, Pamela (1989), »Can hackers be sued for damage caused by computer viruses?«, *Journal of Communication of the AC*, V.32, pp.666-700.

تحلیل فقهی جنایت نظامی و پزشکی بر علیه بشریت

سیمین آزادیان* زینب پورخاقان شهرضایی**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰	شماره صفحه: ۶۱-۳۲
-------------------	--------------------------	-------------------------	-------------------

جنایت، هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعل است که بر آن عقوبت و یا قصاص مترتب می‌گردد. جنایت از دیدگاه شریعت بر دو قسم است: عام و خاص. جنایت عام یعنی فعل حرام چه بر نفس یا اعضای آدمی واقع شود و چه بر اموال و غیر اینها و هر چیزی که در شرع، گناه شمرده می‌شود. جنایت خاص، قتل، ضرب، جرح و قطع عضو را گویند. تقسیم‌بندی جنایات در اسلام به نام «جرایم علیه اشخاص» به دو قسم جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد و جرایم علیه شخصیت معنوی افراد می‌باشد. یکی از جنایات در حقوق بین الملل کیفری، «جنایات علیه بشریت» است که جنایات نظامی و پزشکی شاخه‌ای از آن جنایات است. در مورد جنایت نظامی و پزشکی بر ضد مردم، حکم عدم جواز و حرمت را با ادله شرعی مانند آیات «من قتل نفسا بغير نفس أو فساد فی الأرض فکانما قتل الناس جميعا ومن أحيایها فکانما أحيای الناس جميعا» و «ولا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق و قواعد فقهی مشهور مانند قاعده إفساد فی الأرض و «لا ضرر ولا ضرار» و «تلاف» و «نفي سیل»، و ادله عقلی مانند قبح ظلم و ستم، بیان نموده‌اند و قصاص، ضمان و جبران خسارات جانی و مالی را هم اثبات می‌شود. در تصمیمات سازمان ملل متحد تعهدات عام جامعه بین المللی در قبال نقض قواعد آمره مانند جنایات نظامی و پزشکی و لشکرکشی، تصریح

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

رایانامه: dad2026@yahoo.com

** استادیار گروه حقوق بین الملل عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

رایانامه: poorkhaghan@gmail.com

شده است و دولت مرتکب جنایت در قبال کل جامعه بین المللی مسئولیت بین المللی دارد و شورای امنیت می تواند رسیدگی به موضوعی را از دادگاه کیفری بین المللی تقاضا نماید. این مقاله به روش توصیفی- تحلیلی در مقام بیان تفصیلی مطالب است.

واژگان کلیدی: جنایت، بشریت، حقوق بین الملل، حقوق اسلامی، نظامی، پزشکی.

مقدمه

حقوق انسان از بدو تولد تا مرگ مورد توجه ادیان گذشته و دین مبین اسلام است. خلقت آدمی در آیات کریمه قرآن از کلید واژگانی است که در اهمیت آن نظیر کمتری دیده می شود. مکاتب و نظام های مختلف هریک سعی کرده اند از حقوق انسان ها دفاع کنند. زندگی بشر در طول تاریخ توأم با خشونت ها و تضییع حق ها بوده است پیامبران الهی آمده اند تا اخلاق و معنویت را ترویج کنند و جلو تمامیت خواهی کفار و ظلم آنان را بگیرند. و پیشرفت ها و تحولات چشم گیر علمی و فنی در این روزگار، زندگی بشر را دل پذیر و آسان تر کرده و توانمندی های شگرفی را به آن بخشیده اما لطمه هایی را نیز به ساحت های گوناگون آن، جامعه و محیط زیست وارد آورده است و در کنار خود با پیدایش باورها و اندیشه های مختلف، چالش های جدیدی را فرا روی اندیشمندان گشوده و حتی نگاه های تازه ای به دین و معارف دینی به وجود آورده است. و مهمترین دغدغه انسان امروز و نسل آینده جنایت های نظامی و پزشکی مثل تولید داروهای مضر و کشنده و عقیم سازی اجباری برای تصفیه نژادی یا آزمایشات پزشکی غیرقانونی و غیر انسانی، است که توسط کمپانی های قدرتمند زورگو و استکبار جهانی بر ضد بشریت صورت می گیرد مانند جنایاتی که توسط آنها علیه ملت فلسطین، بحرین، عراق، سوریه، افغانستان و لبنان و... صورت می گیرد. پس بررسی احکام فقهی و مسایل حقوقی آن دارای اهمیت خاصی است. (بسامی، ۱۳۹۸: ۱۵) امروزه جنایات بر ضد بشریت در ساحت های مختلف پزشکی و نظامی نیز وجود دارد که نیازمند تحلیل فقهی و حقوقی است به عنوان مثال در جوامع بشری امروز دیده می شود که جنایت های علیه بشریت در عرصه پزشکی مانند تحریم دارو و یا توزیع داروهای سمی و یا تولید داروهای زیان بخش و استفاده داروهای علیه کشورهای مخالف توسط استکبار جهانی صورت می گیرد. و الان مشاهده می شود که برخی از کشورهای قدرتمند جهان سعی دارند با طرح جهان شمولی حقوق بشر نسبت به قوانین بنیادین کشورها بی مهری کنند. انسانهای دارای التقاط فکری و خود فروخته برای خوش آمدی غرب گاهی به اصول قوانین اساسی و عادی بی توجهی

می‌کنند. متأسفانه جدیداً در ادبیات حقوقی، حقوق بشر اسلامی را در مقابل حقوق بشر بین المللی وارد کرده اند که یک مفهوم دارد و آن اینکه حقوق بشر اسلامی دیگر بین‌المللی نیست.

این یکی از روشهای استعماری در عرصه‌های فرهنگی در دنیای امروز است. مخالفین اسلام می‌خواهند بگویند حقوق بشر اسلامی نیاز جامعه و اجتماع بشری امروز را بر آورده نمی‌کند. برخی از رؤسای کشورهای زورگو با بهانه استقرار صلح و دموکراسی و حقوق بشر و مبارزه با تروریسم خود از بزرگترین ناقضان صلح و امنیت جهانی و حقوق بشر بوده و جز اسمی از صلح و امنیت را باور ندارند. نمونه بارز آن حمایت‌های آمریکا و انگلیس با پول‌های عربستان و قطر از رژیم اشغالگر قدس و اقدامات مستمر این رژیم که بیش از نیم قرن در فلسطین و خاورمیانه هیچ حد و مرز حقوقی را به رسمیت نشناخته است، می‌باشد. و برای دفاع از این غده سرطانی از هر جنایت نظامی و پزشکی علیه مردم مظلوم فلسطین و عراق و سوریه و لبنان و.... دریغ نمی‌کنند گروه‌های خونخوار و بی‌بند و بار مانند القاعده و داعش را برای حفظ منافع اسرائیل و بدنامی اسلام و مسلمین مجهز و آموزش می‌دهند تا مردم بیگناه را بصورت‌های مختلف نظامی و پزشکی مثل استفاده از داروهای زیانبخش و میکروبی قتل و عام کنند. و از جمله جنایات پزشکی جراحی‌های بدون بیهوشی، آزمایش‌های نخاعی روی کودکان بدون اطلاع والدین آنها، قرار دادن زندانی‌ها در معرض پشه ناقل مالاریا و سل تنها بخشی از انسان‌ها به عنوان «مواد آزمایش» در تاریخ علمی آمریکا است. لذا تبیین احکام فقهی و مبانی حقوقی مسایل جدید جنایات بر ضد بشریت در زمینه پزشکی و نظامی ضرورتی است که همه جوامع بشری و اقشار مختلف جامعه و دولت به آن نیاز مبرم دارند.

۱- جنایت نظامی و پزشکی در قرآن کریم

جنایت، اسم است برای شری که انسان مرتکب می‌شود و وارد کردن صدمه بدنی به انسان یا حیوان را می‌گویند. در لغت و متون دینی معادل واژه «ذنب» و «معصیت» یعنی ارتکاب گناه آمده است (۱). در اسلام، جنایت هر عمل (فعل و ترک) علیه جسم و جان آدمی است که بر آن عقوبت و یا قصاص مترتب گردد. برخی از واژه‌شناسان معنای حقیقی واژه عربی جنایت را، در لغت، چیدن میوه از درخت می‌دانند (۲). چنانچه، گناه و جرم که ارتکاب آن موجب کیفر در دنیا و آخرت می‌شود (۳)، معنای مجازی دانسته‌اند. بطوری که از چیدن میوه از درخت، به ایجاد و احداث شرّ و سپس به خود شرّ و از آن به عمل (فعل و ترک) حرام، نقل شده است.

در قرآن کریم لفظ جنایت نیامده ولی آیاتی درباره معنای آن که بیان شد یعنی «گناه و معصیت» آمده است؛ الفاضلی مانند «إِثْمٌ، فَحْشَاءٌ، ذَنْبٌ، جَرَمٌ»:

الف- «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ - حجرات ۱۱۲».

ب- «يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ - نحل ۹۱».

ج- «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ - آل عمران ۱۳۵».

د- جرم به معنای جنایت و گناه در آیات وارد، نمی‌باشد.

«لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا - مائده ۲؛ خصوصت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجدالحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، به تعدی و تجاوز و ادارتان نکند». در کتاب‌های تفسیر «و لَا يَجْرِمَنَّكُمْ» به معنای «و لا یحملنکم» تفسیر شده است (۴). و همچنین در قرآن کریم بیش از ۳۱ مورد لفظ «مجرم» ذکر شده که هیچ کدام به معنی بزهکار نیست بلکه مراد از آن «کافر» است (طه ۷۴، یونس ۱۷، انفال ۸، کهف ۵۳، روم ۱۲، سجده ۱۲ و... (۵).

برخی معتقدند (۶) در قرآن کریم آیه‌ای با عنوان جرم و مجرم نیامده است؛ بلکه آیاتی در خصوص مرتکبین إثم و ذنب) معنای لغوی جنایت (نازل شده که همان مجرم به معنی و مفهوم حقوقی (بزهکار) است، می‌باشد. ولی عده‌ای (۷) می‌گویند واژه‌ی جرم و مشتقات آن) مجرمین، أجرموا، یجرمنکم، تجرمون، اجرمننا و... (بیش از ۶۱ بار در قرآن کریم آمده، و اصولاً بر همان مفهوم لغوی جاری است که) کسب و کار زشت (باشد؛ با این حال، قرآن کریم آن را در مصادیق گسترده‌ای به کار برده است که شامل مستکبران، ستمگران و منکران معاد هم می‌شود.

نتیجه اینکه، لفظ جرم و جنایت در قرآن عام است و رفتار مجرمانه و عقائد و اخلاق انحرافی را نیز شامل می‌گردد و خداوند از این اعمال و رفتار منع و بر حذر می‌دارد و کسانی را که مرتکب این جنایات) به معنای اعم (می‌شوند، محکوم کرده است. چنانچه می‌فرماید: «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ - بقره ۲۸۳» و «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا - انسان ۲۴».

با توجه به مطالب فوق در قرآن کریم هر جنایتی را اعم از جنایت به معنای عام) عمل

حرام (و جنایت به معنای خاص) قتل و ضرب و جرح و قطع عضو انسان (با تمام مصادیق و انواع جنایات مانند جنایات جنگی و نظامی و نسل کشی و پزشکی و... ممنوع و محکوم کرده است و کسانی را که مرتکب این جنایات می‌شوند، مجازات و مسئولیت جنایی مقرر فرموده است و فرمان مقابله و دشمنی و دفاع و جنگ با آنها را داده است ولی با رعایت آداب انسانی و حقوق بشر دوستانه و توجه به غیر نظامیان و زنان و کودکان، از حد مجاز تعدی نکرده و راه اسراف را نپیمایند. چنانچه در آیات الهی، این اوامر به صراحت دیده می‌شود؛ از آنجمله:

«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ۖ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا-اسراء۳۳»؛ آیه شریفه از کشتن نفس محترمه در هر قالبی از انواع جنایات، نهی می‌نماید، مگر اینکه استحقاق کشته شدن را داشته باشد مثل اینکه قاتل و جنایتکار باشد و یا زنا کننده محسن یا محصنه و یا مرتد) کافر شدن پس از ایمان (شده باشد. و ولی دم) حقیقی یا حقوقی (نیز در خونریزی، اسراف و زیاده روی نکند و مانند زمان جاهلیت پس از وقوع قتل، نباید اولیای دم مقتول به اهل و قبیله‌ی قاتل هجوم برده و آنان را بکشند (۸).

«الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ ۚ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ- بقره ۱۹۴» (۹)؛ آیه مبارکه تصریح می‌کند که ستم کردن، اگر ابتدایی باشد و در جهت مقابله با دشمنان ستمکار نباشد، امری نکوهیده و مذموم است؛ اما زمانی که برای مقابله با جنایتکاران و ستمگران باشد، نه تنها مذموم نیست بلکه برای تعالی از ذلت و پستی بوده و باعث ارتقاء از حضيض بندگی و ظلم و ستم است مانند آنکه با شخص متکبر، باید تکبر نمود و شخصی که به او ظلم شده باید صدایش را بلند و دادخواهی کند. لفظ «اعتدی» در مورد مقابله با ظلم و تعدی، به مفهوم تجاوز و ستم نیست زیرا خداوند هیچ گاه امر به ستم و تجاوز نمی‌کند، بلکه به معنای «مقابله به مثل» است که امری، عقلایی است و مطابق با مقتضای عقل می‌باشد. اعتدا، عام است که تجاوز به نفس و عضو و جرح را هم شامل می‌شود و در نتیجه قصاص هم استفاده می‌شود. چنانچه قصاص در برابر تعدی به جسم و جان انسان است. و عبدالقادر عوده با این آیه به مشروعیت دفاع استناد کرده است ۲.

وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ -انفال ۶۰» (۱۰)؛ این آیه به خوبی بیان می‌کند که بهترین راه و روش حفظ کشور و مردم آن، تجهیز کردن و قدرت گرفتن با ابزارهای مدافعانه بر علیه ظالمان و ابر قدرت‌های زورگویی

زمانه خود، می‌باشد. چنانچه برای نمونه اگر امروزه بعضی از کشورها مانند یمن و فلسطین و افغانستان، قدرت نظامی و ابزارهای نظامی بهتری داشتند می‌توانستند در برابر تجاوزات نظامی ستمکار و جنایتکار خودشان مقابله و دفاع کنند و این اندازه تلفات و کشته نمی‌دادند در حالی که کشورهای زورگو و جانی بر این اصل عقلایی (آماده بودن و مجهز کردن) عمل کرده و از این اصل، کمال سوء استفاده را بر ضدّ مردم غیر نظامی و مظلوم جهان مخصوصاً علیه مسلمانان، می‌کنند.

خداوند می‌فرماید، نهایت سعی خود را در راه جمع قوای جنگی برای مقابله با دشمنان بکار ببرید. از آنجا که افراد جامعه از نظر افکار و طبایع با هم متفاوت هستند و هیچ مجمعی بر اساس سنتی که حافظ منافعشان باشد، اجتماع نمی‌کنند مگر اینکه اجتماع دیگری علیه منافعشو مخالف با سنتش تشکیل خواهد یافت و دیری نمی‌گذرد که این دو اجتماع کارشان به نزاع و مبارزه می‌کشد. پس در اجتماعات بشری گریزی از وقوع جنگ نیست؛ لذا برای یک جامعه صالح، آمادگی و تجهیز در برابر دشمنان، از واجبات فطری می‌باشد (۱۱).

تجهیز این قوا و امکانات، به جهت آنست که به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خود را بترساند و آنان را بر جای خود نشاند که هوس منازعه با شما را از سر بیرون کنند و همچنین دشمنانی را که شما نمی‌شناسید، ولی خدا آنان (منافقین و کفار دیگر) را می‌شناسد، بترسانید (۱۲).

و غرض اصلی از این عمل آنست که مسلمانان به قدر توانائیشان بتوانند دشمن را دفع کرده و جامعه خود را از دشمنانی که جان و مال و ناموسشان را تهدید می‌کنند، حفظ نمایند و لذا باعث تحقق کلمه حقّ و اثبات دین و بطلان و نابودی کافران گردند.

«مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسرِفُونَ - مائده ۳۲» (۱۳)؛ از این آیه به وضوح در می‌یابیم که منطق قرآن کریم مبارزه با هر جنایت و کشتار غیر انسانی و غیر عقلایی می‌باشد و فساد و نا امنی را مذموم و محکوم می‌نماید و هر کس و دولتی که بدون دلیل الهی و انسانی در زمین، خون مردم بیگناه و غیر نظامی را با فساد و لشکرکشی و آزمایشات پزشکی ضدّ بشری و غیر اینها، بریزد، از اسراف کاران شمرده است که برادران شیطان می‌باشند و باید در برابرشان ایستاد و مبارزه کرد تا از بین بروند. و به موجب این آیه، کشتار، گناهی اجتماعی است؛ لذا هر چند اولیای

دم از حق خود گذشت کنند، باز جنایتکاران را نباید رها کرد.

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ - حجرات ۹ (۱۴)؛ و اگر دو گروه از مؤمنان با هم جنگیدند بین آنها صلح برقرار کنید. اگر یکی از دو گروه بر دیگری ظلم کرد، با گروه ظالم جنگ کنید تا به فرمان خداوند بازگردند. اگر (اگر) گروه ستمگر (بازگشت با عدل و داد بین آنان صلح بیفکنید، همانا خداوند دادگران را دوست می‌دارد»۴. ظاهراً شأن نزول آیه چنانکه در مجمع البیان و غیره آمده، در مورد اختلافات بین دو طائفه اوس و خزرج است.

محلّ شاهد و استدلال، آنجایی است گروه ستمگر و ظالم دست از جنایت و زورگویی بردارد و به فرمان خداوند بی اعتنا باشد؛ مانند جنایات نظامی و غیر انسانی عربستان سعودی برضد مردم غیرنظامی و محروم کشور یمن که با تمام تلاش‌های برخی از کشورهای دلسوز منطقه، مثل جمهوری اسلامی ایران و عمان، برای صلح و توقف جنایات نظامی اعم از حملات هوایی و دریایی و زمینی سعودی‌ها ولی متأسفانه اعتنایی به حقوق بشر ندارد و نقض قوانین و قواعد بین‌المللی را ادامه می‌دهد و این جنایات وحشیانه سعودی‌ها با حمایت آمریکای زورگو و برخی از کشورهای غربی‌های وحشی صورت می‌گیرد.

پس در قرآن کریم، خداوند متعال دستور جنگ با چنین گروه‌ها و کشورهای ظالمی را داده است^۱ و سکوت و تماشاگری را محکوم و غیر انسانی می‌داند و باید با آن ستمگران جهانی با هر وسیله‌ای و توانی که داریم مبارزه کنیم تا از گزند و مضرّات آنان دور باشیم و یا لأقل کم کنیم. و از حمایت مظلومین و محرومین جهان مخصوصاً برادران مسلمان خود دریغ نداریم و در مقابل صف جانیمان و متجاوزان خونخوار جهانی، صف آرایی کرده و نیروهای نظامی خود را آماده نبرد با تجاوزات احتمالی داشته باشیم.

«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا - نساء ۹۳»؛ در آیه شریفه، خداوند، شأن قتل مؤمن را بزرگ شمرده و وعده عذاب را بر او به نهایت رسانده است تا آنجا که در اینجا پنج وعده عذاب داده که هر یک از آنها در بزرگ بودن جرم کفایت می‌کند^۲. چنانچه روشن است کشتار و جنایات بر ضدّ انسان‌های مؤمن، وعده عذاب الهی داده شده است و مرتکبین آنها لعن و نفرین را برای خودشان بدست می‌آورند.

پس نباید در قبال جنایات نظامی و پزشکی و هر نوع جنایتی، سکوت کرده و زشت‌تر از آن حمایت کرد بلکه باید و واجب است از خطرات حتمی و غیر انسانی آن چه در دنیا و چه در آخرت بر حذر شد و با زبان و جوارح خود با آنها مبارزه و مقابله نمود.

« إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ - ممتحنه ۹ »؛ این آیه نهی از دوستی با ظالمین از کفار و مشرکین را بیان می‌کند.^۳ کسانی که در دین با مسلمانان جنگ کردند و از خانه‌هایشان بیرونشان کردند. منطق اسلام و هر عاقلی این است که با چنین افرادی ستمگر و خونریز دوستی نکنیم. قرآن و اسلام در کنار این برخورد با جنایات نظامی و علیه بشریت، صلح و مسالمت را با غیر اینها واجب کرده چنانکه در آیه قبلی به صراحت فرموده است که با عدالت و احسان برخورد شود چون خداوند عدالت پیشه‌ها را دوست دارد. از طرفی هم باید خیلی مجهز بود به اندازه‌ای که دشمن متخاصم و جنایتکار جرأت حمله و ضربه زدن نداشته باشد.^۱ چنانچه آمریکا و هم پیمانان زورگو و بی منطقش، به راحتی بر علیه کشورهای افغانستان و عراق حمله کرد و مردم آنها را به خاک و خون کشید ولی به جمهوری ایران نمی‌تواند حمله نظامی و در پایان جنایات گوناگون انجام دهد چون ایران به آیات شریفه الهی در مورد دشمنان انسانیت عمل نموده و با آن دشمنان راه دوستی را در پیش نگرفته در عین حال با مسالمت و صلح به راه خود ادامه می‌دهد تا زندگی آرام و الهی داشته باشد.

خداوند در آخر آیه هم به اینکه اگر افرادی از این اصل) عدم دوستی و محبت به دشمنان الهی و اسلام (تخطی کند و از آنان حمایت کرده و کارهایشان را بپسندند، از ظالمین و ستمگران می‌داند.

نتیجه: قرآن کریم در مورد جنایات علیه بشریت مخصوصاً جنایات نظامی به صراحت و جنایات پزشکی به طور عام و کلی، که ظالمین و زورگویان و دشمنان انسانیت انجام می‌دهند را محکوم می‌کند و راه مقابله و مبارزه با جنایتکاران و کفار ظالم را فرمان می‌دهد و برای مقابله هم مجهز شدن و آماده بودن را واجب می‌داند. و اسلام را دین صلح و مصلح معرفی می‌کند که با دیگران بجز کسانی که اقدامات شدید و وحشیانه‌ای دارند، باید به عدالت رفتار بشود و با این دستور هم رحمت و رأفت الهی و انسانیت مسلمانان و احترام به کرامت آدمی را نشان می‌دهد و هم عدم سکوت و بی اعتنا نبودن نسبت به ظالمین و جنایتکاران را تبلیغ و ترویج می‌کند.

۲-۱- حکم شرعی جنایات نظامی و پزشکی بر علیه بشریت

در فقه اسلام، احکام به دو دسته الزامی و غیر الزامی تقسیم می‌شود که دستورات الزامی شامل واجبات (بایدها) و محرمات (نبایدها) می‌شود و احکام غیر الزامی در سه نوع مستحبات و مکروهات و مباحات مطرح می‌شود. چنانکه امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «خداوند فرایضی را بر شما واجب کرده است، آنها را ضایع نکنید و حدود و مرزهایی برای شما تعیین کرده است از آنها تجاوز نکنید و از چیزهایی نهی کرده است، حرمت آنها را نگه دارید و از اموری ساکت شده است نه به خاطر فراموشکاری، خود را مورد آنها به زحمت نیافکنید»^۲.

حکم، اعتبار شرعی است که به عمل مکلف تعلق می‌گیرد چه آن تعلق مستقیم باشد، یا غیر مستقیم و به واسطه منشأ انتزاع باشد^۳. چنانچه از تعریف بدست می‌آید حکم، به حکم تکلیفی و حکم وضعی تقسیم می‌شود.

حکم تکلیفی، حکم شرعی که مستقیماً به افعال انسان تعلق می‌گیرد، و رفتار انسان را از هر جهت تصحیح می‌کند. و پنج قسم هستند:

۱. وجوب (مانند وجوب نماز و وجوب عدالت بر حاکم)...
۲. حرمت (مانند حرمت زنا و حرمت بیع اسلحه به دشمنان اسلام)...
۳. استحباب (مانند نماز شب و قرائت آیات الهی)...
۴. کراهت (مانند روزه روز عاشورا و خلف وعده)...
۵. اباحه (مانند مسافرت و خوردن و آشامیدن)...

حکم وضعی، حکم شرعی که مستقیماً به رفتار و کردار انسان مربوط نمی‌شود، بلکه با قانونگذاری خاص به طور غیر مستقیم بر اعمال و رفتار انسان اثر می‌گذارد. در واقع حکم وضعی، موضوع حکم تکلیفی است. به بیان دیگر «هر حکمی که شامل امر و نهی نباشد». مهمترین آنها عبارتند از: علیت، سببیت، شرطیت، مانعیت، صحت، بطلان، فساد، زوجیت، ملکیت. مثلاً زوجیت) حکم وضعی (که در کنارش وجوب نفقه مرد برای زن) حکم تکلیفی (است و ملکیت) حکم وضعی (که در کنارش حرمت تصرف غیر مالک بر مال دیگری) (حکم تکلیفی) است

بحث اصلی: اسلام به عدالت اهمیت زیادی می‌دهد، مسلمین را از بی عدالتی و کوچکترین ظلمی نهی می‌کند و می‌فرماید: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» - بقره ۲۷۹؛ نه ظلم کنید و نه ظلم

بپذیرید»؛ و خداوند نه ظلم می‌کند و نه ظالمین را دوست می‌دارد. در آخرت، نزد پروردگار، ظالم و مظلوم هر دو کیفر می‌بینند و مسئول اعمال خویش هستند؛ «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ - انعام ۱۳۵». و مجهز بودن و آمادگی را در برابر تجاوزات دشمن لازم می‌داند تا حملات آنان را از جمیع مسلمین دفع نماید؛ «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتِهِمْ ظُلْمًا ۖ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ - حج ۳۹»

با این بیان در می‌یابیم که در اسلام، هر جنایتی بالأخص جنایات نظامی و پزشکی، محکوم و ممنوع است. به عبارتی از انجام این جنایات، نهی شده است و حرمت شرعی دارد و به دنبالش کیفر و مجازات دنیوی و اخروی خواهد داشت. چنانچه این نهی و حکم شرعی تکلیفی حرمت از آیات قرآنی مباحث گذشته به دست می‌آید؛ مانند قول خداوند که می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا - اسراء ۳۳»؛ آیه شریفه از کشتن نفس محترمه در هر قالبی از انواع جنایات، نهی می‌نماید، مگر اینکه استحقاق کشته شدن را داشته باشد. و در اصول فقه آمده که صیغه نهی (لا تقتلوا) دلالت بر حرمت می‌کند یعنی مخاطبین خود را از انجام آن کار منع می‌کند و به عبارتی از آنها می‌خواهد از انجام جنایت و خونریزی خودشان را نگه دارند و مرتکب نشوند. و آخوندخراسانی در کفایه الاصول این مفهوم را بیان می‌کند که ماده و صیغه نهی، دلالت بر طلب ترک فعل مغضوب می‌نماید و کشتار نظامی و پزشکی بر ضدّ مردم بیگناه، نهی شده است و حرام بوده و عذاب الهی را در پی دارد. بطوری که با آزمایشات پزشکی و جراحی‌های غیر قانونی مخصوصاً در کشورهای غربی معمول است در دین اسلام و فقه اسلامی، حرام می‌باشد و مرتکبین آن باید مجازات بشوند. حتی اگر کسی به دیگری بگوید که مرا بکش، او حقّ کشتنش را ندارد زیرا حرمت قتل با إذن مقتول برداشته نمی‌شود و ادله‌ای که حرمت قتل را می‌رسانند شامل این مورد نیز می‌شود (حاجی ده ابادی، ۱۳۹۷: ۶۸)

پیامبر اعظم (ص) در منشور مدینه در فراز ۳۷ آورده که هیچ کس نباید با هم پیمانش، پیمان شکنی کند، و همه باید به ستمدیده کمک کنند. و در فراز ۴۷ آمده که این سند هرگز از ستمکار، عهدشکن و تجاوزگر حمایت نخواهد کرد و هر کس، چه از شهر خارج شود و چه در مدینه بماند، مصون و در امان است مگر اینکه ظلم و ستم کند یا پیمان شکنی کند. و خداوند در قرآن کریم صریحاً فرمود: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ - ممتحنه ۸».

خداوند متعال تجاوز و جنایات ضدّ بشری را منع و نهی می‌کند و قتال و جنگ را در راه

خودش درست می‌داند نه در راه و مسیر منافع شخصی و اهداف غیر الهی؛ چنانچه می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ - بقره ۱۹۱». و معنای «لا تعتدوا» که این خود نهی و حکم شرعی حرمت تجاوز و جنایت را می‌رساند، این است که با کسانی که اهلیت جنگ و قتال را ندارند مانند زنان و کودکان (غیر نظامیان)، جنگ و نبرد نکنید و نهی از تعدی و تجاوز از حدود شرع مانند مثله و قتل کودکان و قطع آبها و غیر اینها از اعمال ضد بشری، می‌کند

در روایات معصومین و سخنان اهل بیت نبوت (علیهم السلام) (نیز نهی و ممنوعیت و حرمت جنایات و ظلم و ستمگری بر ضد مردم بیگناه و آزادی آنها، شده است. چنانچه امام حسین) علیه السلام (علت قیام خود را، مبارزه با حاکم ستمکار بیان می‌فرماید: «وقتی حاکمی ظالم، زمام امور جامعه را به دست گرفت و حلال خدا را حرام و حرام او را حلال کرد، باید با زبان و قلم و سلاح در برابر او بایستید»^۶. و همچنین فرموده‌اند: «أَنْتَى لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا» و پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من أعان على قتل مسلم و لو بشطر كلمة جاء يوم القيامة مكتوباً بين عينيه: آيس من رحمه الله؛ کسی که همکاری کند برای قتل و کشتن مسلمان و لو دخالتش در حدّ یک کلمه باشد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که بین دو چشمش نوشته شده است: نا امید از رحمت خداوند»؛ و در روایتی دیگر آمده «من مشى الى ظالم ليعينه هو يعلم انه ظالم فقد خرج عن الاسلام»^۲. چنانکه خداوند فرمود: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَسْكُمُ النَّارُ - هود ۱۱۳؛ بسوی ظالمان میل نکنید که در این صورت آتش دوزخ به شما خواهد رسید».

عقل و عقلای عالم نیز زشتی و عدم جواز این اعمال را تأکید می‌کنند چون این جنایات فقط یک گناه و کار حرام نیست بلکه ستمگران با جنایات خود زمین و مردم را به فساد و نا امنی دچار می‌کنند و این یعنی انسان‌ها عملاً در یک محیط غیر انسانی زندگی خواهند کرد و باید برای نجات خودشان بجای عبادت معبود یگانه، خداوند متعال، ستمگران و شیاطین را پرستش و اطاعت کامل کنند تا از گزند و عذاب آنها در امان باشند. و این هدف از خلقت دنیا و انسان‌ها نبوده و نیست. پس باید به اندازه‌ای که می‌توانیم در مقابل این جنایات و لشکرکشی‌های زورگویان با جان و دل و زبان و مال خود در راه خدا، ایستاد و آنها را وادار به رعایت عدالت و اطاعت خداوند کرد و گرنه باید آنها را از بین برد تا زمین و مردم عالم، امن و سالم بمانند.

۲- عوامل مؤثر و انگیزه‌های جنایات نظامی و پزشکی علیه بشریت

داعی یا انگیزه عبارت است از نفع یا ذوقی که مجرم را به ارتکاب جرم سوق می‌دهد، اصولاً انگیزه از اجزای تشکیل دهنده عنصر روانی محسوب نمی‌شود و در نظرات پیروان کلاسیک نیز عمد و انگیزه دو مقوله جدا از یکدیگر می‌باشند. عمد ذاتاً متوجه نتیجه بلافصل فعل مرتکب است ولی انگیزه، هدف نهایی و منظور نسبتاً بعید فاعل است^۳. قانون گذار کشور ما نیز بین انگیزه در جنایات و عمد در جنایات تفاوت قائل شده است و انگیزه ارتکاب جنایت تأثیری در ماهیت عمل مجرمانه ندارد اما احراز انگیزه در ارتکاب هر جرمعامل موثری برای توجیه آن عمل مجرمانه محسوب می‌شود. در جرم قتل نیز انگیزه می‌تواند چراغ هدایتی برای کشف چگونگی قتل باشد. در این بین نباید مفهوم واقعی انگیزه را با سوءنیت یکی دانست؛ با این حال اصولاً ارتکاب قتل عمدی نمی‌تواند بدون انگیزه باشد حتی در قتلائی نیز عمل مرتکب با قصد مجرمانه و انگیزه توأم است. انگیزه فقط در مواردی از موارد تخفیف مجازات محسوب شده است؛ یعنی در جایی که مجازات‌های تعزیری و بازدارنده انگیزه شرافتمندانه محسوب شود؛ اما در قتل عمدی انگیزه از عوامل رافع یا موجه جرم کیفری مرتکب محسوب نمی‌شود و توجیهی برای عمل مرتکب نیست. در جرم‌شناسی نیز بررسی انگیزه کشتار از آن جهت دارای اعتبار است که چرایی ارتکاب جنایت را نمایان می‌کند.

۲-۱- عوامل جنایات نظامی علیه بشریت

مواردی چون عشق به قدرت، سودجویی، قدرت طلبی، خودنمایی و نظایر آن، از جمله علل جنایت نظامی معرفی شده‌اند؛ در حالی که این موارد، معلول علت دیگری هستند. در حقیقت، علل اصلی جنایات به ابعاد مادی و روانی انسان برمی‌گردد. به بیان دیگر، جنگ از درون انسان سرچشمه می‌گیرد، به گونه‌ای که هرگاه یکی از دو بعد انسان، بر بعد دیگر وی غلبه پیدا کند، آن بعد غالب، علت واقعی جنایت را می‌سازد. با وجود این که علت اصلی جنایت را یکی از دو بعد مادی و روانی انسان تشکیل می‌دهد؛ ولی به وسیله ابزارها و اهدافی چون سیاست، اقتصاد، تکنولوژی، ایدئولوژی و مانند آن خود را نشان می‌دهد. این بدان مفهوم نیست که یک لشکرکشی، دارای یک هدف و ابزار است، بلکه ممکن است مجموعه‌ای از ابزارها و اهداف در آن به کار گرفته شود؛ اما یکی از آنها ظهور و بروز بیشتری داشته باشد.

۲-۱-۱- عامل سیاسی - اقتصادی

دولت‌ها و کشورها برای تحقق اهداف سیاسی با گسترش حاکمیت ملی و همچنین امپریالیست‌ها برای تحقق سلطه گری، فقط متکی به لشکرکشی و جنایت نظامی نیستند؛ بلکه ممکن است از ابزارهای دیگری چون پاداش و تنبیه نیز استفاده کنند. علاوه بر این، باید یادآور شد که به هم خوردن هر توازن قوایی منجر به تجاوز نمی‌شود. به عنوان مثال، پس از فروپاشی شوروی و با به هم خوردن توازن بین آمریکا و روسیه، جنگی بین این دو کشور صورت نگرفت. تلاش برای دستیابی به امکانات اقتصادی، منابع زیرزمینی، از بین بردن منابع تجاری و گمرکی و مانند آن، از علل اقتصادی جنایت نظامی معرفی شده‌اند. به عنوان مثال، عده‌ای جنگ جهانی اول را ناشی از تلاش کشورهای آلمان و ایتالیا برای دستیابی به بازارهای جهانی مواد خام لازم، دانسته‌اند. مهمترین نظریه‌ای که ریشه جنگ را فقط در مؤلفه‌های اقتصادی جستجو می‌کند، تفسیر مارکسیستی از جنگ است. مارکسیست‌ها از یک سوء عقیده دارند تقسیم کار و برقراری اصل مالکیت خصوصی، طبقات مختلفی را در جامعه بشری ایجاد کرده است و تا زمانیکه این طبقات باقی باشند، تجاوز نیز وجود خواهد داشت و از سوی دیگر، آنها برای تحقق کمونیسم جهانی، تجاوز را لازم می‌دانند؛ و آن جنگی است که بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه‌دار روی خواهد داد شکی نیست که عامل اقتصادی می‌تواند در بروز لشکرکشی نقش داشته باشد؛ اما چنین عاملی نمی‌تواند به صورت مطلق، ریشه همه جنایات نظامی بشری، مانند جنگ‌هایی که در جهت گسترش دین و یا حفاظت از آن انجام می‌شود، باشد. چنان که از نظر تاریخی، ایجاد طبقات اجتماعی به آن صورت که مارکسیست‌ها می‌گویند آن هم در تمام دنیا که لشکرکشی در آن کم و بیش جریان داشته است، به اثبات نرسیده است. البته فروپاشی شوروی، خود دلیلی بر بطلان عقاید مارکسیسم و لنینیسم بخصوص نظریه علل اقتصادی نظامی به شمار می‌رود. (میر محمد صادقی، ۱۳۹۸: ۶۵)

۲-۱-۲- عامل زیستی:

این که جمعیت جهانی در مقایسه با منابع غذایی، از رشد بیشتری برخوردار است. بنابراین برای برقراری تعادل بین این دو، چاره‌ای جز تجاوز نظامی نیست. این نظر نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که مواد غذایی موجود در زمین، برای تغذیه پانصد برابر جمعیت فعلی کافی است؛ دیگر آن که، تلاش در جهت دستیابی به فضای بیشتر به منظور

بهره مندی از امکانات افزون تر منجر به جنایت نظامی می‌شود. این نظریه که ناشی از افکار برتری طلبی نژادی است، یک دلیل عقلی و منطقی برای شروع جنایات نظامی محسوب نمی‌شود. چنان که تعداد کمی از کشورهای جهان مانند آلمان نازی، اسرائیل غاصب، نژادپرستان سابق آفریقای جنوبی به چنین اصلی اعتقاد دارند.

۲-۱-۳- عامل امپریالیسم:

امپریالیسم هم در بعضی موارد به عنوان عامل اصلی برای آغاز جنایت نظامی معرفی شده است. در این دیدگاه، امپریالیسم در دو صورت، علت جنگ محسوب می‌شود. در سطح داخلی، سرمایه داران برای دستیابی به سود بیشتر، به غارت و چپاول خشونت آمیز دستمزدها و دست رنج‌ها می‌پردازند. در سطح خارجی، امپریالیسم برای بهره برداری از مواد اولیه ارزان و بازارهای وسیع به جنایت نظامی دست می‌زند. این نظریه، عامل و انگیزه‌ی جنگ‌های سودجویانه و استعماری را نشان می‌دهد؛ اما انگیزه تجاوزاتی که غیر امپریالیست‌ها در نقاط دیگر جهان انجام می‌دهند را روشن نمی‌سازد. ریشه جنایت نظامی از نظر سازمان‌های بین المللی: در میثاق جامعه ملل و همچنین در منشور سازمان ملل متحد که هر یک بر تأمین صلح و امنیت جهانی تأکید دارند، فقط به صورت اشاره‌ای، عواملی را که موجب بروز جنگ می‌شود، بر شمرده‌اند. (طهماسبی، ۱۳۹۹: ۹۸)

از جمله این عوامل می‌توان، به عدم احترام به حق حاکمیت ملل دیگر، زیر پا گذاشتن اصل تساوی کشورها، نقض یک طرفه قراردادها، آشنا نبودن با حقوق و اعتقادات سایر ملل و نظایر آن اشاره کرد. هر یک از این موارد، همانند سایر نظریه‌هایی که در این بخش مطرح شده است فقط به بخشی از علل اصلی جنگ توجه دارد و به ریشه‌های روانی و معنوی جنگ بی توجه است. مثلاً می‌توان به جنایات نظامی عربستان و امارات و مصر علیه کشور و مردم یمن بخاطر عدم احترام به حق مالکیت یمن، و جبران کمبودها و ضعف‌های بین المللی، و منافع اقتصادی موجود در یمن، اشاره کرد.

۳- عوامل جنایات پزشکی علیه بشریت

چنانچه گفته شده، انگیزه در لغت به معنای سبب، باعث، علت و آنچه کسی را به کاری برانگیزد تعریف شده است. در اصطلاح به نفع یا امتیازی که فاعل جرم را ترغیب به ارتکاب جرم

میکند، انگیزه گوینددر جنایات پزشکی هم عوامل و انگیزه‌هایی وجود دارد؛ از آن جمله:

۳-۱- به بهانه آزمایشات علمی:

پزشکانی برای رسیدن به معالجات بیماری‌های ناشناخته دست به کارهای پزشکی غیر قانونی می‌کنند. بسیاری از این آزمایش‌ها بر روی کودکان، افراد بیمار و افراد دارای ناتوانی‌های ذهنی و در پوشش درمان پزشکی انجام شده است. در بسیاری از این مطالعات علمی بخش زیادی از آزمودنی‌ها افراد فقیر، اقلیت‌های قومی و زندانیان بوده‌اند؛ مثلاً جوزف منگل، یک پزشک آلمان نازی که معروف به فرشته مرگ و شیطان زیبا بود، تعیین می‌کرد کدام اسیر به درد آزمایشات می‌خورد و کدام یک به خاطر ضعف، باید کشته شود و مانند آزمایش‌هایی که ماریون سیمز، بنیانگذار علوم زنان آمریکا در زمینه جراحی بر روی زنان برده آفریقایی، بدون بیهوشی انجام می‌داد. این زن‌ها اغلب به خاطر عفونت‌هایی که بعد از این آزمایش‌ها به آنها مبتلا می‌شدند فوت می‌شدند (واحدی، ۱۳۹۸: ۱۱۰)

۳-۲- اصلاح نژاد و نژادی:

برخی جنایات پزشکی بخاطر برتری نژادی و نژاد پرستانه‌ای، اتفاق می‌افتد؛ مانند آزمایش‌های دکتر لئو استانی آمریکایی روی صدها زندانی بود. وی بیضه‌های زندانیان مرد اعدام شده را به زندانی‌های در قید حیات پیوند می‌زد و نیز در راستای اصلاح نژاد زندانیان مذکور راعقیم می‌کرد. او معتقد بود آزمایش‌های او مردان پیر را جوان کرده و با کنترل جرم باعث می‌شود افراد غیر اصلح تولید مثل نکنند و مانند دکتر کارل کلوبرگ آلمانی با همکاری هیملر در اردوگاه‌های نازی‌ها روی زنان زندانی برای نازا کردنشان آزمایشات غیر انسانی انجام می‌دادند و بارها از تزریق اسید مایع به داخل رحم زنان استفاده کرد و گاهی بیماران را برای انجام اتوپسی (تکه برداری) به قتل می‌رساند (سیدی، ۱۳۸۴: ۱۸)

۳-۳- سیاسی:

قدرت‌های ظالم جهانی مثل آمریکا و جنایتکارانی مثل اسرائیل غاصب برای تضعیف کشورهای دیگر از هر جنایتی فروگذار نیستند از آنجمله، جنایات پزشکی می‌باشد. مثلاً پروفیسور سیرل برودریک متخصص بیماری‌های عفونی و میکروبی لیبریا معتقد است آمریکا با همکاری

آفریقای جنوبی در سال ۱۹۷۵ میلادی در یک عملیات سری در کشور زئیر - جمهوری دموکراتیک کنگو- نخستین ویروس عفونی و مرگبار ابولا را با هدف کاهش جمعیت سیاهان قاره آفریقا را آزمایش و برای شیوع آن به صورت وسیع برنامه‌ریزی کردند. طبق اعلامیه سازمان جهانی بهداشت ۹۱ درصد مبتلایان به ابولا جان می‌سپارند. هورویتز در کتاب «منطقه حساس» می‌گوید، آمریکا در واقع ویروس ابولا را ساخت تا برای حفاظت از امنیت ملی خود و اسرائیل و همچنین همپیمانان سابق خود در قاره آفریقا از جمله آفریقای جنوبی استفاده کند. (ساعد وکیل، ۱۳۸۷: ۷۵)

جنایات پزشکی همچنین ممکن است تحت تأثیر عوامل دیگری همچون انگیزه‌های مالی، علل عاطفی و روانی، تهدید و ارباب، تطمیع و فراموشی، کینه و حسد، و غیره، صورت پذیرد و واقعیت‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده و تحقیقات از مسیر درست خود خارج و به بیراهه کشیده شود. ۵. با این حال برخی از جنایات نظامی و پزشکی، بدون عامل و دلیل یا بدون ضرورت و الزامات نظامی مثل نیروهای آلمانی در کشورهای اشغالی جنگ جهانی دوم، مبادرت به تخریب شهرها و دهات و تأسیسات گوناگون می‌کردند. این گونه اعمال مخالف مواد ۴۶ و ۵۱ قرارداد لاهه ۱۹۱۷ درباره قوانین و قواعد جنگ و اصول کلی حقوق بشر متمدن و مخالف ماده (b-۶) اساس‌نامه دادگاه است. (طیب، ۱۳۹۶: ۲۳) و این اعمال غیر انسانی از هر دولت و کشوری در هر مکان و زمانی، محکوم است و مجازات بین المللی دارد و هیچ انگیزه و توجیهی برای این جنایات قابل قبول نمی‌باشد هرچند در ظاهر درست به نظر برسد مانند دلیل و توجیه کشور زورگوی آمریکا در استفاده از بمب اتمی بر علیه مردم بی‌گناه و بی دفاع ژاپن انجام دادند که اگر بمب اتمی بکار گیرد دولت امپراطوری و ظالم ژاپن دست از جنگ بر می‌دارد. در حالیکه جنگ جهانی دوم با شکست ایتالیا و آلمان، به پایان می‌رسید؛ و هیچ نیازی به بمب اتم نبود چون کشورهای متفق، قدرت سیاسی و نظامی فراوانی با شکست آلمان و ایتالیا داشتند. و همچنین انگیزه و دلیل خود کشورهای شکست خورده جنگ جهانی دوم که اعتقاد داشتند شرط صلح طولانی در جهان این است که هر ملت جایی شایسته در جهان داشته باشد.

۴- مجازات جنایات نظامی و پزشکی بر ضد بشریت

۴-۱- مجازات جنایت نظامی و پزشکی علیه بشریت در فقه اسلامی

غالباً حکم جنایات عدوانی و مجازات قتل عمد در فقه اسلامی، قصاص است اما آنچه مسلم و قطعی است اینکه فقهای شیعه و دانشمندان حقوق اسلامی، با کمی اختلاف نظر، جنایات علیه انسان را به عمد، شبه عمد و خطایی محض تقسیم می نمایند. و از طرفی مواد ۲۱۴ و ۲۷۱ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) برگرفته از همین نظر فقهی، به ترتیب قتل نفس و قطع عضو یا جرح اعضای بدن انسان را بر سه نوع عمد، شبه عمد و خطا دانسته است. البته این تقسیم بندی کاملاً موافق با قول مشهور فقهای امامیه است که بطور خاص، موضوع قصاص و جنایات عمدی، ارکان و عناصر قتل عمد، راه های اثبات دعوی قتل، شرکت و مباشرت و تسبیب در قتل عمد را از دیدگاه فقهی مورد تدقیق قرار می گیرد.

۴-۱-۱- تقسیم جنایات در فقه اسلامی:

جنایات خواه علیه نفس باشد، خواه علیه اطراف (اعضا) و خواه علیه معانی (منافع اعضا مانند بینایی و بویایی) به سه قسم تقسیم می شوند:

۱- جنایات عمدی. ۲- جنایات شبهه به عمد. ۳- جنایات خطای محض.

البته فقهای اهل سنت جنایات را به دو قسم تقسیم می کنند: یک قسم، عمد محض و قسم دوم، خطئیمحض؛ و قسم حد وسطی را قائل نیستند. بلکه آنچه را که فقهای امامیه شبهه عمد (عمد شبه عمد) می نامند، چنانچه عدوانی باشد، آن را داخل در عمد محض می دانند و اگر عدوانی نباشد، آن را داخل در خطئی محض می دانند (مانند تلف بیمار توسط پزشک). در میان فقهای امامیه، فقط شیخ طوسی) ره (تقسیم بندی اخیر را مطمح نظر قرار داده است و مستند نظر شیخ، روایات ضعیفی است که به جهت ارسال) مرسل بودن روایتش (راویان آنها ذکر نشده اند یا به جهت تقیه ضعیفان و قابل اعتماد نمی باشند. بنابراین، موافق قول مشهور فقهای امامیه و بلکه اجماع آنان، جنایات به سه دسته منقسم می شوند؛ عمد، شبهه به عمد، خطای محض.

مجازات مترتب بر جنایات عمدی و عدوانی، قصاص است. قصاص، اسم است از ریشه «قص، یقص» و «قص» در لغت، به معنای دنبال کردن، دنبال کسی رفتن یا از راهی که انسان رفته، از همان راه برگشتن است. ولی در اصطلاح فقهی عبارت است از «پیروی از اثر

جانی» به این معنا که جنایت جانی اگر علیه نفس بوده است، ولی مقتول از همین اثر پیروی می‌کند و حیات قاتل را سلب می‌نماید و اگر جنایت جانی علیه عضو بوده است، مجنی علیه یا ولی او همان عضو را از جانی سلب می‌نماید و اگر اثر جانی علیه منفعت عضو بوده، مثلاً بینایی کسی را زایل نموده است، مجنی علیه) می‌تواند (بینایی او را سلب کند. بنابراین، معنای اصطلاحی قصاص به معنای لغوی آن نزدیک است. البته ممکن است قصاص مصدر باب مفاعله باشد) مصدر دوم (، زیرا مفاعله برای اشتراک است یعنی مجنی‌علیه یا ولی او همان کاری را با جانی می‌کند که جانی با مجنی علیه انجام داده است و همانطور که می‌دانیم در مفاعله لازم نیست که مبدأ فعل در آن واحد از طرفین صادر شود؛ مثل مکاتبه که در آن الف به ب نامه می‌نویسد و ب هم در جواب به الف نامه می‌نویسد. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۷ : ۵۱-۵۲).

مطلب دیگر آنکه چون قصاص پیروی از اثر است؛ بنابراین باید مشابه با اثر جانی باشد. فلذا اگر قصاص در عضو موجب تغیر شود یعنی نفس جانی را در معرض هلاک قرار بدهد یا احتمال تساوی وجود نداشته باشد، در اینجا به جای قصاص به دیه منتقل می‌شویم. زیرا حفظ حیات جانی نیز مطلوب شارع است. قصد، عمد، اراده و نیت از نظر مفهومی تقریباً یکسان هستند. اما موارد کاربرد آنها متفاوت است. قصد و عمد در مسایل کیفری، اراده در مسایل حقوقی و معاملات و نیت در خصوص عبادات به کار می‌رود. از عمد به «قصد بالغ عاقل» تعبیر شده است

و اما جنایت عدوانی، عدوان یعنی ظلم (محرم) یعنی به ناحق به دیگری آسیب رساندن. بنابراین اگر فعل عدوانی نباشد یا حتی تصور کند که فعلش مباح است ولی در واقع مباح نبوده باشد، قصاص محقق نخواهد شد. از همین رو، گفته می‌شود ولی دم، حاکم شرع و آنان که در حکم حاکم هستند، جنایاتشان عدوانی نیست. قصاص، حقالناس است. بنابراین از خصوصیاتش این است که قابل اسقاط است. (لکل ذیحق اسقاط حقه) و خصوصیت دیگرش این است که قابل انتقال به ورثه است (ما ترک المیت من حق فلوارثه) یعنی این حق از مجنی‌علیه به ورثه او منتقل می‌شود. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که نحوه انتقال این حق به ورثه چگونه است؟ آیا حقی است بسیط و من حیث المجموع به مجموعه ورثه منتقل می‌شود. یعنی همگی باید برای اعمال و اجرای این حق اتفاق نظر داشته باشند یا اینکه اگر یک یا چند تن از ورثه گذشت کردند، دیگری یا باقی ورثه می‌توانند به قدر سهم خود از این حق، آن را به اجرا درآورند؟ ((ربانی موسویان، ۱۴۰۱ : ۱۲۰-۱۲۲).

فقه‌های بعد از شیخ انصاری (ره) معتقدند که اگر حق به ورثه منتقل شود، این حق قابل

تجزیه نیست. یعنی مثل حق شفعه است که یا باید همگی وراث، اعمال آن را بخواهند یا اینکه از آن صرفنظر کنند، چون یک حق بسیط و غیر قابل تجزیه به مجموعه وراث منتقل می‌شود. فلذا مثلاً درخصوص حق قصاص، برای اجرای این حق باید همه وراث، مجتمعاً اعمال آن را بخواهند و اگر برخی گذشت نمودند، بقیه وراث نمی‌توانند قصاص را اجرا کنند. ولی طبق نظر مشهور فقهای امامیه، بنای قصاص بر تغلیب (غلبه) است و هر یک از اولیای دم می‌تواند به قدر سهم الارث خود، تقاضای قصاص نماید (البته پس از پرداخت سهم دیه سایر وراثی که بهجای قصاص، راضی به اخذ دیه شده‌اند). ولی اگر حق قصاص با فوت اولیای دم به ورثه آنها منتقل شود، این حق اخیر، بسیط و غیرقابل تجزیه است. یعنی وراث اولیای دم فقط در صورتی می‌توانند قصاص کنند که همه آنها قصاص را بخواهند. اما حق قصاص، قابل نقل اختیاری نیست. زیرا غرض و هدف شارع از تشریع قصاص، تشفی‌آلام روحی مجنی علیه یا اولیای مقتول است و این خصوصیت مانع می‌شود که مجنی علیه یا ولی دم این حق را اختیاراً به دیگری منتقل کند؛ مثل حد قذف که حکمش دفع عار و ننگ از دامن مقذوف است و لذا مقذوف نمی‌تواند این حق را اختیاراً به غیر منتقل کند. لیکن قهراً بهوارث قابل انتقال است. حق شفعه هم چنین است؛ حق شفعه برای دفع ضرر از شریک است و این خصوصیت مانع از آن می‌شود که شفیع، حق شفعه را اختیاراً به دیگری منتقل کند. (سبزواری؛ ۱۴۱۳ق؛ : ۲۲۶).

برخی از فقهای امامیه معتقدند که فقط عصبه (یعنی عاقله) حق قصاص دارند و زنها حقی در اجرای قصاص یا در عفو قصاص ندارند^۲ و مستند نظر خود را هم روایتی ذکر می‌کنند بدین مضمون؛ «لیس للنساء (لهم) عفو و لا قود» یعنی برای زنها نه حق عفو هست و نه حق قصاص. اما مشهور فقهای شیعه به این حدیث عمل نکرده و گفته‌اند: هرکس که مال مقتول را به ارث ببرد، حق قصاص را هم ارث می‌برد به استثنای زوج و زوجه و مبنای نظر این دسته از فقها، آیه شریفه قرآن کریم است که می‌فرماید: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا - إسرائ ۳۳» و چون زن و شوهر، «ولی» محسوب نمی‌شوند؛ لذا حق قصاص به آنها نمی‌رسد. خمینی؛ ۱۴۲۵ق، : ۲۸۹).

قصاص، یک مجازات عینی است و اولیای دم نمی‌توانند بدون جلب موافقت قاتل، تقاضای تبدیل قصاص به دیه را نمایند. به عبارت دیگر، اصل بر قصاص است مگر اینکه طرفین یعنی ولی یا اولیای دم و قاتل، توافق و صلح بر اخذ دیه بهجای اجرای قصاص نمایند که در این صورت، قصاص ساقط و دیه ثابت می‌شود. درخصوص صلح ولی دم و جانی بر اخذ دیه بهجای اعمال قصاص نیز

طرفین می‌توانند به کمتر یا بیشتر از دیه کامله نیز تراضی نمایند. نکته دیگر اینکه در مواردی که لازمه اجرای قصاص، پرداخت مازاد دیه قاتل از جانب ولیدم می‌باشد، مثل موردی که قاتل مرد مسلمان و مقتول زن مسلمانی باشد. همچنین در جنایات عمدی علیه اطراف (اعضا) و منافع (اعضا) نیز ولی دم از ابتدا و بدون نیاز به جلب نظر موافق جانی، بین قصاص یا اخذ دیه مخیر است. فقه‌های اهل سنت غیر از ابو حنیفه، برخلاف فقه‌های امامیه (که قصاص یک مجازات عینی است و به رقبه) حیات جانی (تعلق می‌گیرد و در صورت تراضی ولی دم و قاتل، به دیه تبدیل می‌شود) قصاص را حقیقیّ تخییری برای ولی دم می‌دانند و معتقدند که ولی دم از ابتدا مخیر است بین انتخاب قصاص یا اخذ دیه و لذا جهت اخذ دیه نیازی به جلب موافقت جانی ندارد و جانی مکلف به گردن نهادن به انتخاب ولی دم می‌باشد (ساقی و اصغری، ۱۳۹۹: ۶۳-۶۲).

۴-۱-۲- قتل و کشتار عمدی:

مهم ترین جنایتی که مجازات قصاص دارد، جرم قتل عمد است. این جرم علاوه بر مجازات‌های سنگینی که در قوانین کیفری کشورها برای آن در نظر گرفته شده است (از اعدام گرفته تا حبس ابد و یا حبس‌های طویل‌المدت)، در ادیان الهی نیز مورد تنذیر واقع گردیده و مؤکداً از آن نهی شده و وعده عقابی سخت در جهان آخرت به مرتکبین آن داده شده است. از نظر شرع مقدس اسلام نیز قتل نفس از اعظم گناهان کبیره محسوب می‌شود. در آیه ۹۳ سوره نساء آمده است: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»؛ از نبی اکرم (ص) نیز روایت است که اول چیزی که خداوند، در روز قیامت، رسیدگی می‌کند خون‌های به ناحق ریخته شده است. از همین رو، گفته‌اند قتل مشتمل بر سه حق می‌باشد؛

۱- حق الله: وقتی که شخص از نهی شارع مقدس با ارتکاب این گناه بزرگ سرپیچی می‌کند، حق الله ثابت می‌شود و چنانکه می‌دانید این حق با توبه و دادن كفاره جمع ساقط می‌شود. البته در روایات آمده است اگر قاتل، کسی را به خاطر ایمانش بکشد، توبه او پذیرفته نیست و همواره مخلد در آتش دوزخ می‌باشد و توبه قاتل در جایی پذیرفته می‌شود که انگیزه قتل، سببی از اسباب دنیوی مانند حرص مال، غضب و مانند اینها باشد.

۲- حق وارث: وقتی کسی دیگری را به قتل می‌رساند، او را از حقوقی محروم کرده است که استیفای آن را به عهده ورثه نهاده‌اند و وراثت می‌توانند او را قصاص کنند، دیه بگیرند یا وی

را عفو نمایند.

۳- حق مقتول: آن آلام و دردهایی است که قاتل هنگام ارتکاب قتل به مقتول وارد نموده است. این حق در قیامت با قصاص از ناحیه مقتول و یا عفو او ساقط می‌شود.

۴-۱-۳- ضابطه عمد:

یک ضابطه عمد «قصد نتیجه» است. یعنی قصد جانی این باشد که اخراج نفس تحقق پذیرد که در این فرض، آلت ارتکاب جرم از نظر قانونگذار اهمیتی ندارد. مقنن قانون مجازات اسلامی به تبعیت از قول مشهور فقهای امامیه، موردی را نیز که آلت نوعاً کشنده نیست ولی جانی قصد قتل دارد، قتل عمد محض می‌داند.

مبنای این قول مشهور، عموم ادله است که می‌گوید: «کل شیء قصدت الیه فاصبته فهو العمد».

اما شهید اول در کتاب لمعه در این خصوص تردید نموده و مردد است که آیا به مجرد قصد، عمد محض تحقق می‌یابد یا خیر؟ و در توجیه تردید خود می‌فرماید: قصد قتل با چیزی که به ندرت کشنده است به منزله عدم قصد است. زیرا قصد قتل با آلتی که کشنده نیست قابل جمع نیست. مثل اینکه کسی قصد قتل کند ولی این قصد را ابراز نکند^۱. یعنی طبق نیت واقعی اش عمل نکند و ما به مجرد اینکه کسی قصد ارتکاب جرم کند، او را مجازات نمی‌کنیم.

البته این تردید شهید اول (ره) تنها متکی به دلیل عقلی نمی‌باشد و دلایل نقلی (روایات) نیز مؤید آن است. لذا می‌توان به استناد روایات، عموم روایات دیگر را تخصیص زد و مقید نمود، از آنجمله؛ روایت زرار و ابی العباس: «ان العمد ان يتعمده فيقتله بما يقتل مثله». یعنی عمد این است که کسی قصد قتل کند و بکشد دیگری را با آلتی که نوعاً کشنده است.

ضابطه دیگر عمد محض «عمد در ارتکاب فعل نوعاً کشنده» است. این ضابطه در بند ب ماده ۲۱۶ ق. م. ا. چنین بیان شده است: «مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد، هرچند قصد کشتن شخص را نداشته باشد».

سومین ضابطه عمد محض، قصد فعلی است که سببیت آن برای قاتل معلوم ولی برای عرف، در ظاهر، مخفی است. این ضابطه بدین ترتیب مطمح نظر قانونگذار قانون مجازات اسلامی در بند ج ماده ۲۱۶ قانون مزبور قرار گرفته است: «مواردی که قاتل قصد کشتن ندارد و کاری

را که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری و یا ناتوانی و یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد».

آیت الله مرعشی (ره) در تحلیل بندهای سه‌گانه ماده ۲۱۶ ق.م.ا. می‌فرماید:

برخی از فقهای امامیه صرفاً قتلی را موجب قصاص می‌دانند که وقوع آن با استفاده از آلت نوعاً کشنده صورت گرفته باشد. سید علی طباطبائی در «ریاض» گفته است که عموم متأخرین آن را پذیرفته‌اند و صاحب جواهر می‌فرماید مخالفی در آن نمی‌بینم و برای این نظر، سه دلیل ذکر نموده‌اند؛

دلیل اول، روایاتی است مانند روایتی که از حضرت امام صادق (ع) نقل شده که فرمود:

«ان العمدان يتعمد بما يقتل مثله، و الخطا ان يتعمده و لا يريدان يقتله فقتله بما لا يقتل مثله».

یعنی قتل عمد این است که قاتل در زدن با آلتی که نوعاً کشنده است، متعمد باشد.

دلیل دوم، این است که در دماء، احتیاط لازم است و در مواردی که معلوم نیست قصاص ثابت است یا نه، در قتل با آلت غیرقتاله باید احتیاط کرد. دلیل سوم، این است که چنانچه آلت عادتاً و نوعاً کشنده نباشد، قصد قتل مانند عدم قصد است.

۵- مجازات جنایات نظامی و پزشکی علیه بشریت از منظر عقل و عقلا

موضوع مجازات جنایات علیه بشریت در اسلام که مهمترین آن قصاص و اعدام جانی‌ها است برتری نظریه اسلام در برابر همگان بدون توجه به نوع رنگ، پوست، نژاد، جنسیت در بهره‌مندی از حقوق انسانی را متجلی می‌سازد که «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» و فلسفه اعدام و قصاص در اسلام بازگشت حیات و زندگی به جامعه است که «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» - بقره ۱۷۹.

دولت‌هایی که مجازات اعدام را لغو کرده‌اند از روی حسابگری منطقی نیست بلکه عمدتاً به دلیل فشار مجامع بین‌المللی یا تحت تأثیر افکار برخی از طبقات جامعه صورت گرفته است که اینها خود متأثر از تغییرات خاص اجتماعی و خشونت‌های بعضاً اعمال شده محکومین به اعدام بوده‌اند. ولی نباید در برابر فساد فی الأرض بی تفاوت شد و بخاطر کشورهای غیر اسلامی، بندگی

خدا و اطاعت بی چون و چرا از دستورات بزرگ الهی که حیات و شکوفایی و معنویت و آرامش و صلح و عدالت را قطعاً در پی دارد، کنار گذاشت و رضایت غیر پروردگار را جلب کرد! «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ». اصلاً اعدام و قصاص در قوانین قدیمی، مثل «مجمع القوانين حمورابی»، و نیز کتب آسمانی قبلی، به ویژه تورات، این مجازات پذیرفته شده بوده است. برخی از نویسندگان معتقدند که با توجه به عدم نسخ حکم تورات توسط انجیل، همین حکم از نظر انجیل هم معتبر می‌باشد. آنها توصیه مشهور انجیل که اگر کسی به طرف راست گونه تو سیلی زد گونه چپ خود را به سوی او بگیر (را نه یک حکم، بلکه صرفاً یک توصیه اخلاقی دانسته‌اند، که نظایر آن در کتب آسمانی دیگر هم مشاهده می‌شود فلسفه وجودی مجازات در درجه اول این است که مرتکب به علت سختی مجازات بار دیگر دست به ارتکاب جرم نزنند» ارباب و ترساندن خود مجرمین»، در نتیجه مجازات افراد و دولت‌های جانی، باید این هدف را دنبال کند؛ بعضی از مجازات‌ها مانند مجازات مالی و زندان به بعضی از افراد باز دارنده نیست. و در درجه دوم، ارباب و ترساندن عموم مردم است. و این را هر عاقل و عقل سلیمی قبول دارد. چنانچه رئیس عقلا، شارع مقدس نیز در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ - نور ۲» مجرم را از ارتکاب مجدد باز می‌دارد، و «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ - نور ۲» دیگران را از ارتکاب باز می‌دارد. و در این مورد عبدالقادر عوده می‌نویسد: علم به مشروعیت مجازات‌ها از اقدام به جرم جلوگیری می‌کند و اجرای آنها پس از ارتکاب جرم مانع از اصرار می‌شود (میر محمد صادقی، ۱۳۹۸: ۳۴)

بنای عقلا هم اعدام و قصاص را برای زندگی بهتر تأکید و تأیید می‌کنند. پیش از اسلام نیز در مورد مجازات و قصاص تعبیری می‌گفتند از قبیل: «قتل البعض أحياء للجميع؛ کشتن بعضی از مردم موجب احیای همه است»، و «أكثروا القتل ليقل القتل؛ زیاد بکشید تا کشتن کم بشود»، و «القتل أنفى القتل»، و رئیس عقلا هم با بیانی والاتر و برتر و انسانی تر آورده که «و لکم فی القصاص حیاة بقره ۱۷۹».

یکی دیگر از حکمت و فلسفه و دلیل عقلی مجازات‌ها، مکافات و تلافی کردن بخاطر آرامش مجنی علیه یا اولیای او می‌باشد. چنانکه تا او نخواهد قاضی نمی‌تواند حکم قصاص و اعدام را صادر کند. دیگر دلیل عقلی و عقلانی، اصلاح و تربیت مجرمان و جنایتکاران در صورت جنایات خطائی و شبه عمدی بودن می‌باشد. حقوقدانان معتقدند که از میان مجازات‌ها تنها زندان می‌تواند محل تربیت بزهکاران باشد. ولی در عمل خلاف این نظریه ثابت شده است و اشکالات دیگری هم دارد.

نتیجه گیری

جنایات نظامی و پزشکی بر ضد بشریت در فقه و حقوق اسلامی، محکوم و حرام است که این محکومیت و حرمت هم از لحاظ شرعی است و هم از حیث عقلی و عرفی؛ و هرکدام، أدله‌ای دارند. أدله شرعی حرمت این جنایات، کتاب (قرآن کریم) و سنت (روایات معصومین علیهم السلام) و اجماع (اتفاق فقها و علمای اسلام) می‌باشد. و أدله عقلی حرمت این جنایات علیه بشریت، قبیح و زشت بودن کشتار و آزار و اذیت انسان‌های بیگناه و بی دفاع، از منظر عقل است چنانچه قاعده کلی «کلما حکم به الشرع حکم به العقل» این را تبیین می‌کند که هرگاه و هر جا شرع و شارع مقدس به چیزی حکم کند، عقل نیز آن را حکم می‌نماید و عکس این را هم که معروف تر است آورده‌اند «کلما حکم به العقل حکم به الشرع». و نیز از نظر عرف و بنای عقلاء این جنایات محکوم و تحریم شده است چنانکه رئیس عقلاء یعنی شارع مقدس، آن (حرمت جنایات نظامی و پزشکی در نزد عقلائی عالم) را با آیات و وحی، تأیید و تأکید کرده است. از آیاتی که به تحریم این نوع جنایات اشاره کرده است عبارتند از: «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین - ممتحنه ۸؛ خداوند شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امور دین با شما پیکار نکردند، و شما را از خانه و دیارتان بیرون نرانده‌اند، نهی نمی‌کند» و «ولا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل إنه کان منصورا - اسراء ۳۳- آیه شریفه از کشتن نفس محترمه در هر قالبی از انواع جنایات، نهی می‌نماید. «و «من أجل ذلك كتبنا علی بنی اسرائیل أنه من قتل نفسا بغير نفس أو فساد فی الأرض فکأنما قتل الناس جمیعا ومن أحيایها فکأنما أحيأ الناس جمیعا ولقد جاءتهم لنا بالبینات ثم إن کثیرا منهم بعد ذلك فی الأرض لمسرفون - مائده ۳۲: از این آیه به وضوح در می‌یابیم که منطق قرآن کریم مبارزه با هر جنایت و کشتار غیر انسانی و غیر عقلایی می‌باشد و فساد و نا امنی را مذموم و محکوم می‌نماید».

از جمله روایاتی که حرمت این جنایات را می‌رساند: «من أعان علی قتل مسلم ولو بشطر کلمة جاء یوم القیامة مکتوبة بین عینیه: آیس من رحمۃ الله؛ کسی که همکاری کند برای قتل و کشتن مسلمانی و لو دخالتش در حد یک کلمه باشد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که بین دو چشمش نوشته شده است: نا امید از رحمت خداوند» و «من مشی الی ظالم لیعینه و هو یعلم انه ظالم فقد خرج عن الاسلام». چنانکه خداوند فرمود: «و لا ترکوا الی الذین ظلموا فتمم الار - هود ۱۱۳؛ بسوی ظالمان میل نکنید که در این صورت آتش دوزخ به شما خواهد رسید».

مسلك و نظر اهل بیت پیامبر «علیهم السلام» در مورد این جنایات، محکم و رسا است و به هیچ کس اجازه شکستن و تحقیر انسان‌ها و انسانیت را نمی‌دهند و هر چیزی را برای خدا و بندگی او برمی‌گزینند و حتی جنگ و مقابله با کفار را فقط در راه خداوند و اعتلای اسلام صحیح می‌دانند. در اسلام کسانی که جنایات نظامی و پزشکی علیه مردم را انجام می‌دهد، در واقع لعن خداوند و ملائکه و مردم بیگناه را برای خودشان خواستار هستند و حتی اگر کسی ضربه‌ای و کتکی به ناحق به دیگری بزند، خداوند در قیامت و سرای دیگر، ضربه‌ای آتشین به او (ضارب) وارد خواهد کرد (وسائل الشیعه، باب تحریم الضرب بغیر حق ج ۲۹ ص ۲۱-۲۲). و از نظر ائمه اطهار (علیهم السلام)، کشتار و جنایات ظالمانه و به ناحق، حرام و ممنوع می‌باشد و علت آن را فساد و نابودی بین مخلوقین و انسان‌ها که حق حیات و زندگانی دارند، بیان کرده‌اند و با کشتن و قتل یک نفر، در واقع هزاران بلکه تمام انسان‌ها را از بین می‌برد و می‌کشد و این یعنی مبارزه کردن با انسان‌ها و انسانیت است (همان، باب تحریم القتل ظلماً، ج ۲۹، حدیث ۱۱ و ۱۵). فقهای امامیه معاصر در مورد جنایات نظامی و پزشکی ستمگران و ظالمین جهان بر علیه بشریت و مردم، حکم عدم جواز و حرمت را با ادله شرعی و عقلی فوق الذکر، بیان نموده‌اند. علمای دین فرموده‌اند: جنایات نظامی و پزشکی بر ضد بشریت بر اساس قاعده افساد فی الارض جرم تلقی شده و حرام است و چنانچه افساد عملاً محقق شود حکم آن نیز مترتب است. (آیت الله علوی گرگانی، شماره ثبت ۱۰۵۰۵) و روابط تجاری و سیاسی با بعضی دول که آلت دست دول بزرگ جائر هستند از قبیل دولت اسرائیل، جائز نیست و بر مسلمانان لازم است که به هر نحو ممکن با این نحو روابط مخالفت کنند و بازرگانی که با اسرائیل و عمال آن، روابط تجاری دارند، خائن به اسلام و مسلمانان و کمک کار به هدم احکام اسلام هستند و بر مسلمانان لازم است با این خیانتکاران چه دولت و چه تجار، قطع رابطه کنند و آنها را به قطع رابطه با این نحو دولت‌ها، ملزم کنند. همچنین اگر پزشک حاذق به دست خود دارویی را به بیمار بخوراند یا به وی دستور خوردن یا استعمال آن را بدهد و ضرری به بیمار برسد یا بمیرد، پزشک ضامن است، هر چند متخصص باشد. و یا اگر پزشک اثر زیانبخش داروها را به بیمار اعلام نکند، مسئول عارضه و اتلاف نفس بیمار خواهد بود. همچنین سقط جنین توسط پزشکان در غیر اضطرار و بدون ضرورت (مانند فوت جنین در رحم یا سلامت مادر در خطر باشد) و تشریح (کالبد شکافی) مرده مسلمان، حرام می‌باشد و ضمانت اجرایی دارد و در مواردی قصاص و در مواردی دیه و جبران خسارت دارد. زیرا «ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطاناً - إسرائ ۳۳» و «وکتبنا علیهم فیها أن النفس بالنفس والعین بالعين والأنف بالأنف

والأذن بالأذن والسن بالسن والجروح قصاص - مائده ۴۵» و «فمن عفى له من أخيه شيء اتباع بالمعروف وأداء إليه بإحسان ذلك تخفيف من ربكم ورحمة - بقره ۱۷۸» و «و من قتل مؤمناً خطأ فتحرير رقبة مؤمنة ودية مسلمة إلى أهله - نساء آیه ۹۲» د اسلام به عدالت اهميت زيادي مي دهد، مسلمين را از بي عدالتی و کوچکتريين ظلمي نهی می کند و می فرماید: «لا تظلمون ولا تظلمون - بقره ۲۷۹؛ نه ظلم کنید و نه ظلم بپذیرید»؛ و «سوف تعلمون من تكون له عاقبة الدار إنه لا يفلح الظالمون - انعام ۱۳۵». و مجهز بودن و آمادگی را در برابر تجاوزات دشمن لازم می داند تا حملات آنان را از جمیع مسلمین دفع نماید؛ «أدين الذين يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير - حج ۳۹».

بنابراین در اسلام، هر جنایتی بالأخص جنایات نظامی و پزشکی، محکوم و ممنوع است. به عبارتی از انجام این جنایات، نهی شده است و حرمت شرعی دارد و به دنبالش کیفر و مجازات دنیوی و اخروی خواهد داشت. و در اصول فقه آمده که صیغه نهی (لا تقتلوا) دلالت بر حرمت می کند یعنی مخاطبین خود را از انجام آن کار منع می کند و بعبارتی از آنها می خواهد از انجام جنایت و خونریزی خودشان را نگه دارند و مرتکب نشوند. و کشتار نظامی و پزشکی بر ضد مردم بیگناه، نهی شده است و حرام بوده و عذاب الهی را در پی دارد. بطوری که با آزمایشات پزشکی و جراحی های غیر قانونی مخصوصاً در کشورهای غربی معمول است در دین اسلام و فقه اسلامی، حرام می باشد و مرتکبین آن باید مجازات بشوند. حتی اگر کسی به دیگری بگوید که مرا بکش، او حق کشتنش را ندارد زیرا حرمت قتل با إذن مقتول برداشته نمی شود و ادله ای که حرمت قتل را می رسانند شامل این مورد نیز می شود. با توجه به تحقیقات و بررسی های بر آمده در کتاب های فقهی و اسلامی متأخرین و متقدمین می توانیم بیان کنیم که در فقه اسلامی، قواعدی وجود دارد که می توان بر اساس آنها، مسئولیت حقوقی دولت ها و افراد را اثبات کرد. مهمترین آن قواعد، عبارتند از:

(۱) قاعده اتلاف «من ألتف مل الغير فهو له ضامن».

(۲) قاعده ضمان ید «على الید ما أخذت حتی تؤدیة» |

(۳) قاعده لاضرر «لاضرر و لا ضرار فی الإسلام: در شریعت اسلامی احکام ضرری وجود ندارد یعنی نفی حکم ضرری» است.

(۴) قاعده تسبیب «به معنای فراهم کردن مقدمه ای است که احتمال منجر شدن به اتلاف

در آن وجود دارد».

احکام و قوانینی در اسلام برای جلوگیری از جنایات بیشتر نظامی و پزشکی بر ضد انسان‌ها وجود دارد که به نام اصول لازم‌الرعايه می‌باشد مانند «قانون و اصل رحم کردن» و «اصل انصاف» و «اصل عدالت» و «اصل اجتناب از کشتن افراد غیر مباشر در جنگ» و «اصل اجتناب از تخریب مناطق مسکونی و انسانی» و این احکام و قوانین هم شرعی و نقلی است و هم عقلی و خرد پذیر می‌باشند. چنانچه اگر کسی یا دولتی این قواعد انسانی را رعایت نکند، از طرف عقلای عالم و هر عقل سلیمی محکوم می‌شود و منتظر اجرای این احکام و اصول الهی و انسانی می‌شوند. آیات الهی، این موارد را تأیید و تأکید کرده است؛ مانند: «و دشمنی گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که آن به پرهیزگاری نزدیک است - مائده ۸» و «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین... - ممتحنه ۸».

قوانین اسلامی موقع رخداد جنگ، خواستار انسانی بودن و رعایت قواعد نزاع می‌باشد؛ از آنجمله: ممنوعیت و حرمت: (۱) توسل به روش‌های بی رحمانه و مزورانه کشتار «آغشته به سم و زهر کردن»؛ (۲) قطع اعضای بدن انسان‌ها در حال حیات و یا پس از مرگ «مثله کردن»؛ (۳) در پایان باید متذکر شویم به دیدگاه‌های مراجع عظام تقلید که از محضرشان استفتاء شده است اینکه تقریباً بالاتفاق این جنایات را با ادله عقلی و شرعی که ظلم و ستمکاری را ممنوع و حرام می‌داند، حرام دانسته‌اند و در صورت تحقق این جنایات مسئولیت اجرا مترتب می‌گردد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، بیروت، انتشارات دار صادر، جلد ۱۴، سال ۱۴۱۸ ق، واژه جنی، ص ۱۵۴.
۳. ابو القاسم حسین، راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۱۱.
۴. طاهر احمد، زاوی، ترتیب القاموس المحيط علی طریقہ المصباح المنیر و اساس البلاغه، بیروت، دارالکتب العلمیّه، ج اول، ۱۳۹۹ هـ، ص ۵۴۴
۵. ابوعلی الفضل، طبرسی، جوامع الجامع، تعلیق: ابوالقاسم گرجی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۲، سال ۱۳۶۷ ش، ص ۳۱۱؛ سید محمدحسین، طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات جماعه المدرّسین فی الحوزه العلمیّه، ج ۳،
۶. طهماسبی، جواد (۱۳۹۹)، «صلاحیت دیوان کیفری بین‌الملل»، چاپ پنجم، انتشارات جنگل.
۷. کریفیتس، مارتین (۱۳۹۶)، «جنایات علیه بشریت» مترجم علیرضا طیب، مجله دانشنامه و روابط بین‌الملل و سیاست جهان، چاپ ششم،
۸. گرین وود، کریستوفر (۱۳۸۴)، «دیوان بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق»، ترجمه دکتر مهرداد سیدی، مجله حقوقی
۹. دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۹-۱۸،
۱۰. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۷۷)، «نسل کشی و خشونت جنسی در رواندا، مجموعه مقالات حقوق جزای بین‌الملل، چاپ نخست، تهران، انتشارات میزان. صص ۳۶-۵۶-۱۸۷-۶۴
۱۱. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۸)، «دادگاه کیفری بین‌المللی»، انتشارات دادگستر.
۱۲. ورله، گرهارد (۱۳۸۷)، «جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر» ترجمه امیر ساعد وکیل، مجله حقوقی بین‌المللی، صص ۳۹-۶۶-۷۵
۱۳. واحدی، قدرت الله (۱۳۹۸)، «حقوق بین‌المللی کیفری»، چاپ سوم، انتشارات جنگل، جاودانه.

۱۴. Carven, Matthew C.R,(2015)The International covenant on Economic, Social and Culture Rights: A perspective on its Development, Oxford University Press,.
۱۵. Cook,Revecca,J.(2013),Internaitonal Human Rights and Womens Reproductive Health, Studies in Family Planning 24(2), Population Council:73-86.
۱۶. Pieters,Danny,(2016),Social Security: an introduction to the basic Principles,
۱۷. Netherlands,Netherlands Kluwer law international.

Jurisprudential analysis of military and medical crimes against humanity

Abstract

A crime is any behavior, whether an act or omission, for which punishment or retribution is imposed. According to the Shari'a, crime is of two types: general and specific. General crime means a forbidden act, whether it befalls the soul or the limbs of a person, or property, etc., and anything that is considered a sin in the Shari'a. Specific crime is called murder, assault, wounding and amputation. Crimes in Islam are called "crimes against individuals" into two types: crimes against the physical integrity of individuals and crimes against the spiritual personality of individuals. One of the crimes in international criminal law is "crimes against humanity", of which military and medical crimes are a branch. In the opinion of the humble (the author on military and medical crimes against the people), the ruling of impermissibility and sanctity is based on religious reasons such as the verses "And do not kill the soul that is the sanctuary of God except with the truth - Isra '۳۳ and An'am » ۱۵۱ Retaliation ,guarantee ,and compensation for human and financial losses are also demonstrated.The UN resolutions set out the general obligations of the international community against violations of the rules, such as military ,medical ,and military crimes ,and the government commits crimes against the whole .The international community has an international responsibility ,and the Security Council can request that the International Criminal Court) ICC (consider a matter that is descriptive.

Key words : crime ,humanity ,international law ,Islamic military law ,medicine.

بررسی مقایسه ای عزت نفس جوانان عادی و بزهکار ۱۸ تا ۲۷ سال پسر شهرستان اصفهان

سید محمد موسویان*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰	شماره صفحه: ۸۱-۶۲
-------------------	-------------------------	-------------------------	-------------------

هدف از پژوهش حاضر بررسی مقایسه ای عزت نفس جوانان عادی و بزهکار ۱۸ تا ۲۷ سال شهرستان اصفهان است که به منظور بررسی رابطه بین عزت نفس و بزهکاری ۶۰ نفر آزمودنی پسر ۱۸ الی ۲۷ سال (۳۰ عادی - ۳۰ بزهکار) با روش نمونه گیری خوشه ای و به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند و پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت روی آنها اجرا شد. داده های حاصل از پژوهش با استفاده از آزمون t استیودنت برای گروه های مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت نتیجه بدست آمده $t = 2/328$ که در سطح معنی داری ۵٪ از t جدول کوچکتر بوده به عبارت دیگر فرد صفر تائید گردید و بین دو گروه عادی و بزهکار تفاوت معنی داری مشاهده نگردید هر چند واریانس عزت نفس در گروه عادی بیشتر از گروه بزهکار بوده ولی از عزت نفس بیشتری برخوردار نبوده اند.

واژگان کلیدی: عزت نفس، جوانان عادی، جوانان بزهکار، شهرستان اصفهان

* استادیار دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران

مقدمه :

ریشه جرم و جنایت را می توان تا سپیده دم تاریخ بشری به واپس برد. از آن هنگامی که آدم و حوا به ارتکاب عمل نهی شده ای چون خوردن گندم یا سیب از بهشت رانده شدند، و پسرشان قابیل برادر خود هابیل را به قتل رساند، جرم را آغاز کرد و از آن زمانی که آدمی با نگاهی حیرتناک و پرسش آمیز، صحنه دریده شدن بره آهوئی گریزپا را در چنگ و دندان جانوری برافروخته از هراس گرسنگی دید، شالوده جامعه جرم آفرین نیز ریخته شد. از آن لحظه دردناک تاریخی به این سو، جنابت همان جنایت باقی ماند؛ اما همواره رنگ عوض کرد و سایه خود را بر گستره گیتی افکند. اینک ما روز به روز شاهد، گسترش تبهکاری هستیم و در دنیایی زندگی می کنیم که با هوسهای جنسی، قتل، آدمخواری و آدم ربایی و ... آمیخته گردیده است و امنیت انسان معاصر را تهدید می کند و هیچ روزی نیست که در روزنامه ها و رسانه های گروهی از جرم و جنایت گفته نشود و خبرهای هیجان انگیز درباره آدم کشی، دزدی، خودکشی و ... در رأس خبرها نباشد.

افزایش جرم در شهرهای بزرگ به حدی رسیده است که آرامش جای خود را به بحران سپرده و به تدریج واژه امنیت و آسایش در بسیاری موارد اعتبار خود را از دست داده است.

ریشه های این نابهنجاری های اجتماعی باید مورد مطالعه قرار گیرد و با از بین بردن آنها به کاهش اینگونه بیماریهای اجتماعی اقدام باید کرد وگرنه روز به روز این گونه انحرافات اجتماعی بیشتر شده و سرایت اجتماعی بیشتری پیدا می کند.

افرادی که در آغاز مرتکب بزه می شوند طبیعی است که نتوانسته اند خود را با موازین اجتماعی آن جامعه تطبیق دهند این عدم هماهنگی ممکن است از نابسامانی اوضاع اجتماعی، اقتصادی و تربیتی آنها ناشی شده باشد. بر اثر ازدیاد جرم و جنابت قدرت کنترل در جامعه هر روز ضعیف تر می گردد و به همین دلیل پیوسته بر تعداد مجرمین افزوده می گردد (بیانانگرد، ۱۳۹۹: ۳۹)

راه درست پیشگیری، انجام مطالعات علمی برای شناخت ریشه های درد و علل اینگونه جرایم است یعنی باید علل را از بین برد تا معلول که ارتکاب جرم است از بین برود. راستی مفهوم زندگی توأم با هراس چیست؟ و چه لذتی دارد؟ اگر انسان آرامش و امنیت نداشته باشد هیچ چیز ندارد چون در آن جامعه آرامش مردم بر اثر وقوع جرایم هولناک از بین رفته و اعتماد عمومی

سلب می گردد (نجفی توانا ، ۱۳۹۹: ۸۲)

دوران بلوغ یکی از مراحل حساس زندگی بشری است. رشد و تغییرات جسمی در این دوره گذر از کودکی به نوجوانی و سپس به بزرگسالی، وضع بحران روانی خاصی را به وجود می آورد. دوره بی خیالی، دنباله روی بی چون و چرا به پایان می رسد. جوانان ضمن نیاز مبرم به محبت، حمایت و هدایت، برای ابراز وجود و استقلال تلاش می کنند که با انجام اموری تجربه کسب کنند. هرگاه به علت فقدان آموزش صحیح و بدون توجه به مقتضیات و امکانات جامعه خویش زندگی خود را با آنچه که در رسانه های گروهی می بینند یا می شنوند، می سنجند ولی نمی توانند موقعیت اجتماعی خود را درک و برای ایفای نقش در جامعه آماده شوند. برای نیل به اهداف رویاروی خود، به کارهای فوق قدرت خویش دست می زنند پس از شکست چون قدرت مقابله با مشکلات را ندارند با یأس موقعیت خود را در جامعه از بین رفته تلقی کرده و با اندک برخورد با معضلات اجتماعی، تسلط بر کنترل اعصاب خود را از دست داده مرتکب اعمال توأم با خشونت می گردند و برای تلافی و انتقام جویی بر علیه خانواده و اجتماع قیام نموده جرایم مختلفی را مرتکب و یا برای تسکین آلام درونی به طرف اعتیاد کشانده می شوند.

ریشه درد بیشتر در جامعه است نه فرد. باید به فکر بود و راهی پیدا کرد که از ارتکاب روز افزون بزه جلوگیری کرد. مجازات و شکنجه جلوی جرم و بزه را نگرفته است. دیده شده کسی که مرتکب خلافی شده و به زندان سپرده شده است اگر برای بار دوم به زندان آمده مدت زندانی بودنش طولانی تر شده است چون جرمش سنگین تر بوده و برای بار سوم و چهارم با ارتکاب جرایم سنگین تر نیز مدت بیشتری را در زندان بوده اند. پس می توان گفت که زندان ممکن است برای برخی از مردم آموزشگاه مناسبی برای فراگیری جرایم سنگین تر باشد چون در کنار مجرمین سابقه دارتری زندگی می کنند. البته نباید جنبه های آموزشی زندان را هم فراموش کرد چون بوده اند افرادی که حرفه ای را نمی دانسته و به زندان آمده و پس از کسب تخصصی دوباره به جامعه بازگشته و زندگی عادی را برای خود پذیرفته اند اما درصد اینگونه افراد بسیار ناچیز بوده است.

عزت نفس به عنوان یک نیاز شامل احساساتی است که انسان به داشتن آن در یک سیستم متقابل اجتماعی محتاج است. بدین معنی که ما نیاز داریم تا احساسات خود را با دیگران رد و بدل کنیم و در درون خود احساس کنیم که با ارزش هستیم و دیگران ما را با ارزش می پندارند و معتقد باشیم که دیگران نیز با ارزش هستند (اسلامی نسب، ۱۳۹۸).

اهمیت عزت نفس برای کسانی که با کودکان و نوجوانان سر و کار دارند امری روشن است. مشکل است بتوان ارتباط نزدیکی با کودکان داشت ولی از باورهای مهم آنان در مورد خودشان غافل بود (بیابانگرد، ۱۳۹۹).

فرنچ^۱ و وارگو^۲ از عزت نفس به عنوان سپر فرهنگی در برابر اضطراب نام می برند. کوپراسمیت (۱۹۶۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که کودکان برخوردار از عزت نفس بالا، افرادی هستند که با احساس اعتماد به نفس و بهره گیری از استعداد و خلاقیت خود به ابراز وجود می پردازند و به راحتی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار نمی گیرند. امروزه در اصلاح و درمان بسیاری از اختلالات شخصیتی و رفتاری کودکان و نوجوانان نظیر کمرویی، پرخاشگری، گوشه گیری و بزهکاری به عنوان اولین یا مهمترین گام، به ارزیابی و پرورش احساس عزت نفس و مهارت های فردی و اجتماعی آنان می پردازند.

بهره مندی از عزت نفس علاوه بر آنکه جزئی از سلامت روانی محسوب می شود، با بزهکاری نیز مرتبط است (بیابانگرد، ۱۳۹۹: ۶۵). جوانان و نوجوانان بزهکار تصویر درستی از خود ندارند و دارای دید منفی نسبت به خود هستند و به همین دلیل از احساس عزت نفس و ارزشمندی پایین برخوردار هستند.

این افراد به دلیل کمبود یا فقدان عزت نفس خود را آدمهای نامطلوبی می دانند، آنان خود را دوست ندارند و برای خود ارزش و احترامی قائل نیستند (ماسن و همکاران، ترجمه یاسایی، ۱۳۹۶).

و اغلب بزهکاران به دلیل ضعف عزت نفس از وجدان اخلاقی ضعیفی برخوردارند و به اصول اخلاقی پایبند نیستند. با توجه به تحقیقات انجام شده در این زمینه و ارتباطی که بین عزت نفس و بزهکاری وجود دارد، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سؤال زیر است: سوال مساله: آیا میزان عزت نفس جوانان عادی و بزهکار متفاوت است؟

1. French

2. Vargo

مبانی نظری پژوهش :

فروید :

فروید معتقد است اولین برقرارکننده احترام به کودک، جهان خارجی است که برای او غذا فراهم می آورد، نخستین میل او این است که از شر محرک ناراحت کننده خلاص شود. رضایتی که جهان خارجی به این ترتیب برای او ایجاد می کند طبعاً این میل را خاموش می کند و احساسات «خودشیفتگی نخستین»^۱ را در او بیدار می سازد. به عبارت دیگر کودک برای اولین بار خود را ارزشمند و قابل توجه می پندارد.

فروم :

فروم عزت نفس را یک نوع تحقیق مثبت یا فعلیت یافتن نفس می داند که فرد را غنی می سازد. به عقیده او شخصی که قادر باشد واقعاً خود را دوست بدارد، به دیگران بیشتر علاقه مند است.

هورنای :

هورنای معتقد است عزت نفس یکی از نیازهای اساسی انسان و عبارت از این است که فرد ارزش خود را در درجه اهمیت و ارزشی که دیگران برای او قائل هستند، بداند.

به عقیده او آگاهی و ارزش گذاری انسان از «خودواقعی»^۲ و از استعدادهای بالقوه و امکاناتی که او قادر می سازد تا کاملاً تسلیم محیط اجتماعی نباشد و از خود ابتکار به خرج دهد و شخصیت خود را به رنگ مخصوص درآورد.

ویلیام جیمز :

ویلیام جیمز از جمله کسانی بود که برای نخستین بار در کتاب اصول روان شناسی خود، بر ضرورت عزت نفس و اینکه عزت نفس تضمین کننده مشکل های متعدد رفتار آدمی است،

1. Primary nro issism

2. Real – self

تأکید نموده است. به نظر وی آرزوها و ارزش های انسان نقش اصلی را در توجه به خویشتن بازی می کند. همین شخص پیشرفتهایش را در رسیدن به این آرزوها مورد ارزیابی قرار می دهد و اگر در رسیدن به آرزوهایش موفق نباشد، عزت نفس وی کاهش می یابد (حاج علی عراقی، ۱۳۷۸).

اریکسون :

اریکسون رشد انسان را شامل یک رشته تعارض می داند که باید با آنها کنار بیاید. زمانی که محیط درخواستهای به خصوصی از فرد می کند، هر مواجهه و رویارویی با محیط بحران نامیده می شود. این بحران در طول زمان تغییر می کند و فرد را ملزم می نماید مطابق با درخواست های جدید در هر مرحله زندگی انرژی خود را تنظیم مجدد کند.

در نظر او، برخورد با بحران ها در هر مرحله رشد، اساس سلامت یا ناسلامتی بعدی را پایه ریزی می کند. اگر در هر مرحله برخورد رضایت بخش و مثبت صورت بگیرد، جنبه های مثبت شخصیت مانند اعتماد، خودکفایی و عزت نفس به میزان بالایی جذب خود می شوند و به این ترتیب شخصیت به رشد سالم ادامه می دهد.

آلپورت :

آلپورت معتقد است، عزت نفس زمانی ایجاد می شود که کودکان پی می برند می توانند خودشان کارهایی را انجام دهند. به نظر وی، سومین فاکتوری که در پرورش «خویشتن^۱» نقش دارد، «رشد خود^۲» است که در آن کودک عزت نفس خود را رشد می دهد. در این مرحله کودک در جستجوی به دست آوردن احساس غرور و موفقیت است، اگر والدین نیاز به کاوش نمودن او را ناکام کنند مانع از شکل گیری عزت نفس می گردند و احساس تحقیر و خشم جای آن را می گیرد.

مزلو :

مزلو عزت نفس را دارای دو بعد می داند، ارزش و احترامی که دیگران به فرد می گذارند

1. Proprium

2. Ego – enhancement

و ارزش و احترامی که فرد برای خود قائل است. در واقع دو نوع نیاز به احترام وجود دارد، نیاز به عزت نفس و نیاز به احترامی که دیگران به شکل مقام، شهرت یا موقعیت اجتماعی برای شخص فراهم می کنند. وقتی که فرد احساس احترام درونی کند، احساس اعتماد و ایمنی درونی می یابد و خود را ارزشمند و شایسته حس می کند، زمانی که فاقد عزت نفس باشد و در مقابله با زندگی احساس حقارت، دلسردی و ناتوانی می کند، مزلو معتقد است که پابرجا ترین و سالمترین عزت نفس بر پایه احترامی است که شخص مستحق آن است نه براساس آوازه ظاهری (شولتز، ترجمه سید محمدی، ۱۳۷۹).

پیشینه پژوهش :

اولین بار در سال ۱۸۹۰ ویلیام جیمز به بررسی عزت نفس پرداخت. وی معتقد بود که تصور فرد از خود در حین تعاملات اجتماعی، یعنی از زمانی که متولد شده و مورد شناسایی دیگران قرار می گیرد، شکل می گیرد.

روزنبرگ (۱۹۶۵، نقل از ثابت، ۱۳۷۵) نخستین مطالعات علمی را در زمینه عزت نفس انجام داده است وی تأثیر طبقات اجتماعی، نژاد، مذهب، ترتیب تولد و ارتباط بین والدین را بر عزت نفس گروه زیادی از جوانان مورد بررسی قرار داد.

به نظر بارون (۱۹۸۶، نقل از ثابت، ۱۳۷۵) افرادی که عزت نفس پایینی دارند از پیشرفت شغلی کمتری برخوردارند و افرادی که عزت نفس بالایی دارند اغلب سطح بالاتری از رضایت شغلی، انگیزه و تولید واقعی را نشان می دهند.

در مطالعه ای روی دانشجویان دانشگاه که در جستجوی شغل بودند، کسانی که عزت نفس بالاتری داشتند، پیشنهاد استخدام بیشتری دریافت کردند و از سوی استخدام کنندگان رتبه های بهتری کسب کردند، تا کسانی که عزت نفس ضعیفی داشتند (الیس و تایلور^۱، ۱۹۸۳؛ نقل از شولتز، ۱۳۷۸).

مطالعه دیگری نشان داد که افرادی با عزت نفس بالا با ضایعه از دست دادن شغل خود

به مراتب بهتر کنار می آیند تا کسانی که عزت نفس پایینی دارند (شامیر^۱، ۱۹۸۶؛ نقل از شولتز، ۱۳۷۸).

بروفی^۲ (۱۹۵۹؛ نقل از کریمی، ۱۳۷۵) در بیمارستانی واقع در نیویورک با دادن پرسشنامه رضایت شغلی به پرستاران دریافت همبستگی بالایی بین رضایت شغلی و مفهوم خود، وجود دارد. آنهایی که عزت نفس بالا دارند اغلب سریعتر شغل انتخاب می کنند و خیلی بهتر با مسأله از دست دادن شغل خود سازش می کنند.

در زمینه رابطه عزت نفس با بیماری های روانی تحقیقات زیادی صورت گرفته است. بسیاری از محققین عزت نفس مثبت را عامل اساسی در سازگاری اجتماعی، عاطفی و فردی می دانند و معتقدند که احساس بی ارزشی عمیق ریشه بسیاری از ناهنجاری های روانی است که در بین افراد انسانی دیده می شود (پاپ، ۱۹۸۸؛ نقل از شاملو، ۱۳۶۹).

به طور کلی تحقیقات مربوط به آسیب شناسی روانی نشان داده است که بین عزت نفس پایین با مشکلات روانی چون اضطراب، افسردگی، الکلیسم، روان رنجوری، اسکیزوفرنیا و بسیاری از مشکلات دیگر رابطه وجود دارد. این یافته ها نشان می دهد که افراد برای فعالیت روانی سالم به عزت نفس نیاز دارد (بامیستر^۳، ۱۹۸۶؛ نقل از ثابت، ۱۳۷۵).

همچنین کومز و استنگ^۴ (۱۹۶۷؛ نقل از شفیع آبادی، ۱۳۶۱) نیز تأثیر عزت نفس را در پیدایش رفتارهای خاص مورد بحث و بررسی قرار داده اند. به نظر وی، افرادی که عزت نفس پایینی دارند خود را برای انتخاب شغل معینی مستعد و لایق نمی دانند و جهت احراز شغل مورد نظر تلاش نخواهند کرد. این افراد معمولاً می گویند «من چنین فردی هستم، لذا باید به انجام چنان شغلی بپردازم».

نتایج پژوهش سرگ مادر روی دانشجویان نشان داد که خودپنداره و عزت نفس تأثیر زیادی در قدرت جهت گیری اخلاقی دارد. پژوهش دیگر نشان داد که بین عزت نفس دختران با سطح وفای به عهدشان رابطه وجود دارد. اما این رابطه مشخص نشده است. و افرادی که به طور

1. Shamir

2. Berufy

3. Bumeister

4. Kums & Stang

دائم وعده و وعید می دهند و به آن عمل نمی کنند، عزت نفس پایینی دارند.

سرگ مادهر^۱ (۱۹۹۰) بر روی ۱۹۷ دانشجوی در حال تحصیل پژوهشی انجام داد. نتایج نشان داد که جوانانی که جهت گیری مثبتی نسبت به همسالان خود دارند در مقابل سایر جوانان دید مثبت و قابل توجهی از خویشان دارند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۷۸).

در تحقیقی که لوزیا پامبنی^۲ و همکارانش بر روی ۶ گروه همسال شامل ۴۴ پسر و ۳۱ دختر که به صورت گروه های ۱۰ تایی از طبقات مختلف اجتماع انتخاب شده بود مشخص گردید که جوانانی که با گروه همسالان خود ارتباط بیشتری داشته اند دارای شرایط اخلاقی بهتری بوده و مناعت طبع و عزت نفس آنها نیز بالاتر بوده است. همچنین این گروه قادر به حل مشکلات خود بوده و در این راه از حمایت اجتماعی سایرین نیز بهره برده اند. علاوه بر این گروه تغییرات رشدی و فیزیولوژیکی دوران بلوغ را نیز مثبت توصیف نموده اند. در حالی که با گروه همسال خود ارتباط کمتری داشته اند بیشتر مواقع احساس تنهایی و ناامیدی نموده و اغلب قادر به حل مشکلات خود نیستند (کریمی، ۱۳۷۵).

ماکوبی و جاکلین با بررسی جامع تفاوت های جنسی به این نتیجه رسیدند که شباهت دو جنس در عزت نفس تا هنگام نوجوانی به میزان زیادی مشابه هم است.

گرچه اطلاعات مربوط به دوران پس از نوجوانی متناقض است، برخی شواهد نشان می دهند که عزت نفس زنان ممکن است با افزایش سن کاهش یابد (بیابانگرد، ۱۳۷۹).

ناواس^۳ (۱۹۸۱، نقل از بیابانگرد، ۱۳۷۹) با مطالعه بر روی آزمودنی های مذکر و مونث در سنین ۱۸ و ۲۶ سالگی دریافت که زنان کاهش آشکاری در میزان توانایی های لازم برای غلبه بر مشکلات زندگی و مقابله با هیجانات نشان می دهند، در حالی که مردان در این زمینه ها از ۱۸ سالگی به بعد افزایش نشان می دهند.

مانفرد (۱۹۹۴، نقل از صدیقی، ۱۳۸۰) نشان داد که بالاترین سطح افسردگی با پایین ترین سطح عزت نفس مرتبط است. وال سییگ (۱۹۹۴، نقل از نجبائی، ۱۳۷۵) رابطه منفی

1. Serg madbher (1990)

2. Lusia pombeni (1990)

3. Navas

بین اضطراب و عزت نفس را نشان داده اند. یک نیز متذکر می شود که اغلب واکنش های منفی احساسی، ناشی از فقدان عزت نفس است.

افرادی که از عزت نفس بالایی برخوردارند تلاش زیادی می کنند و از توانایی بیشتری برخوردارند (بام گاردنر، لویی، ۱۹۸۸) و این افراد سازگاری بهتری نشان می دهند (دیوی، لاتون، ۱۹۶۱).

از شکست ترس کمتری دارند (اسمیت و یتوان، ۱۹۷۱) از مرگ نیز نمی ترسند (بازانگا و همکاران، ۱۹۸۹) پرخاشگری را به صورت مناسب نشان می دهند (ورچیل، ۱۹۵۸) به رفتارهایی که منجر به علو طبع می شود، دست می زنند (بارون و کولینز، اسمیتز، ۱۹۸۸) شکست ها و موفقیت ها را بهتر پیگیری می کنند (روزنبرگ، ۱۹۷۰) (نصرآبادی، ۱۳۷۳).

گازل (۱۹۷۴، نقل از روشن، ۱۳۷۵) در بررسی خود نشان داده است که کمبود عزت نفس پایدارترین مشاهده گزارش شده در میان اشخاص بیکار است.

رحمتی در سال ۱۳۷۸ در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه بین بزهکاری و افسردگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین بزهکاری و افسردگی رابطه معنی داری وجود دارد.

روح تن در سال ۱۳۷۳ در تحقیقی تحت عنوان مقایسه بزهکاری در بین فرزندان پرخاشگر و غیرپرخاشگر حدود سنی ۱۸ ساله شهرستان رباط کریم که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین فرزندان پرخاشگر و غیرپرخاشگر از لحاظ بزهکاری تفاوت معنی داری وجود دارد.

افراسیابی در سال ۱۳۸۰ در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه بین عزت نفس و کجروی در بین جوانان ۲۰ ساله شهرستان فومن که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین عزت نفس و کجدهلی رابطه معنی داری وجود دارد.

ارجمندی در سال ۱۳۷۲ در تحقیقی تحت عنوان مقایسه عزت نفس در بین دانشجویان خودشکوف و دانش جویان منزوی دانشگاه اصفهان که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین عزت نفس دانشجویان خودشکوف و دانش جویان منزوی تفاوت معنی داری وجود دارد.

بیرامی در سال ۱۳۸۰ که در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه بین بزهکاری و رشد اجتماعی در بین دانشجویان رشته روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر که نتایج به دست

آمده حاکی از آن است که بین بزهکاری و رشد اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق :

جامعه آماری :

جامعه آماری این پژوهش متشکل از جوانان پسر بزهکار مستقر در زندان مرکزی اصفهان در سال ۱۳۹۸ می باشد که دامنه سنی آنان بین ۱۸ تا ۲۷ سال است. و نیز پسران جوان عادی که در شهرستان اصفهان زندگی می کنند.

نمونه آماری :

نمونه آماری این پژوهش عبارت است از ۶۰ جوان که شامل ۳۰ نفر جوان بزهکار و ۳۰ نفر جوان عادی می باشد که دامنه سنی این جوانان بین ۱۸ تا ۲۷ سال می باشد.

روش نمونه گیری :

روش نمونه گیری در پژوهش حاضر بصورت تصادفی ساده است به این شکل که در هر بند در زندان تعدادی آزمودنی انتخاب گردید و همین طور از بین افراد عادی هم تعدادی که کد گزاری شده ند بصورت تصادفی انتخاب گردیده است.

روش آماری :

برای رسیدن به اطلاعات موردنیاز در این تحقیق و یافتن پاسخی مناسب برای پرسش تحقیق و نیز تعیین شاخصهای آماری از روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردیده. در سطح توصیفی با استفاده از مشخصه های آماری نظیر میانگین، انحراف استاندارد، نمودار و جدول به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته و در سطح استنباطی متناسب با سطح سنجش داده ها از آزمون t استیودنت برای گروههای مستقل استفاده شده است.

$$t = \frac{|\bar{x}_1 - \bar{x}_2|}{\sqrt{\frac{s_1^2}{n_1} + \frac{s_2^2}{n_2}}} \quad \text{فرمول } t \text{ استیودنت برای گروه های مستقل :}$$

$\bar{x}_1 = \text{میانگین گروه اول (عادی)}$
 $\bar{x}_2 = \text{میانگین گروه دوم (بزهکار)}$

$$s_1^2 = \text{واریانس گروه اول (عادی)}$$

$$s_2^2 = \text{واریانس گروه دوم (بزهکار)}$$

$$n_1 \ \& \ n_2 = \text{تعداد افراد هر یک از دو گروه}$$

روش تحقیق استفاده شده در تحقیق حاضر از نوع علی - مقایسه ای است .

یافته های تحقیق و تجزیه و تحلیل آنها :

به طور کلی یکی از قسمتهای مهم پژوهش تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش می باشد. و برای انجام این مهم بایستی با استفاده از روشهای مناسب یافته ها و اطلاعات خام را طبقه بندی، خلاصه، تفسیر و قابل فهم نمود. لذا در این پژوهش بعد از تنظیم و توزیع و جمع آوری پرسشنامه، ابتدا نمرات آزمودنی ها در دو گروه عادی و بزهکار طب بندی شده و بعد از جمع نمرات و با استفاده از آمار استنباطی و روش t گروه های مستقل نتایج بدست آمده در جدول ۲ - ۴ آورده شده است.

جدول ۱-۴: نمرات آزمودنی ها از آزمون عزت نفس در بین دو گروه عادی و بزهکار

ردیف	X _۱	X _۲	X _۱	X _۲
۱	۴۰	۲۴	۱۶۰۰	۵۷۶
۲	۴۲	۱۸	۱۷۶۴	۳۲۴
۳	۴۸	۲۰	۲۳۰۴	۴۰۰
۴	۵۰	۲۲	۲۵۰۰	۴۸۴
۵	۳۸	۳۰	۱۴۴۴	۹۰۰
۶	۳۶	۲۴	۱۲۹۶	۵۷۶
۷	۴۲	۲۸	۱۷۶۴	۷۸۴
۸	۴۰	۳۰	۱۶۰۰	۹۰۰
۹	۳۸	۲۲	۱۴۴۴	۴۸۴
۱۰	۳۶	۲۸	۱۲۹۶	۷۸۴
۱۱	۴۴	۲۴	۱۹۳۶	۵۷۶
۱۲	۵۰	۳۲	۲۵۰۰	۱۰۲۴

۱۳	۴۰	۲۸	۱۶۰۰	۷۸۴
۱۴	۳۰	۳۲	۹۰۰	۱۰۲۴
۱۵	۲۴	۳۸	۵۷۶	۱۴۴۴
۱۶	۲۸	۴۲	۷۸۴	۱۷۶۴
۱۷	۳۸	۲۸	۱۴۴۴	۷۸۴
۱۸	۳۲	۳۲	۱۰۲۴	۱۰۲۴
۱۹	۳۴	۲۸	۱۱۵۶	۷۸۴
۲۰	۳۲	۴۲	۱۰۲۴	۱۷۶۴
۲۱	۳۶	۲۵	۱۲۹۶	۶۲۵
۲۲	۳۰	۳۸	۹۰۰	۱۴۴۴
۲۳	۴۲	۳۲	۱۷۶۴	۱۰۲۴
۲۴	۴۴	۲۸	۱۹۳۶	۷۸۴
۲۵	۴۲	۲۴	۱۷۶۴	۵۷۶
۲۶	۴۲	۲۸	۱۰۲۴	۷۸۴
ردیف	X۱	X۲	X۱	X۲
۲۷	۴۸	۲۸	۲۳۰۴	۷۸۴
۲۸	۳۲	۳۲	۱۰۲۴	۱۰۲۴
۲۹	۳۴	۳۰	۱۱۵۶	۹۰۰
۳۰	۳۶	۴۰	۱۲۹۶	۱۶۰۰
۳۱	۴۲	۴۲	۱۷۶۴	۱۷۶۴
۳۲	۳۶	۲۸	۱۲۹۶	۷۸۴
۳۳	۲۸	۳۲	۷۸۴	۱۰۲۴
۳۴	۳۲	۲۸	۱۰۲۴	۷۸۴
۳۵	۴۶	۴۰	۲۱۱۶	۱۶۰۰
۳۶	۴۰	۳۸	۱۶۰۰	۱۴۴۴
۳۷	۳۸	۲۴	۱۴۴۴	۵۷۶
۳۸	۲۶	۲۵	۶۷۶	۶۲۵
۳۹	۳۸	۲۶	۱۴۴۴	۶۷۶
۴۰	۲۴	۳۸	۵۷۶	۱۴۴۴

همانطور که ملاحظه می گردد جهت آزمون فرضیه تحقیق و بررسی عزت نفس در بین جوانان بزهکار و عادی از روش (t) گروه های مستقل در سطح آمار استنباطی استفاده گردیده نتایج آن در جدول ۲-۴ آورده شده است.

جدول ۲-۴: مقایسه عزت نفس در بین جوانان عادی و بزهکار

آزمودنی ها	میانگین	تعداد	T بدست آورده	T جدول	Df	سطح معنی داری
عادی	۳۶/۸۴	۳۰	۲/۳۲۸	۲/۶۷۶	۷۸	۰/۰۵
بزهکار	۲۹/۹۲	۳۰				

همانطور که جدول ۲-۴ نشان می دهد چون t بدست آمده ۲/۳۲۸ از t جدول ۲/۶۷۶ با درجه آزادی ۷۸ در سطح ۰/۰۵ معنی دار است کوچکتر است می توان گفت که فرض صفر تائید شده و بین دو گروه بزهکار و عادی از نظر عزت نفس تفاوت آماری مهنی داری مشاهده نگردیده.

خلاصه و نتیجه گیری :

هدف از پژوهش حاضر بررسی و مقایسه سطح عزت نفس در بین جوانان عادی و بزهکار ۱۸ - ۲۷ ساله شهرستان اصفهان می باشد. در این تحقیق روش اجرای آزمون به صورت گروهی می باشد و آزمودنی ها به صورت تصادفی ساده انتخاب گردیده اند. حجم نمونه این تحقیق شامل ۶۰ نفر آزمودنی پسر (۳۰ عادی - ۳۰ بزهکار) می باشد برای ارزیابی عزت نفس آزمودنی ها از آزمون عزت نفس کوپر اسمیت استفاده شد تعداد سوالات آزمون ۵۸ پرسش است که ۸ سؤال این مقیاس به عنوان دروغ سنج به کار رفته است. روش نمره گذاری بر اساس پاسخ های بلی و خیر انجام پذیرفت. طرح پژوهشی از نوع علی - مقایسه ای است و از روش های آمار توصیفی (میانگین، واریانس و انحراف استاندارد) و آزمون آماری t برای گروههای مستقل به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده ها استفاده شد.

در این پژوهش یک فرضیه مطرح شد که عبارت بود از :

بین عزت نفس جوانان عادی و جوانان بزهکار تفاوت معنی دار وجود دارد.

به منظور بررسی این فرضیه از آزمون t برای مقایسه دو گروه مستقل استفاده شد و مشاهده گردید t محاسبه شده (یعنی ۲/۳۲) از t مبین جدول که ۲/۶۷۶ با درجه آزادی ۷۸

در سطوح اطمینان ۰۵٪ و ۰۱٪ کوچکتر است. بنابراین فرضیه پژوهش رد شد. طبق تحقیقات انجام شده در تحقیق حاضر میتوان تحقیق رحمتی در سال ۱۳۷۸ که تحت عنوان بررسی رابطه بین بزهکاری و افسردگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین بزهکاری و افسردگی رابطه معنی داری وجود دارد که با تحقیق حاضر همخوان بوده است و همین طور تحقیق افراسیابی در سال ۱۳۸۰ در تحقیق تحت عنوان بررسی رابطه بین عزت نفس و کج روی در بین جوانان ۲۰ ساله شهر فومن که نتایج بدست آمده حاکی از آن است که بین عزت نفس و کج روی رابطه معنی داری وجود دارد و بیرامی در سال ۱۳۸۰ که تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه بین بزهکاری و رشد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر که نتایج بدست آمده حاکی از آن است که بین بزهکاری و رشد اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.

محدودیتهای تحقیق :

اگر با دید سیستماتیک به پدیده ها نگاه کنیم، کنترل و پیش بینی کامل پدیده ها هرگز امکان پذیر نخواهد بود، چرا که عوامل بسیار متعددی در یک تحقیق دخیل هستند. یکی از موانع شناخت همه پدیده ها، همانا محدودیت بشر می باشد. این محدودیتها می تواند از امکان وجودی بشر و یا از محدودیتهای ابزار او ناشی گردد.

بنابراین در این تحقیق نیز پژوهشگر با محدودیتهای ذیل روبرو بوده است :

(۱) عدم آشنایی بعضی آزمودنی ها به طرز پاسخ گویی و استفاده از جملاتی مانند بعضی اوقات، شاید و ... در جواب به پرسشها به جای استفاده از بلی و خیر.

(۲) به دلیل محدودیت در زندان از آزمودنی های کمتری برای تحقیق استفاده شد.

(۳) زیاد بودن تعداد سؤالات پرسشنامه، که منجر می شد افراد به سختی قبول به انجام همکاری لازم در جهت پاسخگویی به سؤالات بکنند.

(۴) عدم برداشت یکسان افراد از سؤالات.

(۵) سختگیری و عدم موافقت مسئولین برای اجرای تست در زندانها.

پیشنهادهای:

با عنایت به نتایج تحقیق و محدودیتهایی که پژوهشگر در مراحل مختلف تحقیق با آنها روبرو بوده است و اطلاعاتی که در ضمن پژوهش به دست آمده، پیشنهادات ذیل برای بالا بردن میزان عزت نفس در جوانان و تحقیقات آتی ضروری به نظر می رسد:

۱) پیشنهاد می شود رابطه عزت نفس با بزهکاری در دختران جوانان نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۲) پیشنهاد می شود رابطه عزت نفس با بزهکاری در دختران و پسران در سنین مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

۳) فراهم آوردن زمینه های مناسب برای بالا بردن سطح عزت نفس در بین جوانان.

فهرست منابع :

۱. آرنسون، الیوت. ۱۳۹۸ «روانشناسی اجتماعی». ترجمه حسین شکرکن. تهران. انتشارات رشد..
۲. اتکینسون، ریتال. اتکینسون، ریچارد. ۱۳۹۸ «زمینه روان شناسی». ترجمه محمد تقی براهنی و همکاران. تهران. انتشارات رشد..
۳. احمدی، احمد. ۱۳۹۷ «روانشناسی/اعتماد به نفس». تهران. انتشارات مهرداد..
۴. ارجمندی، محمد پایان نامه کارشناسی. موضوع تحقیق مقایسه عزت نفس در بین دانشجویان خود شکوفا و منزوی دانشگاه اصفهان ۱۳۷۲
۵. اسلامی نسب، علی. ۱۳۹۸ «روانشناسی/اعتماد به نفس». تهران. انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی..
۶. افراسیابی، محمود (موضوع تحقیق بررسی رابطه عزت نفس و کج روی در بین جوانان ۲۰ ساله شهرستان فومن پایان نامه کارشناسی ارشد ۱۳۸۰
۷. بدار، لوک. درایل، ژوزه. لاماش، لوک. ۱۳۹۹ «روان شناسی اجتماعی». ترجمه حمزه گنجی. تهران. انتشارات ساوالان..
۸. بیابانگرد، اسماعیل. ۱۳۹۹ «بررسی ارتباط بین عزت نفس و رشته تحصیلی». تهران. انتشارات پیام نور..
۹. گنجی، حمزه. ۱۳۹۸ «بهداشت روانی». تهران. انتشارات ارسباران..
۱۰. مانفرد، جیمز ۱۳۹۹ جامعه شناسی فردی ترجمه مهدی صدیقی انتشارات نور تهران
۱۱. نجفی توانا، علی. ۱۳۹۹ «جرم شناسی». تهران. انتشارات خیام..

پیوست :

پرسشنامه :

دوست عزیز ...

با سلام

سؤالات این پرسشنامه به ما کمک می کند تا مطالبی را در مورد احساس افراد درباره مسائل مختلف بیاموزیم. خواهشمند است احساس خود را در مورد هر یک از جمله های زیر همانگونه که واقعاً هست از طریق انتخاب پاسخ مناسب علامت بزنید. این پرسشنامه متعلق به یک تحقیق دانشجویی است و نتایج آن محفوظ خواهد ماند.

سن : میزان تحصیلات :

تعداد افراد خانواده :

شما چندمین فرزند خانواده هستید؟

آیا پدر و مادر شما در قید حیات هستند؟

- | | |
|---|--|
| بلی ☐ خیر ☐ | ۱ بیشتر وقت خود را به خیالبافی می گذرانم |
| بلی ☐ خیر ☐ | ۲ خیلی به خودم اطمینان دارم |
| بلی ☐ خیر ☐ | ۳ دوست داشتم فرد دیگری بودم |
| بلی ☐ خیر ☐ | ۴ مردم مرا خیلی دوست دارند |
| بلی ☐ خیر ☐ | ۵ من و خانواده ام، وقتی با هم هستیم خیلی از زندگی لذت می بریم |
| بلی ☐ خیر ☐ | ۶ هرگز بدون علت نگران نمی شوم |
| بلی ☐ خیر ☐ | ۷ صحبت کردن در مقابل گروه برایم خیلی دشوار است |
| بلی ☐ خیر ☐ | ۸ دلم می خواست جوانتر بودم |
| بلی ☐ خیر ☐ | ۹ اگر می توانستم خیلی از ویژگیهایم را عوض می کردم |
| بلی ☐ خیر ☐ | ۱۰ بدون دشواری می توانم تصمیم بگیرم |
| بلی ☐ خیر ☐ | ۱۱ مردم، زندگی با من را خوشایند می دانند |

۱۲	در خانه خیلی زود عصبانی می شوم	☐ بلی ☐ خیر
۱۳	همیشه آنچه را که لازم است انجام می دهم	☐ بلی ☐ خیر
۱۴	به کاری که دارم افتخار می کنم	☐ بلی ☐ خیر
۱۵	لازم است همیشه یکی به من بگوید چه کار کنم	☐ بلی ☐ خیر
۱۶	مدتها وقت لازم دارم که با شرایط جدید سازگار شوم	☐ بلی ☐ خیر
۱۷	اغلب به کارهایی که انجام می دهم تأسف می خورم	☐ بلی ☐ خیر
۱۸	در میان همسالان خود از همه محبوبتر هستم	☐ بلی ☐ خیر
۱۹	خانواده ام اغلب به احساسات من توجه می کنند	☐ بلی ☐ خیر
۲۰	هرگز غمگین نمی شوم	☐ بلی ☐ خیر
۲۱	کارم را به بهترین وجه انجام می دهم	☐ بلی ☐ خیر
۲۲	به آسانی کارم را ول می کنم	☐ بلی ☐ خیر
۲۳	معمولاً مواظب خودم هستم	☐ بلی ☐ خیر
۲۴	تا اندازه ای شاد هستم	☐ بلی ☐ خیر
۲۵	دوست دارم با افراد جوانتر از خودم معاشرت کنم	☐ بلی ☐ خیر
۲۶	خانواده ام خیلی به من امید بسته اند	☐ بلی ☐ خیر
۲۷	همه کسانی را که می شناسم دوست دارم	☐ بلی ☐ خیر
۲۸	وقتی در جمع هستم، دوست دارم صدایم کنند	☐ بلی ☐ خیر
۲۹	خودم را درک می کنم	☐ بلی ☐ خیر
۳۰	برایم خیلی دشوار است که خودم باشم	☐ بلی ☐ خیر
۳۱	زندگی من کاملاً نامنظم است	☐ بلی ☐ خیر
۳۲	معمولاً مردم توصیه های مرا به کار می برند	☐ بلی ☐ خیر
۳۳	در خانه، کسی عملاً به فکر من نیست	☐ بلی ☐ خیر
۳۴	هرگز خودم را سرزنش نمی کنم	☐ بلی ☐ خیر
۳۵	آن طور که لازم است کار نمی کنم	☐ بلی ☐ خیر

۳۶	می توانم نظر بدهم و خودم نیز به آن عمل کنم	☐ بلی ☐ خیر
۳۷	واقعاً دوست ندارم یک زن (مرد) شوم	☐ بلی ☐ خیر
۳۸	در مورد خودم یک عقیده کمی فریبنده دارم	☐ بلی ☐ خیر
۳۹	دوست ندارم همراه دیگران باشم	☐ بلی ☐ خیر
۴۰	اغلب به ترک خانه فکر می کنم	☐ بلی ☐ خیر
۴۱	هرگز مورد مزاحمت قرار نگرفته ام	☐ بلی ☐ خیر
۴۲	اغلب احساس می کنم عصبانی هستم	☐ بلی ☐ خیر
۴۳	اغلب از خودم خجالت می کشم	☐ بلی ☐ خیر
۴۴	برخلاف اکثر مردم، ظاهر خوبی ندارم	☐ بلی ☐ خیر
۴۵	وقتی چیزی برای گفتن دارم، معمولاً می گویم	☐ بلی ☐ خیر
۴۶	مردم، اغلب مرا آدم مهمی می دانند	☐ بلی ☐ خیر
۴۷	خانواده ام مرا درک می کنند	☐ بلی ☐ خیر
۴۸	همیشه حقیقت را می گویم	☐ بلی ☐ خیر
۴۹	کارفرما یا رئیس به من می فهماند که لیاقت ارتقاء را نداشتم	☐ بلی ☐ خیر
۵۰	آنچه برایم اتفاق می افتد بی تفاوتی می کند	☐ بلی ☐ خیر
۵۱	آدم کم استعدادی هستم	☐ بلی ☐ خیر
۵۲	وقتی دیگران چالپوسی می کنند به شدت عصبانی می شوم	☐ بلی ☐ خیر
۵۳	اکثر مردم بیشتر از من محبوب هستند	☐ بلی ☐ خیر
۵۴	اغلب احساس می کنم که خانواده ام پشت سرم حرف می زنند	☐ بلی ☐ خیر
۵۵	همیشه می دانم که به مردم چه بگویم	☐ بلی ☐ خیر
۵۶	اغلب دلسرد می شوم	☐ بلی ☐ خیر
۵۷	مردم نمی توانند به من اعتماد کنند	☐ بلی ☐ خیر
۵۸	هرگز پشت سر دیگران حرف نمی زنم	☐ بلی ☐ خیر

علت شناسی قتل های سریالی

(نمونه پژوهی قتل های فرید بغلانی قاتل سریالی زنان با تاکید بر جایگاه ویژه بزه دیدگان)

میثم طهماسبی سرقلی نوترکی*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹	شماره صفحه: ۸۲-۱۰۸
-------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------

زمینه پژوهش: جرم قتل از آن دسته از جرائم طبیعی است که سابقه طولانی در میان انسانها دارد ارتکاب این جرم توسط افراد، امنیت جامعه را شدیداً مختل می سازد قتل های سریالی نوعی متفاوت در ارتکاب جرم قتل عمد است که قاتل به کشتن یک فرد اکتفاء نمی کند. قتل های سریالی عموماً با انگیزه هایی همچون انتقام، قتل های ایدئولوژیکی، یا قتل های سازمان یافته صورت می پذیرند.

روش تحقیق: پژوهنده در به ثمر رساندن این فعالیت پژوهشی از روش پژوهش کیفی فراتحلیلی سود جسته و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه ای بوده و ابزار کار پژوهنده نکته برداری بوده است.

یافته ها و نتایج پژوهش: پژوهنده در این اثر پژوهشی با نظر بر یکی از طرح های سنخ شناسی که بیانگر شناسایی انگیزه قاتلان سریالی در ارتکاب قتل های شان است حالت های خاص روحی و روانی قاتل سریالی فرید بغلانی را مورد تفقد قرار داده و ذیلاً اظهار می دارد که علی رغم آن که تاکنون محققین در بررسی قتل های سریالی توجه ویژه ای به شخصیت قاتل داشته اند برای

* کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران. ایمیل: 57meysamtahmasebi@gmail.com

پیشگیری از ارتکاب این جرم امری اقناع آور نبوده بلکه اینک باید به جایگاه ویژه بزه دیدگان این جرم برای پیشگیری از قتل های سریالی توجه داشت. در راستای تحقق اهداف این اثر پژوهشی، پژوهنده بر قتل های سریالی قاتل سریالی فرید بغلانی تاکید ویژه ای خواهد داشت.

واژه های کلیدی: فرید بغلانی، قتل های سریالی، بزه دیده، اختلال های روانی

مقدمه

با پیشرفت علوم و گسترش روزآمد مباحث علمی در میان فضای آکادمیک و دانشگاهی، جوامع، توسعه چشمگیری یافتند. با گسترش جامعه، طبیعی است که نرخ رشد جرایم هم افزایش پیدا می کند پس این حالت، درخوره آن است که با نگاهی تحلیلی بر رشد جرایم و کشف دلایل ارتکاب آن، از وقوع یا حداقل از گسترش آن جلوگیری کرد. حال پدیده جرم را می توان در ابعاد وسیعی با دیدگاه سایر علوم از جمله : علم حقوق، علم جامعه شناسی، علم روانشناسی، علم جغرافیایی، علم جرم شناسی و.... مورد تحلیل و بررسی قرار داد. نگارنده در پژوهش فعلی از دیدگاه علومی چون : حقوق ، روانشناسی جنایی ، و جرم شناسی الهام گرفته است . بر مبنای سه علم فوق می توان سه نتیجه کوتاه از ماهیت جرم به دست آورد؛ جرم از دیدگاه علم حقوق زمانی محقق می شود که مقرر ای قانونی توسط احد یا گروهی از افراد جامعه به وقوع بپیوندد و نظم جامعه را مخدوش نماید . از دیدگاه روانشناسی جنایی جرم محصول اختلالات روانی فرد است این اختلالات ممکن است ریشه در زمان کودکی فرد داشته باشد یا ممکن است واقعه ای سبب بروز حالاتی در فرد شده باشد که عدم توانایی شخص در کنترل این حالت ها و گذر مطلوب وی از آن ، سبب ساز وقوع جرم از جانب وی شده باشد. از دیدگاه جرم شناسی ، جرم یک پدیده است که باید به صورت علمی مورد بررسی قرار گیرد نتیجه این عمل می تواند منعدم کننده شرایط یا اوضاعی در جامعه باشد که سبب ساز وقوع جرم شده است. حال از دیدگاه علوم جزایی جرایم بر سه دسته تقسیم بندی شده اند که عبارت اند از : ۱- جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص. ۲- جرایم علیه اموال . ۳- جرایم علیه امنیت . (رایجیان اصلی ، ۱۳۹۸، ص ۱۷) در این پژوهش با در نظر گرفتن دسته بندی فوق و الهام گرفتن از سه شاخه علمی یاد شده، جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص که فی الحال منظور و مقصود از آن ارتکاب قتل و در مفهوم وسیع تر قتل های سریالی است از جوانب مختلف مورد تحلیل قرار می گیرد. قتل از جمله جرایمی است از حیث موجودیت سابقه بسیار طولانی در میان انسان ها دارد به طوری که می توان گفت از زمان خلق

بشر تاکنون این فعل در میان انسان ها رواج دارد البته جرم دیگری نیز مانند سرقت هم از حیث موجودیت می توان آن را هم رده قتل دانست، چرا که از روزگاران پیشین تا به امروز اگر به طور قطع هم نتوان گفت اما درصد قریب به اتفاقی از سرقت ها برای مرتفع ساختن نیاز های فرد سارق است که در حال و اوضاع معمول و به صورت قانونی شخص سارق نتوانسته آن شی یا کالا را بدست آورد و در نهایت مرتکب سرقت آن شده است. آنچه در باب تعریف قتل میتوان ذکر کرد این است که : قانونگذار هیچگاه نه پیش از انقلاب و نه پس از آن ، قتل را تعریف نکرده، بلکه صرفا به ذکر مصادیق و مجازات آن اکتفاء نموده است این امر شاید به این جهت باشد که قانون مجازات اسلامی با ابتناء بر فقه اسلامی تدوین یافته و بزه قتل همچون اکثر جرایم در کتاب ها و منابع فقهی و حقوقی به تفصیل مورد توجه واقع و تعریف شده است یا از فرط وضوح اساسا نیازی به تعریف آن نبود است. (مرادی ، ۱۳۹۶، ص ۳۳) اما با این حال با توجه به علم لغت شناسی می توان به تفکیک معنای قتل و قتل های سریالی دانست و بر وزن آنها به معنای اصطلاحی دقیق آن دست یافت . در فرهنگ های لغت ، این واژه معنا شناسی نشده لیکن با تفکیک دو واژه « قتل » و « سریالی » می توان معنای لغوی این نوع قتل را شناسایی کرد . قتل در برخی از لغتنامه ها عبارت دانسته شده از « کشتن و مقتول ساختن » و صفت « سریالی » نیز دلالت بر سلسله اقداماتی که در طول زمان به دفعات تکرار می شوند « می کند . بنابراین قتل سریالی را از حیث لغوی می توان سلسله قتل های متعدد ارتكابی دانست . (فرزانه و فروتن ، ۱۳۹۴، ص:۳). پس از ذکر مختصری از تعریف لغتی قتل سریالی ، نوبت به تعریف اصطلاحی این عمل می رسد، البته قتل سریالی تعریف واحدی در میان صاحب نظران ندارد و هرکس به گونه ای این عمل را تعریف کرده است. جان داگلاس دانشمند قسمت علوم رفتاری پلیس فدرال آمریکا قتل سریالی را این گونه تعریف می کند : « قتل هایی که حداقل در سه وهله اتفاق می افتند . یک دوره فروکشی عاطفی بین هر واقعه قتل وجود دارد و هر واقعه از لحاظ احساسی متمایز می باشد . » (فرزانه و فروتن ، ۱۳۹۴ ، ص: ۴) به صورت خلاصه می توان گفت این تعاریف مختصرا قتل سریالی را از لحاظ لغتی و اصطلاحی شرح داده است . پس از ذکر تعریف مختصری از معنای لغو و اصطلاحی قتل های سریالی به سراغ پیشینه ای ارتكاب این شیوه از قتل ها می رویم . تاکنون افرادی که مرتکب قتل های سریالی شده اند محدود به یک سرزمین یا یک اقلیم خاص نبوده اند به طوری که می توان ادعا کرد در کشور های زیادی از دنیا این واقعه تلخ توسط بزهکاران محقق شده است. به دلیل فروانی تعداد قتل های سریالی در سایر کشور ها و عدم اطلاعات کافی از سخن

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر از شخصیت و جریانات قتل های علی اصغر بروجردی می توان به این وب سایت : <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/174108/%D8%B9%D9%84%D9%8A%E2%80%8C%D8%A7%D8%B5%D8%BA%D8%B1-%D8%A8%D8%B1%D9%88%D8%AC%D8%B1%D8%AF%D9%8A-%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%88%D9%81-%D8%A8%D9%87-%D8%A7%D8%B5%D8%BA%D8%B1-%D9%82%D8%A7%D8%AA%D9%84>

است که هریک از خلاء های روحی و روانی که چه از زمان کودکی و چه در زمان حال برایشان به وجود آمده بود رنج می بردند. برخی از آن ها آرامش خود را در کشتن افراد می دیدند. اگر سرگذشت برخی از ایشان بادیدهای روانشناسانه مورد بررسی قرار گیرد این مفهوم محرز می شود که قاتلین سریالی ای که، پیش از عمل قتل به مقتول خود تجاوز کرده اند و اکثر مقتولین دارای سن کمی بوده اند نشان از آن دارد که خود در کودکی قربانی این عمل یعنی تجاوز جنسی بوده و در زمان حال برای رفع خلاء ای که در کودکی برای آنها به وجود آمده، مرتکب تجاوز به کودکان و در نهایت قتل آنان شده است. «محمد بسیجه ملقب به بیجه»^۱ از آن دسته از قاتلین و متجاوزینی بود که متأسفانه در خلال سال ۱۳۸۳ مرتکب ۲۲ فقره قتل و تجاوز شد براساس گفته های وی، او در کودکی سه مرتبه مورد تجاوز جنسی قرار گرفته که می توان این عامل را محرک اصلی برای انجام عمل تجاوز جنسی به مقتولین خود پیش از کشتن آن ها قلمداد کرد. در خصوص پیشینه پژوهشی این اثر حول محور قتل های سریالی با مضامین و دیدگاه های خاص، آثار علمی-پژوهشی متفاوتی در سال های اخیر توسط پژوهشگران محترم نگاشته شده است که ذیلا به ذکر نام برخی از آن می پردازیم:

۱. غلاملو، جمشید. قاتل سریالی، بیمار روانی مسئول؛ جستاری در سیاست کیفری ناظر به قتل های سریالی

۲. غلاملو، علت شناسی قتل های سریالی بر مبنای اختلالات شخصیتی.

۳. عابدینی، زین العابدین، ویژگی های شخصیتی مجرمین خطر ناک

۴. بیابانی، غلامحسین، قتل های زنجیره ای و گروهی؛ انگیزه ها و تفاوت ها.

علاوه بر آثار ذکر شده موارد دیگری نیز وجود دارد، اما آن چه ماهیت این اثر پژوهشی را نسبت به سایرین متمایز می سازد به شرح ذیل است (وجه افتراق):

۱. بررسی موردی اختلال های روانی قاتل و تاثیر آن ها در تبدیل شدن وی به یک قاتل سریالی (از کودکی تا هنگام ارتکاب قتل)

۱. در خصوص اطلاع از شخصیت و جریانات مربوط به قتل ها محمد بسیجه می توان به این وب سایت رجوع کرد: <https://www.barkhat.news/social/163238034367/garlic-to-onion-bijeh-pakdasht-serial-killer-of-children-photo-of-the-moment-of-execution>

۲. گونه شناسی بزه دیدگان آسیب پذیر (با تاکید بر گونه شناسی قربانیان فرید بغلانی)

۳. ذکر کردن عملکرد های قاتل در خصوص نحو اعمالش از زبان خود او.

مجموع ادله فوق محرک ذهنی پژوهنده حاضر، در نگاشتن این اثر پژوهشی بود است. فی الحال هدف از نگارش این مقاله در ضمنه آن که قتل های سریالی فرید بغلانی علت شناسی می شود بر جایگاه بزه دیدگان این قتل ها تاکید ویژه ای می شود و در نهایت راهکار هایی برای پیشگیری از وقوع قتل هایی سریالی یا حداقل کاهش آن در سطح جامعه ارائه می باشد. قتل از آن دسته از جرایمی است که بشدت وجدان جمعی افراد جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد اما تاثیر قتل های سریالی را می توان از قتل های دیگر بر سلامت و امنیت جامعه بسیار فراتر از ارتکاب یک فقره قتل دانست اصولا قتل های سریالی پدیده ای نادر هستند اما حتی سال ها سنگینی رفتار یک بزهکار که مرتکب قتل سریالی در یک جامعه شده است بشدت احساس می شود و روح و روان آن جامعه را تحت تاثیر خود قرار می دهد. علیحده با توجه به آن که تبعات این عمل بسیار ضربه مهلکی بر پیکره جامعه وارد می سازد می طلبد تا قانونگذار با بهره گیری از پژوهش های علمی و نظرخواهی از اساتید در سایر علوم سیاستی مناسب و درخور ، در تقابل با این پدیده حاد مجرمانه اتخاذ کند تا دیگر شاهد تحقق همچنین مواردی در سطح جامعه نباشیم.

روش پژوهش

پژوهنده در به ثمر رساندن این فعالیت پژوهشی از روش پژوهش کیفی فراتحلیلی سود جسته و شیوه گردآوری اطلاعات «کتابخانه ای» بوده و ابزار کار پژوهنده « نکته برداری » بوده است.

۱. مفهوم شناسی و تعریف لغوی و اصطلاحی قتل های سریالی

اولین معیار تفکیک قتل های سریالی نسبت به سایر انواع قتل که برای ما می تواند مشخص کند که قتل به صورت سریالی است یا خیر شمار مقتولین است. در باب تبیین مفهومی قتل های سریالی ، میان حقوقدان و فعالین در این حوزه وحدتی وجود ندارد اما بر اساس عناصری که بیشترین تکرار و اشتراک را در تعاریف وارد شده داشته اند می توان تعریف واحدی ارائه نمود. که در ادامه به تفکیک به بررسی لغوی و اصطلاحی قتل های سریالی پرداخته خواهد شد.

۱-۱) بند اول مفهوم لغوی قتل های سریالی :

در فرهنگ های لغت ، قتل های سریالی ، معنا شناسی نشده است اما با تفکیک دو واژه « قتل » و «سریالی» می توان معنای این نوع قتل را شناسایی کرد .قتل در برخی از لغتنامه ها عبارت دانسته شده از « کشتن و مقتول ساختن» و صفت «سریالی» نیز دلالت بر سلسله اقداماتی که در طول زمان به دفعات تکرار می شوند می کند. بنابراین قتل سریالی را از حیث لغوی می توان سلسله قتل های متعدد ارتكابی دانست (فرزانه و فروتن ، ۱۳۹۴ ص ۳).

۱-۲) بند دوم مفهوم اصطلاحی قتل های سریالی

در دو دهه اخیر تعاریف متعددی از پدیده قتل سریالی توسط مقامات قضایی، جرم شناسان، روانشناسان و محققین ارائه شده است. این تعاریف ضمن دارا بودن زمینه های مشترک، نسبت به بعضی مقوله ها و موارد خاص با هم تفاوت دارند . (قنبری، ۱۳۹۴، ص ۱۳) جان داگلاس دانشمند قسمت علوم رفتاری پلیس فدرال آمریکا قتل سریالی را این گونه تعریف می کند « قتل هایی که حداقل در سه وهله اتفاق می افتند .یک دوره فروکشی عاطفی بین هر واقعه قتل وجود دارد و هر واقعه از لحاظ احساسی متمایز می باشد» (فرزانه و فروتن، ۱۳۹۴، ص ۴). «اگر» از دیگر محققان پلیس فدرال آمریکا این تعریف را از قتل های سریالی ارائه داده است « حداقل دو قتل بر مبنای خیال پردازی اضطرابی که در زمان ها و مکان های مختلفی رخ می دهند و هیچ رابطه ای بین قربانی و قاتل وجود ندارد و هیچ منفعت مالی نیز برای قاتل متصور نیست» (فرزانه، ۱۳۹۵، ص ۱۲). با درنظر داشت مفاهیم و تعاریف فوق یک تعریف جامع تری می توان ارائه داد که از ایراداتی که به هریک از تعاریف فوق وارد است ، جدا باشد. « قتل غیر قانونی و عمدی سه نفر یا بیشتر توسط مجرم یا مجرمان واحد ، طی وقایع و دفعات جداگانه و با انگیزه های شخصی دانست » در واقع، با معیار « وقایع جداگانه »، قتل هایی که در آن تعدادی قربانی طی یک واقعه کشته می شوند از شمول بحث خارج می شوند؛ همچنین با معیار « انگیزه شخصی »، قتل های افرادی که فارغ از تنش ها و نیاز های درونی و برای افراد یا سازمان های جنایی مرتکب قتل می شوند یا قتل های نظامیان در جنگ ، قتل سریالی محسوب نمی شوند. (غلاملو، ۱۳۹۰، ص ۱۳۳). بنابراین با بهره گیری از مفاهیم فوق دانستیم آن مولفه هایی که سبب تفکیک قتل های سریالی از سایر قتل ها می شوند ملاک های تعدد مقتولین ، دفعات تکرار ، و انگیزه های شخصی است.

۲. بررسی یکی از طرح های سنخ شناسی هولمس و هولمس

برای آن که بتوان به صورت دقیق با تفکرات و عقاید و انگیزه های شخصی قاتلین سریالی آشنا شد، باید با هر نوع از انواع تفکرات یا احتمالا اینکه قاتلین سریالی از چه بیماری های روحی و روانی، رنج میبرند آشنا شویم. این امر سبب می شود تا ما در خصوص شخصیت قاتلین سریالی و اوضاع و احوال جسمی و روحیشان اطلاعات کافی کسب کرده، و با استفاده از این اطلاعات در جهت پیشگیری از تشکیل یک شخصیت مجرمانه حاد تحت عنوان یک قاتل سریالی، به جامعه از این حیث یاری رسانیم. یکی از محبوب ترین طرح های سنخ شناسی که به طور گسترده تحقیقات زیادی روی آن انجام شده، طرح رونالد تی و استفان تی. هولمس (۱۹۹۸) می باشد. که بر پایه تحقیقات قبلی (هولمس و دبورگر ۱۹۸۸) ساخته شد، و از داده های ۱۱۰ قاتل زنجیره ای، از جمله مصاحبه ها، استفاده کردند. طرح سنخ شناسی آنان چهار تیپ متمایز از قاتلان زنجیره ای را فراهم کرده است: ۱- ناجی ۲- موهبتی ۳- لذت جو ۴- قدرت و کنترل. که قاتل لذت جو خود به دو گروه، قاتل شهوانی و قاتل هیجانی تقسیم می شود.

در این مدل، قاتلان زنجیره ای یا به کنش - متمرکز یا فرایند - متمرکز، طبقه بندی می شوند. برای انجام دهنده، یا کسی که قتل را سریعاً انجام می دهد، عمل کشتن فقط به خاطر خود کشتن است. دلایل قتل های شان خارج از قربانی های خاصی که انتخاب می کنند هستند (یا بهتر است بگوییم ربطی به قربانی های مشخصی که انتخاب می کنند ندارد). آنها برای بدست آوردن هدفی والا تر دست به قتل میزنند. قربانی هایشان چیزی بیشتر از وسیله ای ضروری برای یک پایان لذت بخش نیستند. (ام. هرمنینگ، ۱۳۹۹، ص ۲۵). این طبقه بندی شامل تیپ های زیر می شود:

۱-۲) قاتل متوهم

این فرد معمولاً از نوعی بیماری روانی - شایع ترینش اسکیزوفرنی - رنج می برد. آنها قتل های شان را به دستور صدا یا تصویری، که معمولاً فرشته، شیطان یا موجود فضایی است انجام می دهند. اغلب اوقات موضوع زیر بنایی قتل های شان جنگ بین خوب و بد است. قاتلان متوهم، به دنبال ارتباط با قربانی های شان، هرچند که وحشت آور، نیستند. اغلب، قربانی های شان افرادی بی نام و نشان هستند که برای رسیدن به اهداف توهمی شان باید کشته شوند. بنابراین آنها بیشتر بر چرایی قتل های شان متمرکز هستند تا به چگونگی آن.

ام.هرمنینگ، ۱۳۹۹، ص ۲۵)

۲-۲) قاتل ناجی

این قاتلان به مسئولیت خود می دانند تا جامعه را بنا به دلایلی خاص از دست گروه خاصی از مردم برهانند. همانند قاتل متوهم، آن ها هدف والاتری را در اعمالشان می بینند و هرگونه ارتباط با قربانی های شان دارای پی آمد کمی برای آنهاست. نمونه اش کارگر مراقبت های بهداشتی، یا شاید حتی پزشکی است که بیماران مریض دم مرگ را به قتل می رسانند چرا که باور دارند این بیماران باری بر دوش جامعه هستند، و به همین دلیل بهتر است که زندگی شان به اتمام برسد، یا نوعی پرهیزکاری در رها کردن آنها از رنج و عذاب می بینند. بقیه قاتلان ناجی ممکن است برای ریشه کن کردن فاحشه ها از خیابان شهرشان، یا کلیه یک گروه قومی، تلاش کنند. آنها همچنین ممکن است نوع خاصی از افراد را به خاطر اینکه بقیه به خاطرشان سرزنش خواهند شد، یا نوعی تعارض اجتماعی ضروری به وجود خواهد آمد به قتل برسانند. (ام.هرمنینگ، ۱۳۹۹، ص ۲۶ و ۲۵).

۳-۲) قاتل لذت جو^۱

این قاتلان اعمال شنیع شان را به خاطر شور و هیجانی خالص برای کشتن انجام می دهند. هولمس و هولمس استدلال کرده اند که این تیپ، اکثریت قاتلان زنجیره ای شناخته شده به حساب می آیند. آنها این طبقه بندی را به دو زیرگروه تقسیم می کنند: قاتلان شهوانی و هیجانی. قاتل شهوانی کسی است که در رابطه با قتل هایش رضایت جنسی می گیرد. اغلب اوقات این قاتلان در اعمال جنسی پس از مرگی درگیر می شوند زیرگروه دیگری که خیلی به این زیرگروه نزدیک است قاتل زنجیره ای است که فقط به خاطر شور و هیجان کشتن دست به قتل می زند. این افراد اغلب قربانی های شان را شکنجه می کنند، و در حالی ممکن است، اغلب به قربانی های شان به صورت جنسی تجاوز هم کنند، انگیزه اولیه آنها بدست آوردن رضایت جنسی نیست، بلکه هیجان شدیدی که هنگام کشتن احساس می کنند است. (ام.هرمنینگ، ۱۳۹۹، ص ۲۶).

۱. قاتل سریالی فرید بغلانی را می توان یک قاتل لذت جو معرفی کرد.

۲-۴) قاتل قدرت و کنترل

این تیپ از قاتلان توسط قدرت و کنترولی که روی قربانی های شان دارند تحریک می شوند. این افراد قاتلان کند و آهسته هستند، و ممکن است قربانی های شان را برای مدت طولانی زنده نگه دارند و آنها را شکنجه ، به آنها تجاوز و یا به صورت روان شناختی آنها را شکنجه دهند. آنها توسط احساسات {قدرت تام} و دانستن اینکه آنها روی مرگ و زندگی قربانی های شان قدرت کامل دارند، به هیجان می آیند. برای آنها ، فقط التماس کردن قربانی برای زندگی اش و نشان دادن ترس شدید ، شور و تهییج شان را ارضا می کند. تنها وقتی که قربانی در نهایت تسلیم می شود و سرنوشت ناگزیرش را قبول می کند، این تیپ قاتل ها شروع به از دست دادن احساسات قدرت و کنترل خود می کند. این معمولاً زمانی است که کشتن فرا می رسد. (ام.هرمنینگ، ۱۳۹۹، ص ۲۶).

نمونه پژوهی

پس ذکر طبقه بندی هولمس و هولمس ، براساس طبقه سوم یعنی {قاتل لذت جو} قصد انجام یک نمونه پژوهی داریم. نمونه پژوهی /مورد کاوی یعنی ما به طور خاص براساس یک نظریه ، بگوئیم شخصیت ، نوع تفکر یا شیوه و منش شخص یا اشخاص مزبور منطبق با اصول یک نظریه خاص است. که درحال حاضر شخصیت و افعال ،فرید بغلانی به عنوان یک قاتل سریالی ، با طبقه سوم از سنخ شناسی فوق ، تطبیق داده می شود.

فرید بغلانی:

فرید بغلانی از قاتلین سریالی ایران است که مجموع قتل هایش را در بهمنشیر، آبادان و خرمشهر به انجام رسانده است ، متأسفانه وی قاتل ۱۵ انسان با جنسیت زن و یک پسر بچه است. پس از دستگیری در فرایند دادرسی، زمانی که بازپرس پرونده از وی خواست تا از شرایط روحی و روانی و اوضاع و احوال زندگی خود بگوید او این چنین لب به سخن گشود {اسم کتاب زندگی ام را «هم راز سایه های غم» بگذارید؛ زیرا غم شریک زندگی ام است . با روح و روان من عجین شده و در واقع عنصر حیاتی برای روانم بوده است . شاید اگر بگویم غم برایم امری حیاتی است ، برای کسی قابل باور نباشد . زندگی ام بدون آن یا از دست دادن آن یعنی همان مرگ حقیقی من مرگ حقیقی برای انسان، مرگ امید است.} (مزرعه، ۱۳۹۳، ص ۲۲۷). بغلانی از ابتدای کودکی

درگیر معضلات شدید خانوادگی بوده به طوری که مکرراً از جانب پدر و مخصوصاً مادره خود مورد نامهربانی قرار می گرفت، مادرش حتی بین وی و برادر دیگرش فرق می گذاشت و مهر و محبتی را که نثار برادرش می کرد نسبت به فرید نداشت. گاهی این نامهربانی ها منجر به این مساله می شد که علاوه بر آن که علاقه ای را به فرزند خود ابراز نمی کرد بلکه گاهی زمینه ای را فراهم می ساخت که فرید توسط پدرش به شدت کتک بخورد. فرید زمانی که به واسطه ی دسیسه های مادرش از پدر خود کتک می خورد، بشدت از مادر خود بیزار می شد و در پی آن بود که به هرطریقی به وی ضربه بزند فرید می گوید { یک روز من به همراه برادرم حسین به رودخانه رفته بودیم. کمی دیر کردیم، مادرم خیلی نگران حسین بود. بعد از چند ساعت برگشتیم. دوستم که همراه ما بود به مادرم گفته بود که حسین و فرهاد { فرهاد اسم مستعار فرید در کتاب است } به سمت رودخانه رفتند. ما که برگشتیم پدرم سرکار بود وقتی از کار برگشت، مادرم قضیه رفتن به رودخانه و دیر کردن ما را به پدرم گفت و او هم با عصبانیت و ناراحتی به طرف من آمد و در جلوی مادرم با یک چوب سخت و محکم مرا خیلی کتک زد حتی آثار ضربه ها برای مدت ها بر بدنم ماندند. در آن لحظات، مادر بزرگم رسید و جلوی پدرم را که داشت مرا به سختی می زد، گرفت. من فقط گریه می کردم و باعث کتک خوردنم را مادرم می دانستم. روز بعد می خواست یکی از بزغاله های مادرم را توی رودخانه بیندازم ولی این کار را نکردم. همان روز مادرم برای پختن نان تنور را از هیزم پر کرد و آتش زد، آتش تنور بسیار زیاد بود، من در کنار درختی ایستاده بودم. همین که مادرم به داخل خانه رفت من به سرعت بزغاله را گرفتم و به داخل تنور انداختم. با سر و صدای بزغاله مادرم بیرون آمد و بزغاله را از تنور بیرون آورد اما بزغاله از چند جا سوخته بود و مادرم خیلی ناراحت شد... { (مزرعه، ۱۳۹۳، ص ۲۳۲ و ۲۳۱). از دیگر افعالی که می توان با بازگو کردن آن نتیجه گرفت که فرید لذت و آرامش خود را در کشتن حیوانات می یافت { بدوا برای اذیت و آزار مادرش } که البته بعد ها قربانیانش به جای حیوان به انسان تبدیل شدند، چراکه بر اثر کینه و عداوتی که از زن ها به دل گرفته بود، جز با کشتن آنها آرامش خاطر نمی یافت. در نهایت اولین گامش را برای کشتار از حیوانات شروع کرد { او می گوید: در سن ۹ یا ۱۰ سالگی چند تا توله سگ داشتم که در نخلستان بودند. یک روز که عصبانی و ناراحت بودم و به تنهایی به نخلستان رفته بودم، آن جا خلوت بود. یکی از توله سگ ها را با طنابی از گردن به درخت توت آویزان کردم و با یک چوب آنقدر به شکم و سرش زدم تا اینکه مرد. زمانی که او را می زدم احساس می کردم که از درون راحت می شوم. سپس او را از درخت پایین آوردم و

در کنار نخلی دفن کردم ... (مزرعه ، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱ و ۲۳۰). پس از ذکر موارد فوق ، می توان به اینسان نتیجه گرفت، از آنجایی که قاتل لذت جو، لذت خود را در کشتن می بیند و گاهی به مقتولین خود تجاوز هم می کند می توان این نتیجه را گرفت که این تعریف با شخصیت فرید بغلانی قابل جمع است چرا که به گفته خود او { در زمان اولین قتلش « اولین مقتول یک پیرزن بود» ، او قتل های خود را با زدن یک میله آهنی یا یک جسم سخت به سر مقتول به انجام می رسانید وی پس از اولین قتل می گوید : میله را با دو دست گرفتم و بی رحمانه به او می زدم تا به زمین افتاد. هر ضربه ای که می زدم حس می کردم روح و روانم راحت تر و آرام تر می شد ... { (مزرعه، ۱۳۹۳، ص ۱۴۵) و در اکثر قتل هایش مقتولین خود را مورد تجاوز هم قرار می داد. النهایه آن که بنظر می رسد فرید بغلانی در طبقه بندی قاتلین لذت جو قرار می گیرد چرا که آرامش و لذت خود را در گرو کشتن انسان ها می دید.

۳. اختلال های روانی فرید بغلانی از سنین کودکی تا هنگام ارتکاب قتل

در این مبحث به تفکیک اختلال های روانی که قاتل سریالی فرید بغلانی از بدو کودکی بدان مبتلا بود مورد بررسی قرار می گیرد. این نکته قابل توجه است که وجود همچنین اختلال هایی در وی و عدم توجه خانواده اش به او، علی رغم نشان دادن علائم اختلال روانی که خود زمینه به وجود آورنده حالت خطرناک مزمن و دائم^۱ است، نتیجتاً توانست وی به سمت خشن ترین جرائم سوق دهد.

۳-۱) بند اول : اختلال افسردگی

در بررسی دوره های مختلف زندگی جانی سریالی فرید بغلانی، مشخص شده است که

۱. مفهوم حالت خطرناک دائم و مزمن: در این حالت، وضع روانی و اخلاقی فرد که او را به سمت ارتکاب جرم و اعمال ضد اجتماعی سوق می دهد، دائمی و ثابت است. (صلاحی، ۱۳۹۵، ص ۲۴۴)

وی از همان دوران کودکی تا حین ارتکاب قتل هایش از افسردگی مزمن^۱ رنج می برده است. (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۰)

۳-۲) بند دوم: اختلال سلوک :

برابر بررسی های به عمل آمده در دوران نوجوانی زندگی این قاتل سریالی وجود اختلال سلوک^۲ ایشان در این دوران از زندگی کاملاً محرز است. (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۰)

۳-۳) بند سوم: سادیسم:

یکی دیگر از ویژگی های این قاتل سریالی مبتلا بودن به اختلال سادیسم^۳ حتی قبل از بلوغ تا هنگامه ارتکاب قتل هایش است. همان گونه که در مطالب فوق بدان پرداخته شد او حتی از آزار و اذیت کردن حیوانات نیز آرامش می گرفته است. (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۱).

۱. ۶۰ درصد تایمی یا افسردگی مزمن، حالتی از افسردگی و اختلالات خلقی است که حداقل به مدت دو سال طول می کشد، اما نسبت به افسردگی اساسی شدت و نشانه های کمتری دارد. افرادی که به افسردگی مزمن مبتلا هستند، ممکن است دوره هایی از افسردگی اساسی را نیز تجربه کنند (برای اطلاع بیشتر از علائم و نشانه های افسردگی مزمن به این وب سایت: <https://www.day-ravan.com/%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%84-%D8%AF%DB%8C%D8%B3-%D8%AA%D8%A7%DB%8C%D9%85%DB%8C-%DB%8C%D8%A7-%D8%A7%D9%81%D8%B3%D8%B1%D8%AF%D9%87-%D8%AE%D9%88%DB%8C%DB%8C> رجوع کنید)

۲. اختلال سلوک، عبارت است از رفتاری که حقوق اساسی سایرین و هنجارهای اجتماعی مناسب با سن را نقض میکند، پرخاشگری، ویرانی و تخریب اموال، دزدی و تقلب، دروغگویی و... در بین بچه ها مبتلا به اختلال سلوک مشاهده میشود (برای اطلاع دقیق تر از ماهیت اختلال سلوک به این وب سایت رجوع کنید: <https://www.beytoote.com/psychology/khanevde-m/conduct8-disorder-causes.html>) (در اولین نمونه پژوهی مصادیق اختلال سلوک فرید بغلانی با توجه به اعمالی که در حق مادرش انجام می داده است کاملاً محرز می باشد).

۳. ۸. بیماری سادیسم به معنای لذت بردن از تحقیر، تمسخر و آزار روحی یا جسمی و جنسی دیگران است. (برای اطلاع بیشتر درخصوص ماهیت اختلال سادیسم به وب سایت: <https://pezechkekhoob.com/blog/what-is-sadism> رجوع کنید).

۲. بیماری پارانویا در واقع نوعی اختلال شخصیتی است که برخی افراد را دچار بدبینی و شک می‌کند. (برای اطلاع بیشتر از ماهیت این اختلال به آدرس وب سایت : <https://www.drkarbalaee.com/article/8/%D8%A8%DB%8C%D9%A7%D8%B1%DB%8C-%D9%BE%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A6%DB%8C%D8%AF> رجوع کنید.)

عادت‌م شده بود کینه در دل بگیرم و این یکی از نشانه‌های روحی و روانی من بوده است. پدر بزرگم گفت که حاج عبد النبی شمارا دیده که در تظاهرات شرکت کرده بودی. روز بعد به طرف باغ انگور بزرگ حاج عبدالنبی رفتم و با تیر کمانی که همیشه همراهم بود او را زدم و مخفی شدم او نمی دانست از کجا ضربه خورده است. و چند روز این کار را کردم.» (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۱)

۳-۶) بند ششم: اختلال روانی نکروفیلیا (مرده خواهی)

یکی دیگر از ویژگی‌های جانی سریالی فرید بغلانی دارا بودن انحراف نکروفیلیا یا مرده خواهی^۱ است وی اگرچه بعد از ارتکاب قتل با قربانیان خود مجامعت نمی کرد ولی در اندام تناسلی آن‌ها شئی خارجی فرو می کرد. (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۰)

۳-۷) بند هفتم: اختلال فیتیشیسم

یکی دیگر از ویژگی‌های فرید بغلانی مبتلا بودن به اختلال فیتیشیسم^۲ که زیر مجموعه اختلال پارافیلیا^۳ می باشد است. جانی پس از ارتکاب قتل هایش البسه و اموال قربانیان را مخفی

۱. مرده خواهی یا مرده بازی نام اختلالی است که در آن فرد با نوعی عمل غیر متعارف جنسی به دنبال دستیابی به ارضای جنسی است. این عمل غیر متعارف تماس جنسی با جسد مردگان است. این نوع از رابطه جنسی توسط متخصصان روانشناسی نوعی اختلال جنسی شدید روانی شناخته می‌شود و در دسته‌ی انحرافات جنسی قرار می‌گیرد (برای اطلاع بیشتر از ماهیت این انحراف می‌توانید به وب سایت : <https://honarehzendegi.com/fa/Necrophilia> رجوع کنید).

۲. فیتیشیسم یا همان یادگار خواهی یکی از اختلالات جنسی است. فرد مبتلا به این اختلال از این روش برای تحریک جنسی استفاده می‌کند. هیچ دلیل قطعی برای این اختلال ثبت نشده است ولی عده‌ای از محققان بر این باورند که این اختلال از دوران کودکی ایجاد می‌شود (برای اطلاع بیشتر از ماهیت این اختلال به آدرس وب سایت : <https://pezeshkekhoob.com/blog/what-is-a-fetish> رجوع کنید).

۳. پارافیلیاها الگوهایی هستند که افراد، مکرراً امیال، خیال‌پردازی‌ها یا رفتارهای نمایش‌گرانه شدید جنسی را در موقعیت‌ها یا نسبت به اشیائی که خارج از هنجارهای معمول مسائل جنسی هستند بروز می‌دهند. (برای اطلاع بیشتر از ماهیت اختلال پارافیلیا به وب سایت : <https://www.newslaw.net/%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%84-%D9%86%D8%AD%D8%B1%D8%A7%D9%81-%D8%AC%D9%86%D8%B3%DB%8C-%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A7%D8%B9-%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%84-%D9%BE%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%81%DB%8C%D9%84%DB%8C%D8%A7-%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%84-%D9%BE%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%81%DB%8C%D9%84%DB%8C%D8%A7-%D9%88-%D8%B1%D9%81%D8%AA%D8%A7%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B9%D8%AC%DB%8C%D8%A8-%D8%AC%D9%86%D8%B3%DB%8C.a267675> رجوع کنید).

می‌نموده و هر از چندگاهی با مشاهده آنان احساس لذت می‌کرده است. (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۰).

۳-۸) بند هشتم: اختلال سندروم رنفیلد

برابر تحقیقات صورت گرفته توسط محقق، اظهارات خود جانی در مصاحبه های مختلف و دست نوشته های وی مشخص شده است که وی بعد از ارتکاب قتل اقدام به نوشیدن خون قربانیان خود می‌نمود که نشان از مبتلا بودن به اختلال سندروم رنفیلد دارد.^۱ از طرفی جانی از زمان کودکی نیز این عمل را با کشتن جوجه کبوتر ها و خوردن آنان انجام می‌داده است. (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۳۸۲).

۴. گونه شناسی بزه دیدگان قاتل سریالی فرید بغلانی بر پایه معیار آسیب پذیری آنها^۲

در خصوص آسیب پذیر بود گونه های مختلف انسان ها می‌توان بیان نمود «یک وضعیت بدنی یا روانی است که حرکت و جنب و جوش، شعور یا ادراک و احساس، یا کنش و فعالیت های فرد را محدود می‌کند یا از کار می‌اندازد» (زکوی، ۱۳۹۰، ص ۵۴). اما بزه دیده گان آسیب پذیر، کسانی اند که به علت از دست دادن توانایی انجام کار یا دچار بودن به یک نارسایی یا ضعف بدنی یا روحی - روانی، بزه دیده می‌شوند. (زکوی، ۱۳۹۰، ص ۵۴). بزه دیده آسیب پذیر ممکن است، یک سالمند از کار افتاده، یک عقب مانده ذهنی یا کند ذهن، یک معلول جنگی، یک نابینا یا ناشنوا، یک زن کم توان و آسیب پذیر و یا یک طفل کم سن و سال باشد که این وضعیت روحی و روانی یا بدنی او را چنان آسیب پذیر سازد که سرانجامی جز بزه دیده شدن برایش به همراه ندارد. (زکوی، ۱۳۹۰، ص ۵۴). پس از ذکر این پیش فرض به بررسی بزه دیدگان قتل های فرید بغلانی می‌پردازیم.

۱. سندروم رنفیلد (Renfield's Syndrome) یا بیماری خون آشامی یک اختلال روانی نادر است که مبتلایان به آن میل زیادی به خوردن خون در خود احساس می‌کنند. این اختلال توسط روانپزشکی به نام Ritchard Noll در سال ۱۹۹۲ معرفی شد) برای اطلاع بیشتر از ماهیت این اختلال می‌توانید به آدرس وب سایت : <https://virtualdr.ir/53608-renfield-syndrome-or-clinical-vampirism/> رجوع کنید.

۲. گروه های آسیب پذیر بزه دیدگان علاوه موارد مطروحه در این مبحث، که قتل آن ها توسط قاتلان سریالی گزارش شد است شامل: ۱. معلولان - ۲. اقلیت های بزه دیده. نیز می‌باشند. (شیری، ۱۳۹۷، ص ۲۳۴)؛ (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸، ص ۵۹). اما پژوهنده حاضر با توجه به عنوان خاص مبحث، تنها بر روی دسته هایی از بزه دیدگان آسیب پذیر تمرکز داشته، که مورد تهاجم جانی سریالی فرید بغلانی قرار گرفته اند.

۴-۱) بند اول بانوان بزه دیده :

جنسیت بانوان از جمله عامل هایی است که آنان را بیشتر از مردان در برابر برخی از جرم ها آسیب پذیر می سازد. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸، ص ۵۸). با توجه به عموم قتل های فرید بغلانی، که پانزده تن از قربانیان وی را زنان تشکیل می دهند و تنها یک تن از قربانی های او دارای جنسیت مردانه می باشد، می توان به آسیب پذیری زنان در قبال تهاجم مجرمان، علی الخصوص قاتلین سریالی اشاره ویژه ای داشت. به نظر می رسد قوه قانونگذاری باید مکررا در تلاش باشد تا با اعمال حمایت های ویژه خود از این قشر، ایشان را در قبال خطرات احتمالی حمایت کند.

۴-۲) بند دوم کودکان و نوجوانان بزه دیده :

آسیب پذیری کودکان و نوجوانان^۱ بر پایه معیار سن، آنان را بیش از بالغان و بزرگ سالان

۱. مقتولان قاتل سریالی فرید بغلانی (دسته کودکان و نوجوانان) به ترتیب شماره قتل :

۱. قتل دوم و سوم که همزمان بوده است مربوط به دختر بچه ای به نام « ایران.ا» و پسر عمویش به نام « حسین.ا» که هر دو در زمان قتل ۷ سال سن داشتند. (پرونده کلاسه ۵۷۵۲/۰۳۰۰/۸۴/۰۸۰۰/۸). (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۳).
۲. قتل چهارم مربوط به دختر بچه ای به نام « خدیجه.م» می باشد که در هنگام قتل ۱۰ سال داشته است (پرونده کلاسه ۵۷۵۲/۰۳۰۰/۸۴/۱۶۰۵/۳). (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۴).
۳. قتل هفتم مربوط به دختری نوجوان به نام « فاطمه.ن» می باشد که در هنگام قتل ۱۳ سال داشته است. (پرونده کلاسه ۵۷۵۴/۰۱۱/۰۸۰۰/۰۰۸/۸۵). (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۸).
۴. قتل هشتم مربوط دختر بچه ای به نام « مریم.ح» می باشد که در هنگام قتل ۱۱ سال سن داشته است. (۵۷۵۲/۰۳۰۰/۸۵/۹۰۰/۹). (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۹).
۵. قتل نهم مربوط به دختر بچه ای به نام « سیده عاطفه.پ» می باشد که در هنگام قتل ۹ سال سن داشته است. (پرونده کلاسه ۵۷۵۲/۰۳۰۰/۸۵/۸۰۰/۲). (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۰).
۶. قتل دهم مربوط به دختر بچه ای به نام « نرگس.خ» می باشد که در هنگام قتل ۹ سال سن داشته است. (۵۷۵۲/۰۳۰۰/۸۵/۸۰۰/۷). (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۱).
۷. قتل پانزدهم مربوط به دختر بچه ای به نام « فاطمه.ک» می باشد که در هنگام قتل ۸ سال سن داشته است. (پرونده کلاسه ۵۷۵۲/۰۳۰۰/۸۷/۸۰۰/۳). (حسینی، ۱۳۹۸، صفحه ۱۴۵-۱۴۶).
۸. قتل شانزدهم مربوط به دختر بچه ای به نام « خدیجه.ب» می باشد که در هنگام قتل ۱۰ سال سن داشته است. (پرونده کلاسه ۵۷۵۲/۰۳/۸۷/۸۰۰/۵). (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۸).

در معرض خطر بزه دیدگی قرار می دهد. این مساله تا آنجا اهمیت دارد که حتی در پس بزه کاری کودکان و نوجوانان باید در جست و جوی بزه دیدگی آنان بود. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸، ص ۵۸). در میان مقتولین جانی سریالی فرید بغلانی کشتار تعداد کثیری از این طبقه مشاهده می شود.

۴-۳) بند سوم سالمندان بزه دیده

درست مانند گونه پیشین، ولی این بار در جهت سال خوردگی و سالمندی، معیار سن می تواند افراد را در برابر بزه دیدگی آسیب پذیر سازد. با وجود این، حمایت از سالمندان بزه دیده، نسبت به بانوان و کودکان، پیشینه کمتری دارد. ولی، ماهیت و نوع جرم ها و بزه دیدگی سالمندان، شباهت هایی با بزه دیدگی بانوان و کودکان دارد و از این رو، از تدبیر های حمایتی مشابه ای برای سالمندان بزه دیده استفاده کرد. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸، ص ۵۹). در میان قربانیان قاتل سریالی فرید بغلانی، چندین فقره از قتل سالمندان^۱ مشاهده می شود.

۵. راهکار های پیشنهادی پژوهنده برای پیشگیری از قتل های سریالی

در این قسمت چند راهکار ارائه می شود که توجه به آن توسط قانونگذار، هر چند که نتواند ارتکاب این فعل (قتل سریالی) را به صورت کل از میان ببرد، اما می تواند در به حداقل رساندن این عمل مخوف، کمک رسان باشد.

۵-۱) قانونگذاری عنوان مجرمانه قتل های سریالی

از آنجا که قتل های سریالی مفهوم حقوقی صرف نیست، بلکه مفهوم روانشناختی برجسته ای دارد، از این رو نظام های کیفری در قوانین کیفری خود جرم انگاری مستقلی از آن

۱. مقتولان قاتل سریالی فرید بغلانی (دسته سالمندان) به ترتیب شماره قتل :

۱. قتل اول مربوط به پیرزنی به نام «نوریه . پ» است که در هنگام قتل ۶۰ سال سن داشته است. (پرونده کلاسه پرونده کلاسه ۵۷۵۴۰/۱۱/۰۸۰۰/۰۰۱۳/۸۳) (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۲).

۲. قتل سیزدهم مربوط به پیرزنی به نام «خدیجه . ر» می باشد که در هنگام قتل ۶۵ سال سن داشته است. (پرونده کلاسه ۵۷۵۲/۳۰/۸۶/۸۰۰/۱) (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۴)

۳. قتل چهاردهم مربوط به پیرزنی به نام «کامله . ب» می باشد که در هنگام قتل ۶۰ سال سن داشته است. (پرونده کلاسه ۵۷۵۲/۰۳۰/۸۷/۰۸۰۰/۱) (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۵).

به عمل نياورده اند، بلکه واکنش نظام کيفري در قبال قتل سريالي در قالب قتل عمد است که در کشور هائي که قتل عمد درجه بندي شده است، از نوع درجه نخست و از دسته جرائم خشونت آميز و مشدد محسوب مي شود. (غلاملو، ۱۳۹۲، ص ۱۷۰). با ذکر اين پيش فرض مي توان نتيجه گرفت با توجه با آثار سوء اي که قاتلين اين فعل، در جامعه از خود به يادگار مي گذارند، به عنوان اولين اقدام اين فعل بايد توسط قانونگذار در قالب يک مقررر جداگانه، مصوب شود. ابعاد و آثار اين جرم، مي طلبد که مقررر اي خاص را در قانون دارا باشد. چنانکه باور عامه مردم نسبت به يک قاتل عادي و يک قاتل سريالي بسيار متفاوت است، پس در صورت عدم توجه قانونگذار نسبت به اعمال قانونگذاري در اين موضوع، مي تواند قانونگذار و دستگاه عدالت کيفري را در ديدگاه عامه مردم، در مظان ضعف علمي و عدم خرد ورزي در اين مسئله قرار دهد.

۵-۲) اعمال مجازات سنگين

اعمال مجازاتي سنگين تر از مجازات قتل عمد از طريق الزام قاتل به پرداخت ديه به همهي خانواده مقتولان بدون در نظر گيري مستثنيات دين : در مواد ۳۸۳ و ۳۸۴ قانون مجازات اسلامي مصوب سال ۱۳۹۲، نوعي اختيار به قاتليني که مرتکب قتل چند نفر شده اند، از حيث پرداخت ديه داده شده است. اين فعل به جهاتي مردود است چراکه، قاتل در ذهن خود مي داند با انجام يک بار قتل مجازاتش قصاص است، پس کافي است با اين ايدئولوژي که { من چه يک نفر را بکشم، چه چند نفر را، فقط يک بار قصاص مي شوم، يک جان دارم بگذاريد آن را بگيرند } پروراندن اين تفکر در ذهن قاتل مي تواند وي را تشويق به قتل هاي متعددي کند و ديگر عقوبت قصاص براي ش به هيچ وجه اهميتي ندارد. حال يک راهکار مي توان ارائه داد آن هم اين است که در ارتکاب قتل عمد آن هم به صورت متعدد، قاتل يا قاتلين را مجبور به پرداخت ديه به خانواده هاي مقتولين علاوه بر قصاصش کنيم، يکي از نتايج اين سياست مي تواند ايجاد اين تفکر در ذهن قاتل باشد که { اگر من مرتکب قتل هاي متعدد شوم، خودم من که قصاص مي شوم، خانواده ام بعد از من در حالي که تمام دارايشان گرفته مي شود چه مي کنند ... } پس مي توان گفت که قاتل با سنجيدن عمل خود و ملاک قرار دادن وضعيت خانواده اش، دست به اقدام يا عدم اقدام مي زند و در واقع مي توان گفت که اين سياست مي تواند به صورت قابل توجهي درصد ارتکاب اين فعل در جامعه را پايين آورد.

۵-۳) اعمال مجازات تکمیلی اجباری متناسب در خصوص مجرمین دارای حالت خطرناک

اقدامات تکمیلی واکنش ثانوی قانونگذار در خصوص مجرمین آن هم با شرایطی که ضوابط آن در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و چند قانون خاص دیگر که واجد حکم به مجازات تکمیلی به صورت اجباری هستند ، است. در میان حقوقدانان از اقدامات تکمیلی به عنوان اقدامات تامینی نیز یاد می شود، حال پس از ذکر تعریف دقیقی از اقدامات تامینی آخرین راهکار گفته می شود. {اقدامات تامینی عبارت اند از تدابیری که برای مقابله با حالت خطرناک بعضی از افراد اجتماع ، اتخاذ می شوند. معمولاً این گونه تدابیر برای جلوگیری از تکرار جرم ، تامین دفاع جامعه و صیانت آن در مقابل مجرمین خطرناک ، از طریق پیش گیری های اختصاصی به عمل می آید} (صلاحی ، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹). با ذکر این پیش فرض به سراغ سازوکار اعمال مجازات تکمیلی در خصوص مجرمان خطرناک می رویم ، راهکار پیشنهادی آن است که قانون اقدامات تامینی مصوب سال ۱۳۳۹ ، که در روزگار خود یک قانون بسیار مدرن و پیشرفته بود باید با در نظر گیری مقتضیات روز اصلاح و احیاء شود . چراکه جرائم علیه اشخاص از شدید ترین اقدامات مجرمانه هستند که اگر راهبرد های متناسبی در خصوص آن ها ، پیش بینی نشود ، به نظر می رسد اعمال مجازات به تنهایی به هیچ وجه اقناع کننده نباشد.

نتیجه گیری

امنیت پایدار در یک جامعه ، رشد و توسعه ی همه جانبه آن اقلیم را تضمین می کند. از شدید ترین اعمال مجرمانه ای که می تواند به امنیت جامعه ضربه ی مهلکی وارد سازد ظهور یک قاتل سریالی می باشد. عملکرد این فرد آن چنان می تواند افراد جامعه را در مظان خطر قرار دهد، که هر یک از افراد جامعه به نوعی می توانند بزه دیده بالقوه این جانی باشند. حال قاتلین سریالی هریک مولود شرایط خاص روحی و روانی ، شرایط اجتماعی خاص می باشند. این دسته از مجرمان را نمی توان مجرمان اتفاقی نامید چرا که میل به کشتن انسان در وجود آن ها، بنابر شرایط خاص آن ها در طی مدت زمانی که اصولاً ریشه در زمان کودکی این افراد دارد به وجود آمده است. پژوهنده در این فعالیت پژوهشی در تلاش است که با بررسی شرایط روحی و روانی خاص قاتل سریالی (فرید بغلانی) و با توجه ویژه به جایگاه بزه دیدگانش، به قانونگذار چند نکته را متذکر شود:

اولاً: با توجه به مسئولیت ویژه حاکمیت ها در ارتقای سطح سلامت روانی در جامعه، به

نظر می رسد حاکمیت ها باید با آموزش های پیاپی نهاده خانواده به عنوان اصلی ترین عنصر جامعه، از ظهور یک مجرم حاد جلوگیری کنند. (در خصوص تولد یک قاتل سریالی، می توان بر نظریه روان کاوی فروید در خصوص تشکیل شخصیت مجرمانه مرحله دهانی گریزی زد) اصولاً اصلی ترین اختلال روانی قاتلین سریالی، شخصیت ضد اجتماعی داشتن آن ها است. در تحقق این بیماری در افراد، شرایط خانواده (از حیث مرگ اعضای خانواده علی الخصوص مادر و وجود بحث و درگیری های موجود در بین زن و مرد یا سایر اعضای خانواده و... و تاثیر آن بر کودکان) بسیار می تواند مهم باشد. فلذا با تقویت و آموزش مدام این نهاد می توان یکی از اصلی ترین کانون هایی را که می تواند نقش بسیار ویژه ای در پیشگیری از عدم به وجود آمدن یک قاتل سریالی را ایفاء کند، با کم ترین هزینه از سوی جامعه مورد حمایت قرار داد.

دوما: مورد دیگری که پژوهنده در به ثمر رساندن این فعالیت پژوهشی قصد معطوف ساختن نگرش جدی تر توسط قانونگذار بر این مساله را دارد (نقش بزه دیدگان) در سایر جرایم، خاصه تحقق قتل های سریالی است. مجرمان و خاصه قاتلان سریالی، اگرچه وجود حالت های روانی خاص می تواند آن ها را به سمت ارتکاب جرم سوق دهد، اما این افراد به واسطه هوش متوسط به بالایی که دارند (قاتلان سریالی دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی) تا شرایط هدف های خود را نسنجند، دست به ارتکاب جرایم یا خاصه قتل هدف های خود نمی زنند. فلذا به نظر می رسد امروزه نیاز جامعه، توجه ویژه به جایگاه بزه دیدگان آسیب پذیر می باشد. برای تفهیم این موضوع پژوهنده بر بزه دیدگان قتل های قاتل سریالی فرید بغلانی تاکید داشت لکن با یک بررسی ساده می توان در خلال همان سال هایی که این فرد دست به ارتکاب قتل در خوزستان (آبادان و خرمشهر) می زد از خانم «مehین قدیری به عنوان اولین قاتل سریالی زن» نام برد که در شهر قزوین، مرتکب قتل سالمندان می شده است.^۱ یا در سال های قبل از ظهور فرید بغلانی، قاتل سریالی زنان در مشهد (سعید حنایی) دست به ارتکاب قتل نسبت به این قشر آسیب پذیر زده است.^۲

۱. مهین قدیری (برای اطلاع از مفاد این: <https://www.imna.ir/news/498501> رجوع کنید).

۲. سعید حنایی قاتل سریالی زنان مشهد (برای اطلاع بیشتر در خصوص این قاتل به وب سایت: <https://www.bartarinha.ir/fa/news/984206> رجوع کنید).

تقدیر و تشکر

در آخر بر خود لازم می دانم که از تمام عوامل انتظامی و قضایی علی الخصوص استاد بزرگوارم جناب (فیصل مزرعه/بازپرس پرونده فرید بغلانی) که در دستگیری و به مجازات رساندن این قاتل شرور، از هیچ تلاشی مضایقه نکرده اند صمیمانه تشکر و قدردانی کنم.

منابع و مأخذ

کتب

۱. ام.هرمنینگ، ویلیام (۱۳۹۹)، قاتلان زنجیره ای رشد روانی اجتماعی بدترین مجرمان جامعه، چاپ: سوم نشر: و انیا.
۲. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸)، درآمدی بر جرم شناسی، چاپ دوم، انتشارات: سمت.
۳. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸)، بزه دیده شناسی: درس گفتار های تالیفی، چاپ: دوم، انتشارات: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهردانش.
۴. زکوی، مهدی (۱۳۹۰)، بزه دیدگان خاص در پرتو بزه دیده شناسی حمایتی، چاپ: اول، انتشارات: مجد.
۵. صلاحی، جاوید (۱۳۹۵)، درآمدی بر جرم شناسی و بزه دیده شناسی، چاپ: سوم، انتشارات: میزان.
۶. صلاحی، جاوید (۱۳۸۶)، کیفر شناسی و دیدگاه های جدید، چاپ اول، انتشارات: میزان.
۷. فرزانه، نغمه و فروتن، رضا (۱۳۹۴)، پیشگیری از قتل های سریالی، چاپ اول، ناشر: انتشارات جاودانه، جنگل.
۸. مرادی، حسن (۱۳۹۶)، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص (جنایات)، چاپ اول، انتشارات: میزان.
۹. مزرعه، فیصل (۱۳۹۳)، شبخ نخلستان، چاپ اول، انتشارات: عصر ماندگار.

پایان نامه ها

۱۰. حسینی، علی (۱۳۹۸)، بررسی ابعاد شخصیتی قاتل سریالی زنان (فرید بغلانی در استان خوزستان در طول سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷) (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده اطلاعات و آگاهی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران.
۱۱. فرزانه، نغمه (۱۳۹۳)، بررسی رویکرد های پیشگیرانه در قبال قتل های سریالی (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۱۲. قنبری، مجید (۱۳۹۴)، مطالعه علل وقوع جنایات سریالی از منظر پلیس علمی (پایان نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

مقاله ها

۱. شیر، عباس (۱۳۹۷)، بزه دیده شناسی قضایی (قانونی)، فصلنامه تحقیقات حقوقی شماره ۸۴، از صفحه ۲۱۵-۲۴۱.
۲. غلاملو، جمشید (۱۳۹۰)، علت شناسی قتل های سریالی بر مبنای اختلالات شخصیتی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال پنجم، شماره شانزدهم، از صفحه ۱۳۱-۱۵۸.
۳. غلاملو، جمشید (۱۳۹۲)، قاتل سریالی، بیمار روانی مسئول؛ جستاری در سیاست کیفری ناظر به قتل های سریالی، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم، از صفحه ۱۶۳-۱۸۵.

منابع اینترنتی

۱. علی اصغر بروجردی معروف به اصغر قاتل برگرفته از وب سایت:
<https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/174108/%D8%B9%D9%84%D9%8A%E2%80%8C%D8%A7%D8%B5%D8%BA%D8%B1-%D8%A8%D8%B1%D9%88%D8%AC%D8%B1%D8%AF%D9%8A-%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%88%D9%81-%D8%A8%D9%87-%D8%A7%D8%B5%D8%BA%D8%B1-%D9%82%D8%A7%D8%AA%D9%84>
۲. سیر تا پیاز بیجه پاکدشت قاتل سریالی کودکان+عکس لحظه اعدام، برگرفته از وب سایت:
<https://www.barkhat.news/social/163238034367/garlic-to-onion-bijeh-pak-dasht-serial-killer-of-children-photo-of-the-moment-of-execution>
۳. اختلال دیس تایمی یا افسرده خویی، برگرفته از وب سایت:
<https://www.day-ravan.com/%D8%A7%D8%AE%D8%A%D9%84%D8%A7%D9%84-%D8%AF%DB%8C%D8%B3-%D8%AA%D8%A7%DB%8C%D9%85%DB%8C-%DB%8C%D8%A7-%D8%A7%D9%81%D8%B3%D8%B1%D8%AF%D9%87-%D8-AE%D9%88%DB%8C%DB%8C>

۴. اختلال سلوک چیست؟ و انواع علل درمان آن، برگرفته از وب سایت:

<https://www.beytoote.com/psychology/khanevde-m/conduct8-disorder-causes.html>

۵. سادیسم چیست؟ از تشخیص تا درمان، برگرفته از وب سایت:

<https://pezeshkekhoob.com/blog/what-is-sadism/>

۶. اختلال شخصیت ضد اجتماعی چیست؟+بررسی، تشخیص، درمان و علائم، برگرفته از

وب سایت:

<https://www.imna.ir/news/505429/%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%84-%D8%B4%D8%AE%D8%B5%DB%8C%D8%AA-%D8%B6%D8%AF-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C-%DA%86%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D8%AA%D8%B4%D8%AE%DB%8C%D8%B5-%D8%AF%D8%B1%D9%85%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D8%B9%D9%84%D8%A7%D8%A6%D9%85>

۷. پارانوئید چیست؟، برگرفته از وب سایت :

<https://www.drkarbalaee.com/article/8/%D8%A8%DB%8C%D9%85%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D9%BE%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A6%DB%8C%D8%AF>

۸. مرده خواهی (نکروفیلیا) نشانه ها ، علل و درمان مرده خواهی برگرفته از وب سایت:

<https://honarehzendegi.com/fa/Necrophilia>

۹. فیتیشیسم چیست؟ آیا فیتیشیسم یک اختلال جنسی است؟، برگرفته از وب سایت:

<https://pezeshkekhoob.com/blog/what-is-a-fetish/>

۱۰. اختلال پارافیلیا یا انحراف جنسی، انواع اختلال پارافیلیا، اختلال پارافیلیا و رفتار های

عجیب جنسی، برگرفته از وب سایت :

<https://www.newslaw.net/%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%84-%D9%BE%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%81%DB%8C%D9%84%DB%8C%D8%A7-%DB%8C%D8%A7-%D8%A7%D9%86%D8%AD%D8%B1%D8%A7%D9%81-%D8%AC%D9%86%D8%B3%DB%8C-%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A7%D8%B9-%D8%A7%D8%AE%D8%AA>

%D9%84%D8%A7%D9%84-%D9%BE%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%81%DB%8C%D9%84%DB%8C%D8%A7-%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%84-%D9%BE%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%81%DB%8C%D9%84%DB%8C%D8%A7-%D9%88-%D8%B1%D9%81%D8%AA%D8%A7%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B9%D8%AC%DB%8C%D8%A8-%D8%AC%D9%86%D8%B3%DB%8C.a267675

۱۱. سندروم رنفیلد یا بیماری خون آشامی، برگرفته از وب سایت:

<https://virtualdr.ir/53608-renfield-syndrome-or-clinical-vampirism/>

۱۲. همه چیز درباره مهین، اولین قاتل سریالی زن، برگرفته از وب سایت:

<https://www.imna.ir/news/498501/%D9%87%D9%85%D9%87-%DA%86%DB%8C%D8%B2-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D9%85%D9%87%DB%8C%D9%86-%D8%A7%D9%88%D9%84%DB%8C%D9%86-%D9%82%D8%A7%D8%AA%D9%84-%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%84%DB%8C-%D8%B2%D9%86>

۱۳. نا گفته هایی از سعید حنایی؛ ۱۸ سال پس از اعدام قاتل عنکبوتی، برگرفته از وب

سایت:

<https://www.bartarinha.ir/fa/news/984206/%D9%86%D8%A7%DA%AF%D9%81%D8%AA%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D8%B3%D8%B9%DB%8C%D8%AF-%D8%AD%D9%86%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%DB%B1%DB%B8-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%D9%BE%D8%B3-%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%85-%D9%82%D8%A7%D8%AA%D9%84-%D8%B9%D9%86%DA%A9%D8%A8%D9%88%D8%AA%DB%8C>

منابع مستند :

۱. عنکبوت آمد . آدرس سایت ارائه کننده مستند:

https://www.aparat.com/v/Bahcw/%D9%88%D8%B9%D9%86%DA%A9%D8%A8%D9%88%D8%AA%D8%A2%D9%85%D8%AF28%_%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AF%D8%AC%D9%86%D8%AC%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%AE%D9%81%D8%A7%D8%B4%D8%B4%D8%A8%D8%B3%D8%B9%DB%8C

%D8%AF%_D8%AD%D9%86%D8%A7%DB8%C%DB8%C29%

۲. مستند مهین، آدرس وب سایت ارائه کننده مستند:

https://www.aparat.com/v/vSENH/%D9%85%D8%B3%D8%AA%D9%86%D8%AF%D8%AF%DB%8C%D8%AF%D9%86%DB%8C_%D9%82%D8%A7%D8%AA%D9%84_%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%84%DB%8C_%D8%8C%D8%8C%D9%85%D9%87%DB%8C%D9%86_%D9%82%D8%AF_%DB%8C%D8%B1%DB%8C

مبانی فقهی حاکم بر جرم شهود در حقوق کیفری ایران

مریم میرزایی سنّین، مصطفی اکبری

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵	شماره صفحه: ۱۲۲-۱۰۹
-------------------	-------------------------	-------------------------	---------------------

آنچه که جایگاه جرم مشهود را برجسته و حساسیت آن را نشان می‌دهد، اختیارات گسترده ضابطین دادگستری - در چهارچوب قوانین - و امکان شروع به تعقیب و تحقیق بدون ارجاع دادستان در خصوص این دسته از جرایم نسبت به جرایم غیر مشهود است. بنابراین باید به دنبال این مجهول گشت که چرا قوانین موضوعه از این امر خطیر را پذیرفته و به ضابطان، اختیارات ویژه قضائی داده‌اند؟ در واقع این تفویض اختیارات به مأمورین، نوعی ریسک محسوب می‌شود. چرا که حقوق مهمی از افراد جامعه نظیر حق آزادی، حق مالکیت خصوصی و حق حریم خصوصی در معرض تضییع و مخاطره قرار می‌گیرد. همان‌گونه که گذشت در قانون ایران، ضابطان دادگستری حق دارند در جرایم مشهود، نه تنها برای تایید جرم، بلکه برای جستجوی فوری کلیه اطلاعات مفید و با وسایل قهری، بدون دستور مقام قضائی به این حقوق تعدی نمایند؛ زیرا برای به جریان افتادن واکنش اجتماعی لحظه‌ای نباید از دست برود. البته این بدان معنا نیست که حقوق افراد جامعه در مقابل مجریان قانون و دستگاه عدالت کیفری مخدوش و ارزش آنچنانی ندارد. بلکه یقیناً باید اهمیتی در پس این مهم باشد و آن اهم همان چیزی است که به «مصلحت اجتماع» یا «نظم عمومی» معروف است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به این دستاورد مهم رسیده است که اختیارات به ضابطین یکی از شقوق آن حفظ نظم و امنیت اجتماعی است

واژگان کلیدی: ضابطین، جرم مشهود، مبانی جرم مشهود، پاسخ‌های کیفری، حقوق کیفری

مقدمه

امروزه که جرم و ترس از آن جزء تجربیات روزمره شهروندان در سرتاسر دنیا شده است، پاسخ به آن به منظور دفاع از جامعه و تامین امنیت جانی و مالی افراد در برابر بزهکاران و ناقضان قانون در وقایع مجرمانه، به ویژه امنیت افراد آسیب پذیر و بزه دیدگان بالقوه، همواره به عنوان یک تکلیف از دل نگرانی‌های دولت‌ها محسوب می‌شود. (آشوری، ۱۳۹۴، ص ۷۳) بر پایه همین نگرانی‌ها، در سال‌های اخیر رویکردهای امنیت مدار، مبنای علمی راهبرد افتراقی و دست کم دوگانه شدن سیاست جنایی بر پایه گونه شناسی بزهکاران و جرائم شده است در این میان، جرم مشهود با عنصر و ویژگی رویت پذیری و مشاهده شدن عناصرش در سطح جامعه نسبت به جرم غیر مشهود به عنوان گونه‌ای خاص از جرائم و تعدی و تجاوز آشکار مرتکبین آن به عنوان گونه‌ای شدیدتر از حالت خطرناک که در شرف وقوع است و یا فاصله خیلی زیادی از وقوع آن نگذشته است، می‌تواند یکی از مصادیق خطر و تهدید برای امنیت شهروندان محسوب شود. از این رو پاسخ به این پدیده مجرمانه که در حال وقوع است، می‌تواند مبنایی برای مدیریت ریسک افراد در مظان ارتکاب جرم باشد و توجه هیات اجتماع که دغدغه پاسخ فوری و آنی به پدیده مجرمانه در حال وقوع را دارند، به خود جلب کند. در نظام حقوقی ایران، قانونگذار به منظور پاسخ به چنین پدیده‌های مجرمانه‌ای که به صورت مشهود اتفاق می‌افتند، با در نظر گرفتن جرم مشهود و با ذکر مصادیق آن، به صورت استثنائی اختیارات قضائی ویژه‌ای نظیر دستگیری، تحت نظر، تفتیش منازل را به ضابطان دادگستری تفویض، تا مرتکبین در اسرع وقت دستگیر و تحویل مقام صالح قضائی نمایند تا از این طریق هم نظم عمومی به نحو مطلوب حفظ شود و هم عدالت صریح و سریع به اجرا درآید. (انصاری، ۱۳۸۹، ص ۲۲۵)

اگر چه در این گونه موارد، تعدی و تجاوز آشکار مجرمین در ملاء عام به جان، مال و ناموس مردم، بیشترین احساس ترس و ناامنی را ایجاد و باید حق بر امنیت (امنیت جانی - مالی) در اولویت قرار داده شود تا امنیت جانی و مالی شهروندان تضمین شود، لیکن همین شهروندان از حق دیگری به نام حق بر تامین (امنیت حقوقی - قضایی) در برابر مداخله‌های مقامات قضایی و غیرقضایی نیز برخوردارند، که باید مدنظر کنشگران قرار گیرد. (رضوانی، ۱۳۹۱، ص ۲۵) حق بر تامین در واقع، تضمین حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی در برابر تصمیم‌ها و اقدام‌های غیرقانونی و خودکامه عوامل دولت و حتی شهروندان است. ضرورت برقراری تعادل در تضمین این دو حق بنیادی توسط مقامات غیرقضایی در این مرحله از فرآیند کیفری که خود

امنیت آور است، توجه قانونگذاران را به این نکته جلب می‌کند که تعیین اختیارات ویژه برای اقدام کنندگان باید به گونه‌ای باشد تا علاوه بر تضمین حق بر امنیت (امنیت جانی - مالی)، باعث نقض حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان از گذر مداخلات خودسرانه عوامل دولتی و جامعه‌وی در حقوق و زندگی خصوصی مردم نشود.

۱- بیان مسئله

تأمین امنیت و حفظ آن همواره از جمله بنیادی‌ترین دغدغه‌های بشر در طول تاریخ بوده است و پدیده مجرمانه - اعم از جرایم و انحرافات - همیشه به عنوان عامل مخل امنیت موجب تهدید آن گردیده است، که همین مسئله جایگاه ویژه‌ای را به آن می‌دهد و دولت هم نیز که وظیفه صیانت ارزش‌های جامعه را دارد، وارد فرآیند مقابله با این تهدیدات می‌کند. در حوزه تقنینی سیاست جنایی، با مطالعه قوانین می‌توان مشاهده کرد که قانونگذار در بند الف ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در بیان موارد جرم مشهود اعلام دارد: «جرمی که در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مامورین یاد شده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.» همچنین در ماده ۴۴ همین قانون در خصوص وظیفه ضابطان دادگستری در برخورد با جرائم مشهود آمده است: «... ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند همچنین در ادامه بیان می‌دارد همان‌گونه که در قانون ایران، ضابطان دادگستری حق دارند در جرایم مشهود، نه تنها برای تایید جرم، بلکه برای جستجوی فوری کلیه اطلاعات مفید و با وسایل قهری، بدون دستور مقام قضائی به این حقوق تعدی نمایند؛ زیرا برای به جریان افتادن واکنش اجتماعی لحظه‌ای نباید از دست برود (میری، ۱۳۹۰، ص ۲۵۹) البته این بدان معنا نیست که حقوق افراد جامعه در مقابل مجریان قانون و دستگاه عدالت کیفری مخدوش و ارزش آنچنانی ندارد. بلکه یقیناً باید اهمیتی در پس این مهم باشد و آن اهم همان چیزی است که به «مصلحت اجتماع» یا «نظم عمومی» معروف است. به نظر برخی از نویسندگان هدف از وجود حکومت، فایده رساندن به شهروندان است و هر یک از اعمال حکومت تا آنجا قابل توجیه است که به رفاه عمومی کمک کند. عده‌ای دیگر نقش محدودتری برای حکومت قائلند و معتقدند، هر عملی که

با حقوق افراد در تعارض باشد، قابل توجیه نیست. بر اساس این دیدگاه هدف از وجود حکومت‌ها تنها در صورتی نظارت بر حفظ حقوق و ایجاد رفاه است که منجر به نقض حقوق نگردد. در مقابل نظریه‌های دیگری، برای حکومت به عنوان یک هدف فی نفسه، تقدم قائل می‌شوند.

بخش اول : مبانی مشهود انگاری جرائم

آنچه که جایگاه جرم مشهود را برجسته و حساسیت آن را نشان می‌دهد، اختیارات گسترده ضابطین دادگستری - در چهارچوب قوانین - و امکان شروع به تعقیب و تحقیق بدون ارجاع دادستان در خصوص این دسته از جرائم نسبت به جرائم غیر مشهود است. بنابراین باید به دنبال این مجهول گشت که چرا قوانین موضوعه از جمله قوانین کشورهای مورد مطالعه این پژوهش، این امر خطیر را پذیرفته و به ضابطان، اختیارات ویژه قضائی داده‌اند؟ در واقع این تفویض اختیارات به مأمورین، نوعی ریسک محسوب می‌شود. چرا که حقوق مهمی از افراد جامعه نظیر حق آزادی، حق مالکیت خصوصی و حق حریم خصوصی در معرض تضییع و مخاطره قرار می‌گیرد. همان‌گونه که گذشت در قانون ایران، ضابطان دادگستری حق دارند در جرائم مشهود، نه تنها برای تایید جرم، بلکه برای جستجوی فوری کلیه اطلاعات مفید و با وسایل قهری، بدون دستور مقام قضائی به این حقوق تعدی نمایند؛ زیرا برای به جریان افتادن واکنش اجتماعی لحظه‌ای نباید از دست برود (دادبان، ۱۳۷۷، ص ۴۵۸) البته این بدان معنا نیست که حقوق افراد جامعه در مقابل مجریان قانون و دستگاه عدالت کیفری مخدوش و ارزش آنچنانی ندارد. بلکه یقیناً باید اهمیتی در پس این مهم باشد و آن اهم همان چیزی است که به «مصلحت اجتماع» یا «نظم عمومی» معروف است.

به نظر برخی از نویسندگان هدف از وجود حکومت، فایده رساندن به شهروندان است و هر یک از اعمال حکومت تا آنجا قابل توجیه است که به رفاه عمومی کمک کند. عده‌ای دیگر نقش محدودتری برای حکومت قائلند و معتقدند، هر عملی که با حقوق افراد در تعارض باشد، قابل توجیه نیست. بر اساس این دیدگاه هدف از وجود حکومت‌ها تنها در صورتی نظارت بر حفظ حقوق و ایجاد رفاه است که منجر به نقض حقوق نگردد. در مقابل نظریه‌های دیگری، برای حکومت به عنوان یک هدف فی نفسه، تقدم قائل می‌شوند. (جندقی، ۱۳۸۷، ص ۱۶).

بنا بر نظریات گروه اول اختیارات ضابطان که توسط حکومت به آنان، در جرائم مشهود تفویض شده است توجیهی ندارد، چرا که اینان حقوق فرد را در اولویت قرار داده‌اند حال آنکه

پذیرفته شدن این اختیارات در قوانین موضوعه‌ی اکثر کشورها بیانگر توجیه پذیر بودن آنهاست و ما در این بخش دقیقاً به دنبال یافتن همین توجیهات هستیم.

مبحث اول: مبانی فقهی

با توجه به اینکه حقوق ایران برگرفته از فقه اسلامی است و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران نیز همان رویه نظام اسلام (احاله به سایر حقوق و آزادی‌ها) را نسبت به حمایت از حقوق و آزادی‌های اشخاص دنبال نموده است، می‌توان مبانی جرم شهود در ایران را تا حدودی در مبانی فقهی بررسی کرد.

گفتار اول: هتک حرمت اجتماع

تظاهر به فعل مجرمانه باعث هتک حرمت اجتماع می‌شود. برخلاف گرایش جدی و متعارفی که نظام‌های حقوقی دیگر در کشف جرم و تعقیب مجرم دارند، مخفی داشتن و نهان‌سازی جرم روشی است که به عنوان یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی اسلام مطرح است. سعی در بزه پوشی و جلوگیری از افشاء جرم بر اساس مدارک و ادله موجود در کتاب و سنت مورد تأیید حقوقدانان اسلامی بوده و آن را از ابعاد و جنبه‌های مختلف دارای اهمیتی قابل توجه دانسته‌اند. نهان‌سازی جرم و جلوگیری از افشاء زشتی‌ها متأثر از نگرش خاصی است که نسبت به مفاهیم، تأسیسات و نهادهای حقوق جزا وجود داشته و خطوط برجسته سیاست جنایی اسلام را شکل می‌دهد. کشف و آشکار شدن جرم غالباً با گسترش اخبار مربوط به آن همراه است که این امر با توجه به انتشار مکرر اخبار وقوع آن، ضعف حساسیت‌های عمومی را نسبت به جرم در پی خواهد داشت. خطر عادی شدن جرم علاوه بر تزلزل احساس امنیت در جامعه و شیوع ترس از جرم- که مبتنی بر احتمال بزه دیده واقع شدن هر شهروندی است- غیر قابل اغماض و چشم پوشی است. بزه کاری پیش پا افتاده و کاهش زشتی جرم وحشتناک‌ترین پدیده‌ای است که می‌تواند امنیت و نظام جامعه را متلاشی کند. از این رو اشاعه زشتی و بازگو کردن معاصی چنانچه با قصد و علم به آثار سوء آن مقارن باشد با واکنشی شدید مواجه شده است: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الآخره و الله یعلم و انتم لا تعلمون»^۱

آنانکه دوست می دارند در میان اهل ایمان کار منکری را اشاعه و شهرت دهند، آنها را در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود و شما نمی دانید.

در این راستا نصوص روایی بسیاری بر پنهان سازی زشتی ها دلالت داشته و مؤکداً توصیه بدان کرده اند. از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: بر حاکم است که سه چیز را درباره عام و خاص به اجرا گذارد: اول، پاداش دادن به نیکوکار تا رغبت در انجام اعمال نیک در او بیشتر شود؛ دوم، پوشاندن گناه خطاکار تا توبه کند و از گناه بازگردد و سوم، ایجاد الفت بین همگان به وسیله ی احسان کردن و انصاف به خرج دادن. در کتب اخلاق دینی اظهار عیوب و لغزش های دیگران در زمره خصوصیات سوء و ناشایست فرد و نشانه ی زشتی نفس عیب جو قلمداد شده است. از این رو، وقتی عمر، ابابکره را در منزلش به حد زنا محکوم ساخت، پس از اجرای کیفر به همسرش دستور داد که این امر را پنهان کند. چرا که خرد انگاری بزه که می تواند ناشی از باور شیوع و فراگیری آن باشد، زمینه ی تزلزل نظام ارزشی جامعه و فروپاشی ضوابطی را که تکیه گاه روابط اجتماعی است فراهم می سازد-هرچند جرم با واکنش های مکرر کیفری همراه باشد- این خطر بزرگ که ورشکستگی نظام جزایی در جریان مبارزه با تبهکاری، ثمره بلا تردید آن خواهد بود، به هیچ روی نمی تواند مورد بی توجهی و مسامحه قرار گیرد. (صادقی، م ۱۳۷۸، ص ۱۶۸)

در آیه دوم سوره مائده ... «و تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان و اتقوا الله ان الله شدید العقاب» هر گونه یاری رساندن به گناه و عدوان منع و نهی شده است و هر کسی که جرم را به صورت علنی انجام دهد، به نوعی اعانه بر اثم و گناه و کمک به انجام معصیت را دنبال کرده است. نظر به حرمت «اعانه بر اثم»، هر گونه اقدامی که منجر به تقویت گناه و متجاهر به فسق شود، غیرمجاز است و به همین جهت در برخی از منابع فقهی این مساله در باب پرداخت خمس مورد تصریح قرار گرفته و علی رغم این که عدالت در استحقاق دریافت خمس شرط نشده است، اما پرداخت خمس به متجاهر به معاصی را مجاز ندانسته است: «يعتبر الايمان او ما فی حکمه فی جمیع مستحقى الخمس، و لا تعتبر العدا له علی الاصح، و آن کان الاولی ملاحظه الرجحان فی الافراد، سيما المتجاهر بارتکاب الكبائر فانه لا ینبغی الدفع الیه منه، بل یقوی عدم الجواز اذا کان فی الدفع اعانه علی الاثم و العدوان و اغراء بالقبیح و فی المنع ردع عنه.» (اصفهانی، ۱۳۶۵ق ص ۳۲۰)

در احیاء علوم آمده است: بلال سعید گفت: معصیت چون پنهان باشد، جز صاحب آن را زیان ندارد و چون آشکارا بود، اگر آن را تغییر نکند زیان آن به همه کس برسد. (غزالی، ۱۳۶۶،

ص ۶۷۵) بنابراین افرادی که مرتکب جرائم آشکار شده و خود از شهرت یافتن به فسق احتراز نمایند و در حفظ کرامت خویش بی‌مبالا باشند، بیان کژی‌های رفتاری آنها هیچ حرمتی نخواهد داشت چرا که ممنوعیت تعقیب و پی‌جویی عیوب دیگران در خصوص کسانی است که سائر عیوب خویش باشد. بدیهی است که با انتفاء ستر، دلایل حرمت نیز منتفی می‌گردد. (انصاری، ۱۲۸۱، ص ۴۶) بزه پوشی درباره کسانی توصیه شده است که خود نیز بر اخفای جرائم و حفظ موقعیت انسانی و حیثیت خویش تأکید داشته باشند. امام صادق (ع) در مقام بیان ضوابط تعیین و تشخیص فرد عادل می‌فرماید: عدالت فرد را به عیب پوشی و عفت نفس، نگهداری شکم و شهوت، دست و زبان، از حرام بشناسید و شناسایی وی به این اوصاف به وسیله اجتناب از معاصی کبیره‌ای که خداوند متعال بیم کیفر آتش بر آنها داده مانند می‌گساری و ربا خواری و... میسر است و دلالت بر همه اینها که گفته شد این است که تمام عیب‌های خویش را مستور کند تا بر مسلمین، تجسس از لغزش‌ها و عیوب پنهان وی حرام شود و تزکیه و شناساندنش به عدالت در میان مسلمین واجب گردد. (حر عاملی بی تا ص ۲۸۸)

این روایت دلالت دارد بر حرمت تجسس و تفتیش در امور اشخاصی که عیوب و جرائم خویش را نهان می‌سازند. بنابراین حرمت تفتیش با انتفاء پوشیدگی منتفی می‌گردد. زیرا ممنوعیت تجسس، آنان را که از پاکی و صلاح بدور مانده زشتی‌های خویش را آشکار می‌کنند مشمول نخواهد بود. و از این رو است که: ما را فرموده اند که بپوشیم آنچه حق تعالی آن را پوشیده است و انکار کنیم بر کسی که آن را ظاهر گرداند (حر عاملی، بی تا، ص ۲۸۸)

گفتار دوم: از بین رفتن قبح منکر

از جمله آثار سوء رفتار مجرمانه مشهود این است که باعث می‌شود، گناه شایع شود و بدی‌ها عمومی، عادی، همگانی و قبح‌زدایی گردد. ارتکاب جرم به صورت مشهود اگر به صورت فرهنگ درآید، باعث به خطر افتادن امنیت روحی و روانی جامعه می‌گردد. در چنین جامعه‌ای ترس و وحشت از بزه دیده شدن باعث می‌شود که افراد جامعه به جای صرف وقت جهت پیشبرد سعادت خود و اهداف جامعه، بیشتر وقت خود را در تشویش و نگرانی ناشی از احتمال افشای مسایل خصوصی گذرانده و در نتیجه آن جامعه به جای حرکت رو به جلو و پیشرفت، جامعه‌ای ساکن خواهد بود و شاید حتی به عقب برگردد.

از آنجا که نظام سیاسی باید تأمین‌کننده‌ی امنیت مردم در همه ابعاد آن باشد، در چنین

جامعه‌ای به دلیل قصور و ناتوانی نظام سیاسی در این امر، اعتماد ملی و مردمی به تدریج سلب و در نتیجه رابطه مطلوبی بین آنان و جامعه برقرار نمی‌گردد. به دنبال آن زمانی که مردم مشاهده نمایند که دولت توانایی تأمین امنیت آنان را ندارد، علیه آن برخاسته و شاید حتی به سرنوشتی آن اقدام نمایند. در همین راستا طبق ماده ۱۰۰ قانون چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران دولت موظف گردیده است که به منظور ارتقای حقوق انسانی و استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و ... منشور حقوق شهروندی را با محورهای چند که یکی از آنها حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد است، به تصویب مراجع ذی صلاح برساند. بنابراین، جنبه دیگری که در توجیه بزه پوشی به ویژه به وسیله مجرم و ترغیب بدان مورد توجه قرار گرفته است حفظ کرامت و سرافرازی موقعیت انسانی است. زندگی آمیخته با احترام و برخوردار از عزت و شرافت از اولی‌ترین حقوق اساسی بشر است که به نحو گسترده‌یی در نظام اسلامی مورد توجیه قرار گرفته است.

خودافشاگری و یا ظاهرسازی زشتی‌ها از سوی مجرم که ملازم با هتک عزت نفس اوست و همچنین شکست حیثیت و وجهت مجرم از سوی دیگران نامطلوب شمرده شده است. تکلیف به حفظ کرامت نفس از اصولی است که در اخلاق اسلامی بر آن تأکید شده به طوری که اختیار تصرف در حیثیت و آبرو از اطلاق تسلط آدمی بر جان و مال و خویش استثنا شده است (طهری ۱۳۶۹، ص ۱۲۹) امام علی (ع) عزت و کرامت آدمی را با تمایلات زشت و مجرمانه در ستیز می‌داند و در وصیت‌های خویش به امام حسن (ع) از جمله می‌فرماید: اکرم نفسک عن کل دنیه. نفس خویش را از هر پستی بزرگ و برتر بدار. شخصیتی که به وسیله ابزار کیفر پست و بی‌مقدار شود. خود را در ارتکاب هر زشتی نکوهش نخواهد کرد. (جزیری، بی‌تا، ص ۱۳۱). همچنان که کسی که خود را بزرگ و با عزت بشمارد، شهوات و تمایلات مجرمانه در نظرش پست و کوچک است: من کرم‌ت علیه نفسه هانت علیه شهواته.

مبحث دوم: مبانی فقهی پاسخ‌گذاری برای جرم مشهود

منظور از مبانی فقهی پاسخ‌گذاری برای جرم مشهود، فلسفه اسلامی اعطاء اختیار به نهادهای غیرقضایی در مداخله و دادن پاسخ به رفتار مجرمانه مشهود و انجام اقدام لازم در جلوگیری از فرار مرتکب و حفظ ادله جرم است.

گفتار اول: جلوگیری از تجاهر به فسق

مراد از متجاهر به فسق «کسی است که مرتکب زشتی‌های آشکار شده و در مرئی و منظر مردم به انجام عمل مجرمانه دست می‌یازد (خمینی، بی‌تا، ص ۲۵۳». رفتارهای مجرمانه‌ای که به طور علنی صورت گرفته و یا پس از ارتکاب شایع و منتشر شده باشد، آثار سوء حاصل از انتشار جرم و نیز ضرورت واکنشی مناسب با آن و هماهنگ با انتظارات عمومی - که ناشی از شیوع بزهکاری در جامعه است - تمایل به بزه پوشی و امکان آن را منتفی می‌سازد - زیرا اصرار بر عدم تعقیب جزایی در این موارد - چه بسا احتمال قضاوت ناخوشایندی را در پی داشته باشد، که بر مبنای آن مجرمین - جدیت دستگاه عدالت جزایی را در مبارزه با بزهکاری مورد تردید قرار دهند و این قضاوت و برداشت نامناسب زمینه تجری بیشتر تبهکاران را فراهم سازد.

امام علی (ع) در خلال سفارش‌های سیاسی خود به مالک از جمله وی را از تجسس در امور پنهان مردم باز داشته و از برخورد و مقابله با جز آنچه آشکار می‌گردد نهی فرموده است مؤلفین اسلامی در بیان شرایط رفتارهای زشت یا مجرمانه‌ای که می‌توانند مشمول حبس واقع شود نوشته اند شرط منکرانی که محتسب باید از آن جلوگیری کند آن است که معصیت به طور آشکارا انجام گرفته و در آن نوعی تجاهر و تظاهر وجود داشته باشد والا هرکس که در خانه و پشت درهای بسته و پنهان مرتکب گناه می‌شود جایز نیست او را مورد جستجو و تجسس قرار داد مگر اینکه در یک چنین جستجویی مصلحتی وجود داشته باشد. بنابراین آنچه از محظورات و ممنوعات قانونی ظاهر نباشد مأموران و محتسبین نمی‌توانند درباره آنها تجسس نموده و پوشیدگی‌ها را ظاهر سازند.

اگرچه برخی در صورت آشکار شدن جرم نیز قائل به محدودیت‌هایی در امر کشف و تعقیب شده و نوشته اند اگر از درون خانه ایی صدای لهو معصیت آمیزی بشنود و ظاهر امر چنین نشان دهد که اهل خانه بدین وسیله قصد تجاهر به فسق دارند نمی‌توان به خانه داخل شود بلکه از بیرون خانه به آنها هشدار می‌دهد و آنان را از معصیت باز می‌دارد، زیرا در این جا گناهی که آشکارا انجام می‌شود، همان صدا است و محتسب حق جلوگیری از همان مقدار را دارد و بیشتر از آن وظیفه او نیست. برخی از نویسندگان علاوه بر شرایط خاص ارتکاب فعل، وضعیت و موقعیت مجرم را نیز از موانع اخفای جرم شناخته و بزه کارانی را که دارای حالت خطرناکی بوده ارتکاب جرم رویه عادی و معمول آنها شده باشد از امتیاز بزه پوشی بی بهره دانسته اند. بنابراین چنانچه شهود جرمی را شاهد باشند فقط در صورتی بر پوشیده داشتن آن و ترک گواهی توصیه شده‌اند

که مرتکب جرم تمایلی مستمر در ارتکاب آن نداشته باشد (صادقی، ۱۳۸۹، ص ۲۹)

بنابراین اگر حاکم آگاهی یافت که در خانه فلان شخص خمر موجود است باید دست نگه داشته و ستر و پوشیدگی وی را به این خبر هتک نکنند مگر در خصوص کسی که فسق خویش را به باده گساری و غیر آن آشکار کند. غزالی در این باره می‌نویسد: چون فاسقی دیده اید که زیر دامن او چیزی باشد آن را کشف نباید کرد تا آنگاه که به علامتی خاص ظاهر نشود چه فسق او دلالت نکند بر آنکه آنچه با اوست خمر است چه فاسق به سرکه و غیر آن هم محتاج باشد و دلیل نباید گرفت به پوشیدن آن، و بدانکه اگر سرکه بودی نپوشیدی، چه در پوشیدن غرض‌های بسیار محتمل است و اگر بوی، فایح (دمیده، برخاسته) باشد در محل نظر بود و ظاهر آنکه احتساب روا باشد زیرا که این علامتی مفید ظن است و ظن در امثال این کارها چون علم است و آنچه دلالت او ظاهر آمد مستور نباشد بل مکشوف بود و ما را فرموده اند که بیوشیم آنچه حق تعالی پوشیده است و انکار کنیم بر کسی که آن را ظاهر گرداند. (خوارزمی، ۱۳۶۶، ص ۷۰۳)

گفتار دوم: دفع منکر

قدر مسلم در سیاست جنایی اسلام مثل دیگر سیاست‌های جنایی، رفع معضل بزهکاری و دفع آن مورد توجه است، اصطلاح رفع بزهکاری در متون اسلامی به برطرف کردن علل و عوامل جرم‌زا و ریشه‌های جرم مربوط می‌شود، یعنی اتخاذ تدابیر پیشگیرانه اجتماعی و دفع جرایم مربوط به از بین بردن شرایط محیطی و از بین بردن فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم و نظارت، مراقبت و کنترل مجرمان است که همان اتخاذ اقدامات پیشگیرانه وضعی است. در عبارات فقها، پیشگیری وضعی با تعبیر «دفع منکر» بیان شده است: «فإن معنی دفع المنکر هو تعجیز فاعله عن الاتیان به و ایجاد فی الخارج سواء ارتدع باختياره او لم یرتدع و النهی عن المنکر لیس الا ردع الفاعل و زجره عنه علی مراتبه المقرره الشرعیه...» معنای دفع منکر ناتوان کردن مرتکب از انجام عمل مجرمانه و ایجاد آن در خارج است خواه به اختیار خود دست از عمل مجرمانه بکشد یا از انجام عمل منصرف نشود، در حالی که نهی از منکر چیزی جز منع کردن و بازداشتن طبق مراتب مقرر در شرع نیست. (خویی، ۱۳۷۱، ص ۱۸۱)

منصرف کردن بزهکار فقط به پیشگیری اجتماعی و وضعی خلاصه نمی‌شود به خصوص اگر بزهکاری به صورت مشهود اتفاق بیفتد و خطر قریب الوقوعی در میان باشد. براین اساس، اگر بخواهیم نهی از منکر را به مثابه یک اقدام پیشگیرانه وضعی به حساب آوریم، باید موقعیت‌های

پرریسک که شرایط وقوع بزهکاری مشهود را فراهم می‌کنند را شناسایی کرد. این موقعیت‌ها ممکن است ناشی از بزه دیده حمایت نشده، مکان حمایت نشده یا مال حمایت نشده و ... باشد (پاک نهاد، ۱۳۸۸، ص ۲۴۱) چون بزهکاری مشهود با رؤیت‌پذیری همراه است و عامل انسانی به عنوان مانع می‌تواند این موقعیت‌ها را تغییر دهد و از بروز بزه و آسیب‌های آن پیشگیری کند، لازم است شرایط و مراتب اقدام از سوی افراد به منظور جلوگیری از وقوع جرم مشهود مشخص و تبیین گردد.

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در ماده ۴ مراتب «امر به معروف و نهی از منکر» را در چهار مرحله قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی می‌داند و مراتب زبانی و نوشتاری آن را وظیفه آحاد مردم و دولت و مرتبه عملی آن را در موارد و حدودی که قانون مقرر کرده تنها وظیفه دولت دانسته است. بر همین اساس شاید در اولین مرحله، نهی کننده باید انزجار قلبی‌اش را به مرتکب جرم مشهود بفهماند که باید منکر و جرم مورد نظر را ترک کند. نشان دادن انزجار قلبی نیز در جاتی دارد، از جمله چشم فرو بستن، چهره در هم کشیدن، چهره یا بدن را برگرداندن و ترک مراوده و قهر کردن است. در مرحله دوم، نوبت به مرتبه «زبانی و گفتاری» می‌رسد، یعنی پاسخ به بزهکاری مشهود زبانی و گفتاری است، جایی که می‌توان با حرف و ارائه پیشنهاد بزهکار را از انجام فعل مجرمانه منصرف کرد (نهی از منکر با مرتبه زبانی). جلوه‌های گوناگون این مرحله را می‌توان این گونه بر شمرد: نصیحت و ارشاد با گشاده رویی و بیان تند و شدید و بالاخره نهی تهدید کننده و تحکم آمیز. نکته جالب توجه این است که رعایت ترتیب مراحل فوق، به نوع افراد و مرتکبین بستگی دارد، اما اگر با مجرم خطرناکی روبه رو شویم که تاثیر پذیری وی از مرحله دوم (انکار زبانی) بیش از مرحله اول (انکار قلبی) است، درباره او ابتدا از مرتبه زبانی شروع می‌شود. (جوان اراسته، ۱۳۹۰، ص ۲۶۶) بنابراین از جمله پاسخ‌هایی ابتدایی که شخص بزه دیده و دیگر شهروندان می‌تواند در این رابطه داشته باشد، منصرف کردن شخص مهاجم با امر به معروف و نهی از منکر است، مسلماً پیشنهاد و گفتگو و در نهایت یک انتقاد شاید یک راهکار سازنده باشد تا دفاع عملی که از سوی قوای دولتی که ممکن است یک راهکار عملی نیز می‌توان تذکر، تهدید و درگیری لفظی را بر دفاع مشروع که منجر به عمل مجرمانه می‌شود، ترجیح داد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نحوه مواجهه با جرایم مشهود و پیامدهای حقوقی آن یکی از معضلات پیش‌روی دستگاه پلیس به عنوان ضابط قضایی است بی‌تردید در صحنه جرم همیشه تشخیص مصادیق جرم مشهود خیلی آسان نیست و دشوارتر، نحوه و نوع واکنش متناسب نسبت به این گونه جرایم در مواقعی است که جرم در حقیقت مشهود نیست اما قانون‌گذار آن را در شرایطی مشهود به شمار می‌آورد. گرچه تشخیص این شرایط ظاهراً برعهده پلیس است، اما چنانچه پلیس در تشخیص جرم مشهود و نحوه واکنش نسبت به آن مرتکب خطا شود، چالش‌های حقوقی نمایان می‌شود. از سوی دیگر، وفق تبصره ۱ ماده ۴۵ آیین دادرسی کیفری، در جرایم مشهودی که دارای شرایط ویژه باشند، قانون‌گذار به شهروندان عادی این اختیار را اعطا نموده که به نوعی نقش ضابط قضایی را ایفا نمایند، از این رو نارسایی فوق به خطای شهروندان در مواجهه با جرایم مشهود و همچنین قلمرو اقدامات آنها نیز سرایت می‌کند. در این نوشتار به تبیین قواعد مربوطه از حیث معنا و مفهوم جرایم مشهود و اقداماتی که چه از جانب پلیس و چه از سوی شهروندان در این زمینه باید انجام شود و قلمرو مجاز دخالت آنها، پرداخته ایم.

جرایم مشهود در قوانین شکلی ایران از منظر نحوه ارتکاب جرم و اوضاع و احوال محیطی حاکم بر شرایط وقوع جرم مورد توجه قرار گرفته و به خاطر شرایط خاص حاکم بر آن جرم، قانون تسهیلاتی را برای رسیدگی جامعه در آئین دادرسی پیش‌بینی کرده است؛ از سوی دیگر در قوانین ماهوی ایران از جمله قانون مجازات اسلامی ارتکاب برخی از انواع جرایم به خاطر تظاهر و هتک حرمت اجتماع جرم‌انگاری خاص شده و مجازات آن‌ها را تشدید نموده است؛ این در حالی است، که در منابع فقهی گرچه در بدایت امر به این دسته از جرایم که با عنوان ارتکاب متجاهرانه فسق شناخته می‌شوند. توجه شکلی صورت نگرفته است و همان سیاست تقنینی قانون مجازات اسلامی پی گرفته شده و عموماً شاهد نوعی تشدید مجازات هستیم. در رویکرد آئین دادرسی کیفری، «تسهیل» و «تسریع» در تشریفات دادرسی و نحوه رسیدگی به این دسته از جرایم مورد توجه قرار گرفته، حال آن‌که «توجه ماهوی به پاسخهای اجتماعی به جرم» خصیصه اساسی رویکرد فقهی است، که در قالب «پاسخ‌های اجتماعی شدید و سخت‌گیرانه» و «محرومیت از برخی حقوق اجتماعی» تجلی یافته است. اما وجه شبه ادبیات فقهی و حقوقی را می‌توان در اصل تأسیس نهاد «جرایم مشهود» به عنوان یک نهاد مستقل و ویژه دانست. به نحوی که هم از دیدگاه فقهی و حقوقی، جرایم مشهود به واسطه «ارتکاب علنی» آن‌ها به عنوان یک نهاد خاص

با مختصات منحصر به فرد، تأسیس گردیده است.

در حقوق جزا جرایم با مبانی مختلف تقسیم‌بندی‌های مختلفی دارند. در یک نوع تقسیم‌بندی جرایم براساس عنصر مادی و به اعتبار لحظه مشاهده، به مشهود و غیرمشهود تقسیم می‌گردند. از آنجائی که نظام حقوقی ایران از یک‌سو ریشه‌ای عمیق و مبنایی در فقه امامیه دارد و از سوی دیگر متأثر از نظام‌های حقوقی غربی است، مطالعات و پژوهش‌های حقوقی بدون شناخت عمیق این مبانی منجر به سقوط در دام انحرافاتى مثل التقاط خواهد شد. از جمله نهادهای حقوقی ایران که دارای چنین ریشهٔ دوگانه‌ای است نهاد «جرایم مشهود» می‌باشد، که علاوه بر قانون آئین دادرسی کیفری که از منظر شکلی به این جرایم پرداخته است، در قانون مجازات اسلامی نیز برخی از انواع جرایمی که ماهیتاً مشهود می‌باشند، مورد توجه قرار گرفته است.

فهرست منابع

۱. سلیمی، صادق (۱۳۷۹)، *مجازات‌های تبعی در حقوق کیفری ایران*، شماره ۱۷۱، *مجله کانون وکلا*.
۲. سادات، محمدعلی (۱۳۶۰)، *مکتب و اصلاحات سیاسی*، چاپ اول، انتشارات‌های.
۳. داودی، هما (۱۳۸۵)، *گستره آزادی در تقابل حقوق کیفری سال یازدهم*، *مجله ندای صادق*.
۴. رهامی، محسن (۱۳۸۲)، *تحول و تعدیل مجازات‌ها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران*، شماره ۴، سال اول، *اندیشه‌های حقوقی*.
۵. محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۸) *نظام کیفردهی؛ هدف‌ها و ضرورت‌ها*، انتشارات میزان.
۶. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۳) *حقوق جزای عمومی ایران*، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. سوزنچی، حسین (۱۳۸۵)، *اصالت فرد*، جامعه یا هر دو، سال یازدهم، *مجله قیستان*.
۸. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۳، *حقوق جزای عمومی*. جلد نخست، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان.
۹. ارجمند، دانش، ۱۳۸۹، *ترمنولوژی حقوق جزای اسلامی*، چاپ سوم تهران، چاپ و صحافی سیمین.

۱۰. نوروزی فیروز، رحمت الله، ۱۳۹۰، حقوق جزای عمومی (مجازات)، چاپ اول، تهران نشر میزان.
۱۱. صلاحی، جاوید؛ ۱۳۸۹، درآمدی بر جرم شناسی و بزه دیده شناسی، چاپ اول، نشر میزان.
۱۲. آقایی جنت مکان، حسین، ۱۳۹۰، حقوق کیفری عمومی، جلد دوم بر اساس لایحه‌ی قانون مجازات اسلامی؛ چاپ اول، انتشارات جنگل، جاودانه.
۱۳. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۷، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ نهم تهران انتشارات مجد.
۱۴. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۶، بایسته‌های حقوق جزای عمومی {۱-۲-۳} چاپ پانزدهم، تهران، نشر میزان.
۱۵. صبری، نورمحمد، ۱۳۸۶، درآمدی بر روش تحقیق در حقوق، چاپ دوم زمستان تهران، نشر میزان
۱۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۳، مقدمه‌ی علم حقوق، چاپ هفتم کتابخانه‌ی گنج دانش.
۱۷. الرائد، جبران مسعود، ۱۳۸۶، فرهنگ الفبائی عربی - فرسی، ترجمه می‌انزایی نژاد، رضا، جلد دوم، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی چاپ پنجم.
۱۸. غیبی، فینا؛ ۱۳۹۶، محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری ایران با نگاهی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ناشر: یاوریان، چاپ اول